



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

سلسلہ نوری اوراق و مقالیں



انوارِ مرقیہ

در رفتار و گفتار صحابہ و تابعین

مؤلف: شیخ الاسلام ابن قیم
ترجمہ: محقق حسینی شیخ زکی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین

نویسنده:

نجم الدین طبسی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	فهرست مطالب
۱۵	مقدمه مترجم
۱۶	مقدمه نویسنده
۱۶	اشاره
۱۷	کتاب حاضر، دارای سه فصل است:
۱۷	فصل اول: صحابی ای که متعه را حلال شمرده و احياناً به آن عمل کرده‌اند:
۱۷	اشاره
۱۸	متعه یا ازدواج موقت
۱۸	ازدواج موقت از نظر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله
۱۸	اشاره
۱۹	۱- عمران بن حصین خزاعی (متوفای ۵۲ هـ.)
۱۹	اشاره
۲۰	عمران بن حصین کیست؟
۲۰	۲- ابو سعید خدری (متوفای ۷۴ هـ.)
۲۰	اشاره
۲۰	ابو سعید خدری کیست؟
۲۱	۳- جابر بن عبد الله انصاری (متوفای ۷۸ هـ.)
۲۱	اشاره
۲۲	جابر بن عبد الله انصاری کیست؟
۲۲	۴- زید بن ثابت انصاری (متوفی ۵۵ هـ.)

- ۲۲ اشاره
- ۲۳ زید بن ثابت کیست؟
- ۲۳ زید بن ثابت در نگاه ما
- ۲۳ ۵- عبد الله بن مسعود (متوفای ۳۲ هـ)
- ۲۳ اشاره
- ۲۴ ابن مسعود کیست؟
- ۲۴ ۶- سلمه بن اکوع (متوفای ۷۴ هـ)
- ۲۴ اشاره
- ۲۴ سلمه بن اکوع کیست؟
- ۲۵ ۷- علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ۴۰ هـ)
- ۲۵ اشاره
- ۲۶ علی بن ابی طالب علیه السلام کیست؟
- ۲۶ ۸- عمرو بن حرث (متوفای ۸۵ هـ)
- ۲۶ اشاره
- ۲۸ عمرو بن حرث کیست؟
- ۲۸ ۹- معاویه بن ابی سفیان (متوفای ۶۰ هـ)
- ۲۹ ۱۰- سلمه بن امیه
- ۲۹ اشاره
- ۳۰ سلمه بن امیه کیست؟
- ۳۱ ۱۱- ربیع بن امیه
- ۳۱ اشاره
- ۳۱ ربیع بن امیه کیست؟
- ۳۲ ۱۲- عمرو بن حوشب
- ۳۲ ۱۳- ابی بن کعب (متوفای ۳۰ هـ)

- ۳۲ اشاره
- ۳۳ ابی بن کعب کیست؟
- ۳۳ ۱۴- اسماء دختر أبو بکر (متوفای ۷۳ هـ).....
- ۳۳ اشاره
- ۳۵ اسماء بنت أبو بکر کیست؟
- ۳۵ ۱۵- امّ عبد الله بنت ابی خيثمه
- ۳۵ اشاره
- ۳۶ ابن یسار کیست؟
- ۳۷ ۱۶- عبد الله بن عباس بن عبد المطلب (متوفای ۶۸ هـ).....
- ۳۷ اشاره
- ۴۰ ابن عباس کیست؟
- ۴۰ اشاره
- ۴۱ چند ادعا و جواب آن:
- ۴۳ ۱۷- سمیر (متوفای ۵۹ هـ).....
- ۴۳ اشاره
- ۴۴ سمره کیست؟
- ۴۴ ۱۸- انس بن مالک (متوفای ۹۳ هـ).....
- ۴۴ اشاره
- ۴۴ انس بن مالک کیست؟
- ۴۴ اشاره
- ۴۵ نکته دارای اهمیت اینکه:
- ۴۵ ۱۹- ابن عمر (متوفای ۷۴ هـ).....
- ۴۶ لیست دیگر
- ۴۷ فصل دوم تابعین و فقها

- ۴۷ اشاره
- ۴۷ ۱- مالک بن انس
- ۴۷ اشاره
- ۴۸ مالک بن انس کیست؟
- ۴۸ اشاره
- ۴۹ و اما نظر ما در مورد مالک:
- ۴۹ ۲- احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ.)
- ۴۹ اشاره
- ۵۰ ابن حنبل کیست؟
- ۵۰ ۳- سعید بن جبیر (شهادت ۹۵ هـ.)
- ۵۰ اشاره
- ۵۱ سعید بن جبیر کیست؟
- ۵۱ ۴- عبد الملک بن عبد العزیز بن جریج (متوفای ۱۵۰ هـ.)
- ۵۱ اشاره
- ۵۱ روایت اسماعیل بن فضل هاشمی
- ۵۲ ابن جریج کیست؟
- ۵۳ ۵- عطاء بن ابی رباح (متوفای ۱۱۵ هـ.)
- ۵۳ اشاره
- ۵۴ عطا کیست؟
- ۵۴ ۶- طاوس یمانی (متوفای ۱۰۶ هـ.)
- ۵۴ اشاره
- ۵۴ طاوس کیست؟
- ۵۵ ۷- عمرو بن دینار (متوفای ۱۲۶ هـ.)
- ۵۵ اشاره

- ۵۵ عمرو بن دینار کیست؟
- ۵۶ ۸- مجاهد بن جبر (متوفای ۱۰۰ هـ.)
- ۵۶ اشاره
- ۵۶ مجاهد کیست؟
- ۵۷ ۹- سدّی (متوفای ۱۲۷ هـ.)
- ۵۷ اشاره
- ۵۷ سدّی کیست؟
- ۵۸ ۱۰- حَکَم بن عتیبه (متوفای ۱۲۵ هـ.)
- ۵۸ اشاره
- ۵۸ حکم کیست؟
- ۵۸ ۱۱- ابن ابی ملیکه (متوفای ۱۱۷ هـ.)
- ۵۸ اشاره
- ۵۹ ابن ابی ملیکه کیست؟
- ۵۹ ۱۲- زفر بن اوس بن حدّان مدنی
- ۵۹ اشاره
- ۵۹ زفر کیست؟
- ۶۰ ۱۳- طلحة بن مصرف الیامی (متوفای ۱۱۲ هـ.)
- ۶۰ اشاره
- ۶۰ طلحة بن مصرف کیست؟
- ۶۱ ۱۴- اهل مکه و یمن
- ۶۱ ۱۵- اهل بیت و تابعین
- ۶۱ صفحه‌ای از نام‌های دیگران
- ۶۲ چند نکته و چند شبهه
- ۶۲ اشاره

- ۱- آیا معتقدان به متعه، از نسخ آن آگاهی نداشته‌اند؟ ۶۲
- ۲- منع از متعه امری حکومتی بود یا ...؟ ۶۴
- اشاره ۶۴
- شاهد اول: تأکید ابن عمر بر عهد پدرش: ۶۵
- اشاره ۶۵
- حاشیه ذهبی: ۶۵
- شاهد دوم: تصریح جابر: ۶۶
- شاهد سوم: گفتگوی عمران بن سواده: ۶۶
- شاهد چهارم: تصریح امام علی علیه السلام ۶۸
- شاهد پنجم: تصریح مؤلفان و بزرگان: ۶۸
- اشاره ۶۸
- اسعد وحید قاسم فلسطینی می‌گوید: ۶۹
- ۳- آیا عمر ادعای نسخ کرده است؟ ۶۹
- ۴- کلمات فقهای اهل سنت و مفسرین آنها ۷۰
- ۵- آیا تحریم متعه اجماعی است؟ ۷۱
- ۶- آشفتگی در روایات تحریم ۷۲
- ۷- مناقشه در روایات معارض ۷۳
- اشاره ۷۳
- ۱- حدیث ترمذی ۷۳
- اشاره ۷۳
- بررسی سندی: ۷۳
- ۲- حدیث سعید بن جبیر ۷۴
- ۳- حدیث زهری ۷۵
- اشاره ۷۵

- چند اشکال: ۷۵
- ۴- حدیث سبزه ۷۷
- ۵- حدیث ایاس ۷۸
- ۶- حدیث أبو هریره ۷۹
- ۸- سلاح کسی که در پاسخ در مانده است! ۷۹
- اشاره ۷۹
- ۱- گفتگو میان امام باقر علیه السلام و لیثی ۸۰
- ۲- گفتگو میان ابو حنیفه و مؤمن طاق ۸۱
- کتابنامه ۸۲
- منابع و مأخذ ۸۳
- آثار منتشر شده از مؤلف ۸۸
- آثار خطی و چاپ نشده از مؤلف ۸۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین

مشخصات کتاب

سرشناسه : طبسی، نجم الدین، - ۱۳۳۴
 عنوان و نام پدیدآور : ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین / تالیف نجم الدین طبسی؛ مترجم محمدحسین شیرازی
 مشخصات نشر : قم : دلیل ما، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۱۵۱ ص.
 فروست : سلسه درسهایی از فقه مقارن؛ ۱.
 شابک : ۳۰۰۰۰ ریال-۱-۱۱۵-۳۹۷-۹۶۴-۹۷۸ :
 وضعیت فهرست نویسی : فاپا (چاپ دوم)
 یادداشت : چاپ اول: ۱۳۸۴ (فیفا).
 یادداشت : چاپ دوم.
 موضوع : متعه
 موضوع : زناشویی (اسلام)
 شناسه افزوده : اجرایی، محمدحسین، مترجم
 رده بندی کنگره : BP۱۸۹/۴/ط۲الف ۴ ۱۳۹۱
 رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۶
 شماره کتابشناسی ملی : م ۸۴-۱۰۴۱۱

فهرست مطالب

- مقدمه مترجم ۱۱
 مقدمه نویسنده ۱۵
 فصل اول
 صحابی ای که متعه را حلال شمرد و احیاناً به آن عمل کرده‌اند / ۱۷
 متعه یا ازدواج موقت ۱۹
 ازدواج موقت از نظر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله ۲۰
 ۱- عمران بن حصین خزاعی (متوفای ۵۲ هـ) ۲۰
 عمران بن حصین کیست؟ ۲۲
 ۲- ابو سعید خدری (متوفای ۷۴ هـ) ۲۳
 ابو سعید خدری کیست؟ ۲۳
 ۳- جابر بن عبد الله انصاری (متوفای ۷۸ هـ) ۲۴
 جابر بن عبد الله انصاری کیست؟ ۲۶
 ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶

- ۴- زید بن ثابت انصاری (متوفی ۵۵ هـ) ۲۷
 زید بن ثابت کیست؟ ۲۷
 زید بن ثابت در نگاه ما ۲۸
- ۵- عبد الله بن مسعود (متوفای ۳۲ هـ) ۲۸
 ابن مسعود کیست؟ ۲۹
- ۶- سلمه بن اکوع (متوفای ۷۴ هـ) ۳۰
 سلمه بن اکوع کیست؟ ۳۰
- ۷- علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ۴۰ هـ) ۳۱
 علی بن ابی طالب علیه السلام کیست؟ ۳۲
- ۸- عمرو بن حرث (متوفای ۸۵ هـ) ۳۳
 عمرو بن حرث کیست؟ ۳۶
- ۹- معاویه بن ابی سفیان (متوفای ۶۰ هـ) ۳۷
 ۱۰- سلمه بن امیه ۳۹
 سلمه بن امیه کیست؟ ۴۱
- ۱۱- ربیع بن امیه ۴۲
 ربیع بن امیه کیست؟ ۴۳
- ۱۲- عمرو بن حوشب ۴۳
 ۱۳- ابی بن کعب (متوفای ۳۰ هـ) ۴۴
 ابی بن کعب کیست؟ ۴۵
- ۱۴- اسماء دختر ابو بکر (متوفای ۷۳ هـ) ۴۶
 اسماء بنت ابو بکر کیست؟ ۴۸
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷
- ۱۵- ام عبد الله بنت ابی خثمه ۴۹
 ابن یسار کیست؟ ۵۱
- ۱۶- عبد الله بن عباس بن عبد المطلب (متوفای ۶۸ هـ) ۵۲
 ابن عباس کیست؟ ۵۷
 چند ادعا و جواب آن: ۶۰
- ۱۷- سمیر (متوفای ۵۹ هـ) ۶۳
 سمره کیست؟ ۶۴
- ۱۸- انس بن مالک (متوفای ۹۳ هـ) ۶۴
 انس بن مالک کیست؟ ۶۵
- ۱۹- ابن عمر (متوفای ۷۴ هـ) ۶۶
 ۲۰- لیست دیگر ۶۷

فصل دوم

تابعین و فقها / ۶۹

متعهد در میان تابعین و فقها ۷۱

۱- مالک بن انس ۷۱

مالک بن انس کیست؟ ۷۳

۲- احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ ه. ۷۵)

ابن حنبل کیست؟ ۷۵

۳- سعید بن جبیر (شهادت ۹۵ ه. ۷۶)

سعید بن جبیر کیست؟ ۷۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸

۴- عبد الملک بن عبد العزیز بن جریج (متوفای ۱۵۰ ه. ۷۷)

روایت اسماعیل بن فضل هاشمی ۷۸

ابن جریج کیست؟ ۷۹

۵- عطاء بن ابی رباح (متوفای ۱۱۵ ه. ۸۱)

عطاء کیست؟ ۸۲

۶- طاووس یمانی (متوفای ۱۰۶ ه. ۸۳)

طاووس کیست؟ ۸۳

۷- عمرو بن دینار (متوفای ۱۲۶ ه. ۸۴)

عمرو بن دینار کیست؟ ۸۵

۸- مجاهد بن جبر (متوفای ۱۰۰ ه. ۸۶)

مجاهد کیست؟ ۸۶

۹- سدی (متوفای ۱۲۷ ه. ۸۷)

سدی کیست؟ ۸۸

۱۰- حکم بن عتیه (متوفای ۱۲۵ ه. ۸۹)

حکم کیست؟ ۸۹

۱۱- ابن ابی ملیکه (متوفای ۱۱۷ ه. ۹۰)

ابن ابی ملیکه کیست؟ ۹۰

۱۲- زفر بن اوس بن حدثان مدنی ۹۱

زفر کیست؟ ۹۱

۱۳- طلحه بن مصرف الیامی (متوفای ۱۱۲ ه. ۹۳)

طلحه بن مصرف کیست؟ ۹۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹

۱۴- اهل مکه و یمن ۹۴

۱۵- اهل بیت و تابعین ۹۴

صفحه‌ای از نام‌های دیگران ۹۴

چند نکته و چند شبهه ۹۷

* ۱- آیا معتقدان به متعه، از نسخ آن آگاهی نداشته‌اند؟ ۹۹

* ۲- منع از متعه امری حکومتی بود یا ؟ ... ۱۰۳

* ۳- آیا عمر ادعای نسخ کرده است؟ ۱۱۱

* ۴- کلمات فقهای اهل سنت و مفسرین آن‌ها ۱۱۳

* ۵- آیا تحریم متعه اجماعی است؟ ۱۱۵

* ۶- آشفتگی در روایات تحریم ۱۱۷

* ۷- مناقشه در روایات معارض ۱۱۹

* ۸- سلاح کسی که در پاسخ در مانده است! ۱۳۰

کتابنامه ۱۳۵

منابع و مآخذ ۱۳۹

آثار منتشر شده از مؤلف ۱۴۹

آثار خطی و چاپ نشده از مؤلف ۱۵۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱

مقدمه مترجم

از مسائلی که همواره از موارد اختلاف میان شیعه و سنی بوده، «متعه» یا «ازدواج موقت» است. شک نیست که نکاح متعه در آغاز اسلام و شاید پیش از آن، رایج و معمول بوده و اسلام هم آن را با تغییر و اصلاحاتی تأیید و تصویب کرده است؛ تا جایی که نخستین کودک متولد شده از مهاجرین، یعنی عبد الله بن زبیر بن عوام، نتیجه این ازدواج است. تا اینجای سخن، میان امت اسلامی، اتفاق نظر وجود دارد و اختلاف تنها در «نسخ» آن است. (۱)

بسیاری از علمای اهل سنت قائل به حلیت آن در صدر اسلام‌اند و گروهی نیز پذیرفته‌اند که حلیت متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و دوران ابو بکر و چند سال از خلافت خلیفه دوم استمرار داشته است. و خلیفه دوم بعد از گذشت چند سال از خلافت خود، در اثر برخورد با بعضی جریانات

(۱). تفسیر فخر رازی، ج ۱۰، ص ۵۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲

(مشاهده فرزندی از راه متعه برای خواهرش و یا اقدام عمرو بن حریث و یا) ... دچار احساسات شد و با این تصور که این مسأله در حوزه اختیارات خلیفه است، آن را با سخن معروف خود: «مُتَعَتَانِ مُحَلَّلَتَانِ كَأَنَّتَا عَلَيَّ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَأَنَا أَحْرَمُهُمَا وَأَعَاقِبُ عَلَيْهِمَا» ممنوع نمود.

روشن است که پرداختن به مسأله حلیت و جواز متعه به جهت خواسته‌های نفسانی و خواهش دل نیست، بلکه برای مبارزه و مخالفت با بدعت و اقامه سنت اسلامی است.

امام هادی علیه السلام به بعضی از شیعیان نوشت: در امر متعه اصرار نوزید، آنچه بر شماست، اقامه سنت و مخالفت با بدعت است، نه پیگیری و اصرار در این کار، به طوری که موجب تنفر و اعراض از زن و فرزند شود و سرانجام منجر به بدبینی و نفرین به ما خاندان رسالت گردد.

از مدت‌ها پیش در اندیشه بودم که اختلاف مذاهب اسلامی در مسائل فقهی و اعتقادی؛ از جمله متعه (ازدواج موقت)، از چه رو و از کجا است؟ مسأله‌ای که قرآن کریم نیز آن را مشروع می‌شمارد!

در این زمینه، کتاب‌های بسیاری را دیدم، تا اینکه به اثر ارزشمند و بسیار مفید «الزواج الموقت عند الصحابه و التابعین» برخوردیم و آن را از جهات گوناگون، بدیع و پرفایده یافتیم؛ چرا که منابع و مآخذ این اثر، همگی از کتب معتبر اهل سنت است و نیز از تعدادی از بزرگان صحابه و تابعین یاد کرده که اعتقاد به حلیت متعه داشته‌اند.

سرانجام بر آن شدم که آن را به فارسی برگردانم تا خوانندگان فارسی زبان نیز از این اثر سودمند و ارزنده بهره‌مند شوند.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳

در اینجا مناسب دیدم که ترجمه سخنان آیت الله یزدی عضو شورای نگهبان در باره این کتاب را بیاورم:

این نوشتار، تحقیق دقیق و تتبع عمیقی در مورد مسأله حیاتی و مهم در طبیعت انسان و جامعه و حکم اسلام است، در قرآن کریم نیز (در سوره نساء: ۲۴) آنجا که می‌فرماید...: «وَآتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ» ... به این مسأله اشاره کرده است، چون اجر و مزد، غیر از صداق و مهر است.

این اثر محقق فاضل، متتبع کامل نجم الدین طوسی نیز همانند سایر آثار چاپ‌شده او که من مشاهده کرده‌ام همانند نماز تراویح و ارسال و تکفیر و سایر آنها مانند سجن و تغریب و ... شایسته تقدیر و مناسب برای انتشار میان مسلمانان با اختلاف مذاهب آنان است. چون ایشان به وسیله کتب و احادیث مورد وفاق آنها (اهل سنت) به دور از تعصب و یا کلام توهین‌آمیز و استدلال ضعیف به تبیین حق پرداخته است. خداوند به او خیر کثیر و پاداش فراوان عنایت فرماید! در شرایط کنونی غیر از این شیوه را نمی‌طلبند و در دوران‌های اخیر نیز بسیاری از علمای بزرگ ما مانند سید شرف الدین در تمامی آثارش؛ مراجعات و نص و اجتهاد اینچنین استدلال کرده‌اند.

خداوند بهترین پاداش را بر ایشان مهیا فرماید!

محمد یزدی

۸۰ / ۳ / ۱۵

در خاتمه توفیقات مؤلف محترم و سایر خدمتگزاران به دین مبین اسلام و مذهب اهل بیت عصمت را از خداوند متان خواستارم.

قم- محمد حسین شیرازی

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۵

مقدمه نویسنده

اشاره

□
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ

محمد بن عبد الله و أهل بيته الطاهرين.

از موضوعات و مسائل اختلافی میان مسلمانان، که حجم گسترده‌ای از بحث و گفتگو را به خود اختصاص داده، ازدواج موقت

(متعّه) است، که گروهی آن را با دلیل ثابت می‌کنند و عده‌ای منکرش می‌شوند، با اینکه روایات صحیح بسیاری بر اباحه و جواز آن تصریح دارد و با اینکه اصحاب پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله بعد از وفات آن حضرت تا عصر خلفا و بعد از آن، همچنان ازدواج موقت را جایز می‌شمرده‌اند که در باره آن بحث خواهیم کرد.

در این زمینه دهها کتاب و صدها مقاله نوشته شده که همه آنها همچنان بر جواز متعّه و نسخ نشدن آن تأکید دارد. نگارنده به جهت عدم تکرار و دوباره کاری آنچه نویسندگان و محققان محترم (که تلاش نیکشان مشکور باد!) تا کنون نوشته‌اند، دوست داشتم به گونه‌ای ویژه به این موضوع پردازم و آن را با شیوه تازه‌ای مطرح سازم.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۶

از این رو، تصمیم گرفتم اسامی گروهی از اصحاب و تابعین را گرد آورم که خود متعّه و ازدواج موقت کرده‌اند و یا اینکه عقیده‌شان بر جواز متعّه بوده است و نیز محدثانی که در عصر خلفا و بعد از آن، در این زمینه روایت کرده‌اند و یا نظر فقهی‌شان بر جواز و حلیت متعّه است.

پس از تحقیق و بررسی کوتاه، به نام‌های ده‌ها تن از اصحاب و تابعین و ... برخوردیم و گفته‌های آنان را، که بر جواز متعّه دلالت داشت، گردآوری کرده و به جایگاه علمی و موقعیت اجتماعی آنها و مسائل دیگری که به این موضوع ارتباط داشت، پرداختیم.

کتاب حاضر، دارای سه فصل است:

فصل نخست: در مورد آن دسته از اصحابی است که متعّه را حلال شمرده و احیاناً به آن عمل نیز کرده‌اند.

فصل دوم: در باره تابعان و فقیهانی است که معتقد به جواز متعّه هستند و شگفت آنکه بعضی از آنها فقط ازدواج موقت کرده (و از ازدواج دائم خودداری نموده‌اند).

فصل سوم: در بررسی مناقشات و پرسش‌هایی است که بر نسخ متعّه دلالت دارند و نیز درباره روایاتی است که از متعّه نهی می‌کنند و نیز بحث‌های دیگری که محل شبهه و سؤال خواننده عزیز است.

وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

نجم الدین طبسی

شهر مقدس قم، ۳۰ ربیع الثانی ۱۴۲۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۷

فصل اول: صحابی‌ای که متعّه را حلال شمرده و احیاناً به آن عمل کرده‌اند:

اشاره

۱- عمران بن حصین

۲- ابو سعید خدری

۳- جابر بن عبد الله انصاری

۴- زید بن ثابت انصاری

۵- عبد الله بن مسعود

۶- سلمه بن اکوع

۷- امام علی بن ابی طالب علیه السلام

۸- عمرو بن حُرَیث

۹- معاویة بن ابی سفیان

۱۰- سلمة بن امیه

۱۱- ربیعہ بن امیه

۱۲- عمرو بن حوشب

۱۳- ابی بن کعب و...

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۹

متعه یا ازدواج موقت

متعه، مقید کردن ازدواج و نکاح است به وقت مشخص با مهریه معلوم.

۱- ابن بزّاج می گوید: متعه، ازدواجی است که برای زمان مشخص و با مهریه‌ای معلوم باشد. «۱»

۲- ابن قدامه گوید: ازدواج متعه، به این معناست که شخصی با زنی برای مدتی مشخص ازدواج کند؛ مثل آنکه پدری بگوید:

دخترم را به ازدواج تو در آوردم برای مدت یک ماه یا یک سال، یا تا پایان مراسم حج و یا تا آمدن حاجیان از سفر حج، خواه آن

مدت معلوم باشد یا مجهول. «۲»

گفتنی است اگر مدت این ازدواج مشخص نباشد، متعه باطل است و همچنین اگر مدت ازدواج و پایان آن ذکر نشود، ازدواج دائم

منعقد می گردد. «۳»

۳- در کتاب «نظم المستعذب» نیز آمده است: متعه، از متاع گرفته

(۱). المهدّب، ج ۲، ص ۱۷۹

(۲). المغنی، ج ۶، ص ۶۴۲

(۳). شرایع الاسلام، ج ۲، ص ۳۰۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۰

شده و متاع چیزی است که تا زمانی از آن استفاده شود و تمّنع نیز بهره بردن از چیزی است تا هنگامی که مدّت و زمان آن به پایان

برسد. «۱»

ازدواج موقت از نظر صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله

اشاره

بنابر آنچه از تاریخ و روایات معتبر و نظریات فقهای اهل سنت برمی آید، گروهی از صحابه، حتی بعد از رحلت پیامبر بزرگوار

اسلام صلی الله علیه و آله؛ یعنی در زمان خلافت خلفا و نیز بعد از آنان، اعتقاد به ازدواج موقت داشته‌اند و نظریه فقهی آنان این

بوده که متعه جایز و مباح است.

اکنون به بیان نامهای برخی از آنها و جایگاه علمی و اجتماعی شان و نیز دلایل التّرام آنان به ازدواج متعه می پردازیم:

۱- عمران بن حصین خزاعی (متوفای ۵۲ هـ.)

اشاره

الف) در کتاب صحیح بخاری آمده است: عمران (رض) می‌گوید: آیه متعه در قرآن نازل شد، ما و پیامبر صلی الله علیه و آله به آن عمل می‌کردیم و آیه دیگری نیز نازل نشد که آن را حرام نماید و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در زمان حیاتش هرگز از آن نهی نکرد. مردی با نظر خودش (در نهی از متعه) چیزی گفته است. «۲»
عسقلانی می‌نویسد: مقصود از مردی که در این روایت آمده، خلیفه

- (۱). نظم المستعذب، ج ۲، ص ۴۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، ص ۶۰
(۲). صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۰۴، کتاب التفسیر، باب قوله تعالی: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ﴾؛ ...
(مأئده: ۸۷)

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۱

دوم، عمر بن خطاب است. «۱»

ب) احمد، امام مذهب حنبلی، در کتاب مسند با سند معتبر، که همگی - از نظر آنان - ثقه و مورد اعتمادند، از عمران بن حصین نقل می‌کند که او می‌گوید: آیه متعه در قرآن نازل شد، ما و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن عمل می‌کردیم و هیچ آیه‌ای که آن را نسخ کند، نازل نشد و پیامبر صلی الله علیه و آله هم تا زنده بود، از آن نهی نکرد. «۲»

ج) محمد بن حبيب هاشمی گوید: عمران بن حصین از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بود که متعه را جایز می‌شمرد و به آن اعتقاد داشت. «۳»

د) ثعلبی گفته است: نکاح متعه را فقط عمران بن حصین و عبد الله بن عباس و برخی از اصحاب او و طایفه‌ای از اهل بیت تجویز کرده‌اند. «۴»

د) رازی می‌گوید: عمران بن حصین گفته است: آیه متعه در قرآن نازل شد و آیه‌ای نیز که آن را نسخ کند، نازل نشد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ما را به انجام آن امر

- (۱). فتح الباری، ج ۸، ص ۳۴؛ شرح نووی، ج ۸، ص ۲۰۵؛ ارشاد الساری، ج ۱۰، ص ۶۱؛ عمده القاری، ج ۱۸، ص ۱۱۱؛ البته بعضی آن را به «متعه حج» تفسیر کرده‌اند که خلاف ظاهر است، بلکه مراد ازدواج موقت متعه است، چنانکه تفسیر رازی نیز گفته است.

(۲). مسند احمد، ج ۴، ص ۴۳۶

(۳). المحبّر، ص ۲۸۹، علامه نسابه، ابو جعفر محمد بن حبيب هاشمی (متوفای ۲۴۵ هـ)، ذهبی می‌گوید: صاحب کتاب محبّر اخباری، راستگو، واسع الروایه، آشنا به زمان و خیره در آن و او فرزند ملاعنه است که به مادرش منسوب شده، او از هشام بن محمد کلبی و دیگران گرفته و محمد بن احمد بن عزابه کوفی از او روایت نقل کرده، ابو سعید حسن بن الحسین شکری و ابو ربه بغدادی و دیگران؛ تاریخ الاسلام، حوادث سال ۲۴۱. ۲۵۰، ص ۴۲۳

(۴). الکشف البیان، ج ۳، ص ۲۸۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۲

کردند و ما از آن بهره می‌بردیم و پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، در حالی که ما را از آن نهی نکردند، سپس مردی با نظر خودش (در نهی از متعه) چیزی گفت. «۱»

به نظر می‌رسد مراد وی از آن مرد، عمر بن خطاب است، چنانکه رازی نیز گفته است.

(و قرطبی نوشته است: ازدواج متعه را جز عمران بن حصین و بعضی از صحابه کسی جایز نشمرده‌اند. «۲»)

عمران بن حصین کیست؟

۱- جزری می‌گوید: عمران بن حصین در سال جنگ خیر اسلام آورد و در چند غزوه با پیامبر صلی الله علیه و آله شرکت کرد و خلیفه دوم، عمر او را برای ترویج احکام به بصره فرستاد. او در بصره از فضیلت صحابه به شمار می‌رفت.

عبد الله بن عامر، قاضی بصره‌اش کرد. او مدت کوتاهی قاضی بود تا اینکه استعفا کرد و عبد الله نیز استعفایش را پذیرفت.

محمد بن سیرین گوید: هیچ‌یک از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله در بصره را برتر و والاتر از عمران بن حصین نمی‌شناختیم و او مستجاب الدعوه بود. «۳»

۲- ذهبی گوید: عمران بن حصین، الگو، پیشوا و از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود که در سال هفتم اسلام آورد و روایات زیادی در صحاح سته از وی نقل شده است. بخاری و مسلم در نه حدیث او اتفاق دارند و چهار حدیث در

(۱). تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۳؛ تفسیر الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۶

(۲). تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۳

(۳). اسد الغابه، ج ۴، ص ۱۳۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۳

صحیح بخاری و نه حدیث نیز در صحیح مسلم به طور خاص از او نقل شده است و احادیث مسند او به یکصد و هشتاد روایت می‌رسد. «۱»

همانگونه که پیشتر اشاره شد، گفته‌اند عمران بن حصین در سال جنگ خیر اسلام آورد و حال آنکه گروهی ادعا کرده‌اند که در آن سال متعه حرام شده است.

اما نظریه شیعه: مرحوم مجلسی او را ممدوح و مامقانی حسن شمرده‌اند. مرحوم تستری نیز او را پذیرفته است. «۲»

۲- ابو سعید خدری (متوفای ۷۴ هـ.)

اشاره

(الف) ابن حزم می‌گوید: از جمله کسانی که همچنان بر حلال بودن متعه باقی بود، ابو سعید خدری است. «۳»

(ب) ابو سعید خدری و جابر می‌گویند: ما تا نیمی از خلافت عمر متعه می‌کردیم، تا اینکه عمر در قضیه عمرو بن حرث، مردم را از آن نهی کرد. «۴»

ابو سعید خدری کیست؟

ذهبی می‌گوید: ابو سعید خدری، پیشوا، مجاهد و مفتی مدینه بود. او در جنگ خندق و بیعت رضوان نیز حضور داشت. از رسول خدا صلی الله علیه و آله بسیار حدیث نقل کرده است. وی یکی از فقها و مجتهدان بود ... بعضی گفته‌اند: در

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۳۰

(۲). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۰؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۴۲

(۳). المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۴). عمده القاری، ج ۸، ص ۳۱۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۴

میان اصحاب جوان پیامبر صلی الله علیه و آله کسی از او عالم‌تر نبوده است.

در صحاح سته از او روایت آمده و احادیث مسند او به هزار و صد و هفتاد می‌رسد. صحیح بخاری و مسلم به اتفاق، چهل و سه روایت از او آورده‌اند. صحیح بخاری شانزده روایت و صحیح مسلم پنجاه و دو روایت به طور خاص (غیر از روایات مشترک) از او نقل کرده‌اند. «۱»

نکته قابل توجه آن است که این صحابی که منصب فتوا را بر عهده داشته، همانگونه که دقت می‌کنید، بر التزام عملی خود به ازدواج موقت تصریح دارد که عمر مردم را از متعه نهی کرده است، نه اینکه در نهی از آن به نسخ قرآن یا نهی پیامبر صلی الله علیه و آله استناد نماید.

اما از نظر ما: مرحوم مامقانی، ایشان را توثیق کرده است. «۲»

۳- جابر بن عبد الله انصاری (متوفای ۷۸ هـ)

اشاره

الف) در صحیح مسلم آمده است: محمد بن رافع، از عبد الرزاق، از ابن جریج و او از ابو زبیر نقل کرده که می‌گوید: از جابر بن عبد الله شنیدم که می‌گفت: ما، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و أبو بکر با یک مشت خرما و آرد متعه می‌کردیم، تا اینکه عمر در قضیه عمرو بن حریث مردم را از آن نهی کرد. «۳»

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۷۲؛ المحبّر، ص ۴۲۹؛ تاریخ بغداد، ص ۱۸۰؛ اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۸۹؛ الوافی بالوفیات، ص

۱۴۸

(۲). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۱

(۳). صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۲۳؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۹؛ مسند احمد، ج ۳، ص ۳۸۰؛ بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۵۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۵

ب) در صحیح مسلم همچنین آمده است: حسن حلوانی از عبد الرزاق و او از ابن جریج نقل کرده که گفت: عطا می‌گوید: جابر بن عبد الله از عمره برگشته بود و ما، در منزلش بودیم، مردم از او پرسش‌هایی پرسیدند و سپس از متعه سخن به میان آمد، جابر گفت: آری، ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و أبو بکر و عمر متعه می‌کردیم. «۱»

ج) طبری می‌گوید: از جابر نقل شده است که می‌گفت: مردم زنهارا متعه می‌کردند تا اینکه عمر بن خطاب آنان را نهی کرد. «۲»

ه) محمد بن جعفر از شعبه نقل می‌کند و می‌گوید: شنیدم که قتاده از ابی نصره نقل می‌کرد: ابن عباس به (حلیت) متعه نظر می‌داد و ابن زبیر از آن نهی می‌کرد، پس من (درباره متعه) با جابر بن عبد الله مطالبی گفتم، او در این هنگام گفت: جریان تحریم متعه نزد من است؛ ما در زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله متعه می‌کردیم، تا اینکه دوران عمر رسید و او بپا خاست و گفت: خداوند برای پیامبرش هرچه را خواست، حلال کرد و قرآن نیز جایگاه آن را مشخص نمود؛ حج و عمره را آنگونه که خداوند فرمان داده انجام دهید و با زنان، آن‌طور که خداوند دستور داده ازدواج کنید، لیکن مردی را نزد من نیاورند (که تا مدت معین - متعه - ازدواج کرده است) مگر آنکه او را سنگسار خواهم کرد. «۳»

(۱). همان

(۲). کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۰، ح ۴۵۷۱۹؛ الحاوی الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۵۵؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۳). ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۲، صص ۷۲۰-۷۱۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۶

و... از عمرو بن دینار، از جابر بن عبد الله نقل می‌کند که گفت: در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و در زمان أبو بکر و عمر زنان متعه می‌شدند تا اینکه قضیه عمرو بن حرث پیش آمد و عمر گفت: ما متعه می‌کردیم و بر آن وفادار بودیم اما می‌بینیم که شما متعه می‌کنید و وفا نمی‌کنید، پس ازدواج کنید و از متعه پرهیزید. «۱»

جابر بن عبد الله انصاری کیست؟

ذهبی گوید: او پیشوای بزرگ، مجتهد، حافظ قرآن، از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و فقیه و از کسانی بود که در بیعت رضوان حضور داشت. علوم زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده است و در زمان خود مفتی مدینه بوده و احادیث مسند او به هزار و پانصد و چهل می‌رسد.

صحیح بخاری و مسلم در نقل پنجاه و هشت حدیث از وی اتفاق دارند و صحیح بخاری بیست و شش حدیث و صحیح مسلم یکصد و بیست و شش حدیث از او - به طور خاص و منفرد - نقل کرده‌اند. «۲»

آیا می‌توان گفت کسی که مفتی مدینه و از فقیهان بزرگ و روایت کننده علوم فراوان از پیامبر صلی الله علیه و آله است، حرمت متعه و نسخ آن را نداند و این مسأله بر او مخفی بماند؟

و نکته دارای اهمیت اینکه، جابر با لفظ جمع می‌گوید: «کنا نستمتع»؛ یعنی ما متعه می‌کردیم. بنابراین، معلوم می‌شود که این مسأله در میان

(۱). ابن شبه، تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۷

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۹۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۷

اصحاب، تا زمان خلافت عمر شایع و رایج بوده است.

۴- زید بن ثابت انصاری (متوفی ۵۵ هـ)

هاشمی گوید: از میان صحابه کسی که متعه را حلال می‌شمرد، زید بن ثابت انصاری بود. «۱»

زید بن ثابت کیست؟

به گفته ذهبی: زید بن ثابت، پیشوای بزرگ، شیخ قاریان و مفتی مدینه و کاتب وحی بود و کسی بود که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را گردآوری می‌کرد.

ابن عمر می‌گوید: زید بن ثابت در زمان خلافت عمر عالم و دانشمند مردم بود.

سلیمان بن یسار نیز می‌گوید: عمر و عثمان در واجبات و فتوا و قرائت قرآن و قضاوت، کسی را بر زید بن ثابت مقدم نمی‌داشتند. مالک می‌گوید: پیشوای مردم در نزد ما، بعد از عمر، زید بن ثابت است. ابن عباس نیز می‌گوید: همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به خوبی می‌دانند که زید بن ثابت از راسخان در علم است.

و أبو هریره گفته است: او دانشمند این امت است. «۲»

نیک بنگرید، کسی که عالم و دانشمند مردم بوده و در فتوا و قرائت از

(۱). المحبّر، ص ۲۸۹

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۴۳۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۸

دیگران جلوتر است و از راسخان در علم به شمار می‌آید، قائل به حلال بودن متعه است و هرگز به نهی عمر بن خطاب اعتنا و اعترافی ندارد و نهی او را بیانگر نسخ قرآن و یا منع رسول خدا صلی الله علیه و آله نمی‌داند!

زید بن ثابت در نگاه ما

مامقانی گوید: در بیان حال او کافی است که بگوییم: زید بن ثابت عثمانی مذهب بوده است.

به نظر می‌رسد مامقانی این مطلب را از قول ابن اثیر نقل کرده که می‌گوید: زید بن ثابت عثمانی مذهب بود و در هیچ یک از جنگها با علی علیه السلام شرکت نداشت.

امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: شهادت می‌دهم که زید بن ثابت در واجبات، به حکم جاهلیت فتوا داده است.

و اما موضوع جمع آوری قرآن، که به او نسبت داده‌اند، مورد شک و تردید است. آیت الله خوئی به تفصیل به آن پرداخته‌اند. «۱»

۵- عبد الله بن مسعود (متوفای ۳۲ هـ)

اشاره

الف) ابن حزم می‌گوید: بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی از اصحاب سلف از جمله ابن مسعود بر حلال بودن متعه باقی ماندند. «۲»

(۱). تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۶۲؛ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۵۴۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۷، ص ۳۳۶؛ أسد الغابه، ج ۲، ص ۲۲۲؛

البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۵۷

(۲). المحلی، ج ۵، ص ۵۱۹ و شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۲۹

(ب) شیخ مفید از مجتبر نقل می‌کند که: ابن مسعود قائل به جواز متعه بود. «۱»

ابن مسعود کیست؟

ذهبی گوید: او پیشوا، دانشمند، فقیه امت و از کسانی است که سبقت در دین داشت و از برگزیدگان جهان بود. در جنگ بدر شرکت کرد و دو بار (با پیامبر صلی الله علیه و آله) هجرت داشت و در روز یرموک نگهبان و امانت‌دار غنائم بود و فضیلت‌های او بسیار بوده و علوم زیادی را نقل کرده است.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در شأن او فرمود: «تو جوان علم‌آموزی هستی!» و عبد الله بن مسعود یکی از چهار نفری است که در جنگ احد تا آخر در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله باقی ماند.

ابو مسعود انصاری می‌گوید: به خدا قسم! بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله کسی را آگاهتر به کتاب خدا از ابن مسعود سراغ ندارم. از علی علیه السلام در مورد ابن مسعود پرسیدند، فرمود: ابن مسعود قرآن را قرائت کرد و آن را با دقت و تأنی همراه نمود؛ چه نیک عمل کرد و به سنت نیز آگاهی یافت.

صحیح بخاری و مسلم در شصت و چهار حدیث او اتفاق دارند و صحیح بخاری بیست و یک حدیث و صحیح مسلم سی و پنج حدیث، به طور جداگانه، از او نقل کرده‌اند و احادیث او در مسند «بقی»، با مکررات به چهل و هشت مورد می‌رسد. «۲»

(۱). مصنفات شیخ مفید، ص ۹؛ الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام، ص ۳۶

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۶۱؛ طبقات ابن سعد، ج ۳، ص ۱۰۶؛ تاریخ خلیفه، ص ۱۰۱؛ الجرح و التعديل، ج ۵، ص ۱۴۹؛

تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۴۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۰

قابل توجه و دقت است کسی که آنان اعتراف دارند که دانشمند، فقیه امت و دانا به کتاب خداوند بود، قائل به جواز متعه است.

در مورد ابن مسعود باید گفت: که او با حکومت همراه شد و به آنها تمایل داشت و بالأخره از علی علیه السلام تبعیت نکرد. «۱»

گرچه بعضی مانند مامقانی او را از ثقات می‌دانند. «۲»

۶- سلمه بن اکوع (متوفای ۷۴ هـ)

اشاره

هاشمی گوید: از کسانی که معتقد به جواز متعه بود، سلمه بن اکوع اسلمی است. «۳»

سلمه بن اکوع کیست؟

ذهبی می‌گوید: بعضی گفته‌اند: او در جنگ موته حضور داشت و در بیعت رضوان نیز شرکت کرد.

سلمه می‌گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله تا پای جان بیعت کردم و در هفت غزوه با ایشان همراه شدم. و بازمی‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله بارها کسی را در پی من فرستاد و بارها دست بر صورتم کشید و بارها به تعداد انگشتان دو دستم برایم استغفار کرد.

- (۱). معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۲۲۲؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۶۰۴؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۵
 (۲). المحبر، ص ۲۸۹؛ حاوی کبیر، ج ۱۱، ص ۴۵۵؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴؛ مسائل الصاغانیه، ص ۳۸
 (۳). همان

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۱

زیاد بن مینا می‌گوید: ابن عباس و سلمه بن اکوع با افراد دیگری در مدینه صاحب فتوا بودند و بعد از مرگ عثمان تا پایان عمر حدیث نقل می‌کردند... در صحاح سته از او حدیث نقل شده است و حدیث او از عالی‌ترین احادیث صحیح بخاری است. «۱»
 ابن اکوع بعد از وفات عثمان نیز نقل حدیث می‌کرد و گویا آن زمان، آغاز رفع سختگیری و فشار از نقل حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله بود که این محدث و مفتی، معتقد به جواز متعه بود و برای نهی خلیفه دوم اهمیتی نمی‌دهد، چون این نهی بر گرفته از اجتهاد و رأی او بوده است.

مرحوم مامقانی او را شیعه و ممدوح شمرده، روایتش را حسن می‌داند. «۲»
 و نمازی رحمه الله نیز او را ممدوح و جزو یاران امیر مؤمنان علیه السلام می‌داند. «۳»

۷- علی بن ابی طالب علیه السلام (شهادت ۴۰ هـ)

اشاره

الف) هاشمی گوید: از میان صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، علی بن ابی طالب علیه السلام قائل به جواز متعه بود. «۴»
 ب) رازی می‌گوید: طبری از علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کرده که فرمود:

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۲۶؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۸؛ معجم رجال الحديث، ج ۸، ص ۲۰۱؛ قاموس الرجال، ج ۵، ص ۲۱۰

(۲). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۸

(۳). مستدرکات علم الرجال، ج ۴، ص ۱۰۶

(۴). الاعلام، ص ۳۷، در تذکره شیخ مفید از محبر نقل شده است ولی در چاپ جدید آن آن را حذف کرده‌اند.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۲

اگر عمر مردم را از متعه نهی نمی‌کرد، جز انسان بدبخت مرتکب زنا نمی‌شد. «۱»

ج) رازی همچنین گفته است: اگر برای نهی از متعه ناسخی وجود داشت، قطعاً به وسیله اخبار متواتر و یا خبر واحد معلوم و مشخص می‌شد. اگر با اخبار متواتر مشخص شده است، چگونه ممکن است علی بن ابی طالب علیه السلام و عبد الله بن عباس و عمران بن حصین آن را انکار کنند و با آن مخالفت نمایند؟ آیا چنین چیزی ممکن است؟ «۲»

د) ابن حزم می‌گوید: در باره قول به جواز متعه، از علی بن ابی طالب نظریات مختلفی نقل شده است. «۳»

علی بن ابی طالب علیه السلام کیست؟

چه می‌توان گفت درباره کسی که دروازه شهر علم و حکمت است. کسی که او با قرآن و قرآن با اوست. کسی که او با حق و حق نیز با اوست و بالأخره کسی که اگر نبود، خلفا هلاک می‌شدند، بلکه اگر نبود، خیمه دین، ستون و عمودی نداشت!

چه می‌شود گفت درباره کسی که پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله در شأن او فرمود: هر کس می‌خواهد به آدم علیه السلام در حلمش و به ابراهیم علیه السلام در مقام خلیل بودنش و به موسی علیه السلام در مناجاتش و به یحیی علیه السلام در زهدش

(۱). تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۰؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۲، ح ۴۵۷۲۸؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰

(۲). تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۲

(۳). المحلّی، ج ۹، ص ۵۲۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۳

و به عیسی علیه السلام در وقارش بنگرد، پس به علی بن ابی طالب نظر کند. «۱»

علی علیه السلام کسی است که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در مورد او می‌فرماید:

تا علی زنده است، زمین از من خالی نیست. باقی مانده و جانشین من در دنیا علی است. علی در دنیا جانشین من است بعد از من. او چونان پوست من، گوشت من، استخوان من، خون من، رگهای من، برادر و وصی من در میان اهل بیتم و جانشینم در میان امتم و وفا کننده به عهد و پیمان من و ادا کننده دین من و در سختی‌های کار همراه من است. علی کافران را در کنار من به خاک و خون کشید و در هنگام وحی مرا دید و همراهی‌ام کرد. غذای نیکان و ابرار را با من خورد و بارها جبرئیل در روز روشن با او مصافحه کرد و گونه راستش را بوسید و به من گواهی داد که علی از پاکیزگان و برگزیدگان است و من نیز به شما ای مردم، گواهی می‌دهم که تا علی در میان شماست، پرسش‌های خود را از کسی جز او نپرسید. «۲»

۸- عمرو بن حرث (متوفای ۸۵ هـ)**اشاره**

وی از کسانی است که در زمان خلافت عمر بن خطاب اقدام به ازدواج موقت کرد و عبد الرزاق در مصنف خود و طبری نیز در تفسیرش از جابر بن عبد الله انصاری آن را نقل کرده‌اند.

(۱). تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۲۵، نک: تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۸۸؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۹۶، فضائل علی علیه السلام.

(۲). تفسیر فرات کوفی، ص ۱۵۴، ح ۱۹۲؛ بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۳۱۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۴

الف) ابن حزم می‌گوید: بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله گروهی از اصحاب، از جمله عمرو بن حرث معتقد بودند که متعه حلال

است. (۱)

ب) عبد الرزاق از ابن جریج و او از عطا نقل می‌کند که گفت: نخستین بار متعه را از صفوان بن یعلی شنیدم. بعضی آن را انکار کردند. از ابن عباس پرسیدم، گفت: آری، چنین است.

آن را در دل نمی‌پذیرفتم تا اینکه جابر بن عبد الله از حج آمد، به منزلش رفتیم، مردم پرسش‌های گوناگون نموده، به متعه اشاره کردند، جابر گفت: آری! در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و أبو بکر و عمر متعه می‌کردیم، تا اینکه در اواخر خلافت عمر، عمرو بن حرث با زنی ازدواج موقت کرد، (جابر اسم آن زن را نیز گفت، لیکن ما فراموش کردیم). آن زن حامله شد و عمر وقتی از این قضیه آگاهی یافت، صحت و سقم این خبر را از آن زن پرسید، زن پاسخ داد: آری، عمر گفت: چه کسی شاهد بود؟ عطا می‌افزاید: نمی‌دانم آن زن گفت: مادرم یا سرپرست و ولی من. (۲)

از سخن عمر که گفت: «من أشهد؟»؛ «چه کسی شاهد بود؟»، چنین فهمیده می‌شود که شخص عمر نیز در ازدواج متعه در صورت بودن شاهد اشکالی نمی‌دید؛ به عبارت دیگر، در ازدواج حضور شهود معتبر است و عدم آن، عقد را مختل می‌کند، همانطور که مبنای تمام اهل سنت است و گفته ابن حزم نیز گواه آن است که عمر بن خطاب منکر متعه است، در صورتی که دو

(۱). المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۲). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۶؛ کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۸، ح ۴۵۷۱۲؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۴۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۵

شاهد عادل بر آن گواهی ندهد، اما با بودن شهادت عدلین، آن را مباح می‌دانند. (۱)

ج) هندی می‌گوید: طبری از سعید بن مسیب نقل می‌کند که گفت: ابن حرث و پسر فلانی (هر دو) متعه کردند و برای ابن حرث از متعه در زمان أبو بکر و عمر فرزندان نیز متولد شد. (۲)

آیا ابن حرث که از صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بود، مرتکب زنا و فحشا شد و فرزندان از زنا یا اولاد شبهه ناک داشت؟! (د) عبد الرزاق از ابن جریج نقل می‌کند که گفت: أبو الزبیر به من خبر داد که از جابر بن عبد الله شنیدم، می‌گفت: عمرو بن حرث از کوفه آمد و کنیزی را متعه کرد و عمر را از این قضیه آگاهی یافت و آن کنیز حامله شد. آنگاه عمر از او ماجرا را پرسید و او گفت: عمرو بن حرث مرا متعه کرد.

عمر از ابن حرث نیز پرسید و او نیز همان را بازگو کرد. عمر گفت: چرا با دیگری چنین کاری نکردی؟ این زمانی بود که عمر از متعه نهی کرده بود. (۳)

ه) گفته می‌شود عمرو بن حرث زنی از بنی سعد بن بکر را متعه کرد و فرزندی از او متولد شد. ولی عمرو، فرزندی او را انکار کرد. (۴)

و) ابن شُبّه می‌گوید: ابن ابی خدّاش موصلی (۵) از عیسی بن یونس، از

(۱). المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹

(۲). کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۱۸، ح ۴۵۷۱۲

(۳). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۰؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۷۲، و ج ۱۱، ص ۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۷۱؛ سنن

کبری، ج ۷، ص ۲۳۷

(۴). تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۹

(۵). اسدی موصلی، (متوفای ۲۵۵ هـ)، و بعضی گفته‌اند ۲۰۵ هـ. کتاب خلاصه خزر جی، ص ۱۷۳.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۶

اجلح نقل می‌کند که گفت: از ابو الزبیر شنیدم از آنچه جابر بن عبد الله روایت کرده بود، می‌گوید: عمرو بن حرث زنی در مدینه را متعه کرد و او حامله شد. عمر این قضیه را فهمید و خواست آن زن را بزند، زن خطاب به عمر گفت: ای امیر المؤمنین، عمرو بن حرث مرا متعه کرد. عمر پرسید:

چه کسی شاهد ازدواج شما بود؟

زن گفت: مادر و خواهرم. عمر پرسید: بدون (اذن) ولی و وجود شاهد؟! آنگاه کسی را در پی عمرو فرستاد و او را نزد خود خواند و از او نیز همان را پرسید، عمرو پاسخ داد: راست گفته است. عمر در این هنگام به مردم گفت: این ازدواج فاسد است، چون در آن، مسائل و مشکلاتی وجود دارد که می‌بینید. آنگاه تصمیم گرفت آن را حرام نماید. ابو الزبیر می‌گوید: به جابر گفتم آیا میان آن دو ارثی هم وجود دارد؟ گفت: نه. «۱»

عمرو بن حرث کیست؟

ابن حرث جزو آخرین صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که به کوفه عزیمت کرد. او پیش از هجرت متولد شد و مدت‌ها همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و از ایشان روایاتی نقل کرده است. در صحاح سته نیز روایاتی از او آمده است. عمرو بن حرث می‌گوید: مرا نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله بردند، در حالی که کودکی بودم و آن حضرت برایم درخواست برکت کرد و دست به سرم کشید و به وسیله (پرتاب) تیری در مدینه زمین را برایم مشخص کرد، آنگاه پرسید: آیا بیشتر عطا کنم؟

(۱). تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۷

واقدی گوید: وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، عمرو بن حرث دوازده ساله بود. «۱»

گفتنی است، ابن حرث در کوفه با بنی امیه همراه شد و آنها نیز به او تمایل پیدا کردند و با او حکومت خود را استحکام بخشیدند و او در دلش نیز طرفدار آنها بود و (متأسفانه در تأیید حکومت اموی) کلمات عجیبی از زبان او جاری شد و او سرگذشت سیاه و تاریکی دارد. پناه می‌بریم به خداوند از شر شرک به خدا و نفاق. «۲»

۹- معاویه بن ابی سفیان (متوفای ۶۰ هـ)

الف) ابن حزم گوید: گروهی از اصحاب، از جمله معاویه بن ابی سفیان، بعد از وفات پیامبر نیز معتقد به جواز و حلیت متعه بودند. «۳»

ب) ابو الزبیر نیز می‌گوید: از جابر بن عبد الله شنیدم که می‌گفت:

معاویه بن ابی سفیان در راه بازگشت از طائف (در جنگ ثقیف) کنیز ابن حزمی به نام معانه را متعه کرد.

جابر می‌گوید: من در زمان خلافت معاویه می‌دیدم که معاویه هر سال برای معانه هدایایی می‌فرستاد تا اینکه از دنیا رفت. «۴»

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۱۹؛ أسد الغابه، ج ۴، ص ۹۸؛ استیعاب، ج ۳، ص ۲۵۶؛ الإصابه، ج ۲، ص ۵۲۴

(۲). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۲۷؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۸۴، ج ۱۹، ص ۹۹

(۳). محلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ زرقانی نیز معاویه را از کسانی شمرده است که متعه را جایز می‌داند، ج ۳، ص ۱۵۴، ح ۱۱۷۸

(۴). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۸

(ج) عبد الرزاق از ابن جریج و او از عطا نقل می‌کند که گفت: نخستین کسی که در مورد متعه از او شنیدم، صفوان بن یعلی بود. (عطا) گفت:

صفوان از یعلی برایم نقل کرد که معاویه، در طائف زنی را متعه کرد. سخنش را نپذیرفتم. نزد ابن عباس رفته از وی پرسیدیم، گفت: بله، چنین است. باز آن را در دلم نپذیرفتم، تا اینکه جابر بن عبد الله آمد و ما به منزلش رفتیم، مردم مطالب مختلفی پرسیدند و آنگاه از متعه سخن به میان آمد. جابر گفت: بله، ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و ابو بکر و عمر متعه می‌کردیم و «... ۱» شکی نیست که از معاویه بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج موقت صورت گرفته است، چون:

اولاً: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در جواز متعه تا روز فتح (بنا بر حدیث سیره و نیز فتح مکه و جنگ اوطاس طبق حدیث جابر «۲») کسی تردیدی نداشته است و ثانیاً: معنا ندارد که با وجود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از ابن عباس و جابر در این زمینه سؤال شود. ثالثاً: طبق این روایت تولد عطا در سال پنجاه هجری بوده است «۳» و معاویه در سال فتح مکه مسلمان شد، یعنی همان سالی که مدعی تحریم آن شده‌اند.

(۱). همان، ص ۴۹۶

(۲). شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۳). سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۱۴۳، در مورد معاویه گفته اسحاق بن ابراهیم حنظلی کافی است که می‌گوید: در فضیلت معاویه از پیامبر اکرم هیچ روایت صحیحی نیست. موضوعات ابن جوزی، ج ۲، ص ۲۴، لآلی المصنوعه، سیوطی، ج ۱، ص ۳۸۸؛ فوائد مجموعه شوکانی، ص ۴۰۷؛ تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۸؛ عمده القاری، ج ۱۶، ص ۲۴۹؛ ارشاد الساری، ج ۶، ص ۱۴۱؛ فتح الباری، ج ۷، ص ۸۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۳۹

۱۰- سلمه بن امیه

اشاره

(الف) ابن حزم گوید: گروهی از اصحاب سلف، از جمله ... معبد و سلمه فرزندان امیه بن خلف، معتقد به جواز و حلیت متعه بودند. «۱»

(ب) عبد الرزاق از ابن جریج، از عمرو بن دینار، از طاووس، از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: عمر جز امّ اراکه مراعات کسی را نمی‌کرد.

او در حالی که حامله بود، بیرون آمد، عمر از حمل او پرسید، امّ اراکه پاسخ داد: سلمه بن امیه بن خلف مرا متعه کرد.

وقتی (ابن) صفوان بعضی از گفته‌های ابن عباس را نپذیرفت، ابن عباس گفت: از عمویت بی‌رس که متعه کرده است یا نه؟ «۲»

به نظر می‌رسد که انکار و عدم پذیرش، از سوی فرزند صفوان بوده نه خود او. و سلمه بن امیه که امّ اراکه را در عصر عمر متعه کرد، عموی ابن صفوان است و نکته دیگر اینکه این مناقشات در عصر ابن زبیر بوده، در حالی که صفوان در زمان عثمان از دنیا

رفت. پس این ابن صفوان بود که به این قضیه اعتراض داشت و سرانجام همراه ابن زبیر در مکه به قتل رسید.
 (ج) ابن حزم گوید: فرزندان (پسران) امیه بن خلف جمحی، عبارت بودند از علی، صفوان، ربیعہ، مسعود و سلمه.
 فرزند سلمه بن امیه، معبد بن سلمه و مادر معبد امّ اراکه بود. سلمه او

(۱). محلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴، ح ۱۱۷۸

(۲). مصنف عبد الرزاق، ج ۲، ص ۴۹۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۰

را در عصر عمر یا ابو بکر متعه کرد و از وی دارای فرزند شد. «۱»

عبد الرزاق نیز در مصنف خود، داستان متعه مردی از قبیله بنی جمح (که همان سلمه باشد) را آورده است:

وی از ابن جریر از عطا ... و او از صفوان نقل می کند که گفت: ابن عباس به زنا فتوا می دهد! ابن عباس گفت: خیر! به زنا فتوا

نمی دهیم. آیا صفوان امّ اراکه را فراموش کرده است؟ به خدا قسم فرزند امّ اراکه از متعه است. پس آیا زنا کرده است؟ «۲»

گفتنی است آن مرد (همانطور که مشخص است) سلمه بن امیه بن خلف جمحی است. همانطور که همه، از جمله عمر بن شبه و ابن

کلبی و ابن حزم بر آن تأکید کرده اند و عسقلانی نیز در الاصابه به آن اشاره نموده است. «۳»

ه) عمر بن شبه می گوید: سلمه بن امیه سلمی، کنیز حکیم بن امیه بن اوقص اسلمی را متعه کرد و از او فرزندی به دنیا آورد ولی او

را انکار کرد. «۴»

ابن کلبی نیز آن را ذکر کرده و این عبارت را بر آن افزوده است: چون عمر از آن آگاه گردید مردم را از متعه نهی کرد.

و همچنین روایت شده است که سلمه زنی را متعه کرد، عمر با خبر شد و او را تهدید کرد. «۵»

(۱). جمهره انساب العرب، ابن حزم، ص ۱۵۹

(۲). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۸

(۳). الاصابه، ج ۲، ص ۶۳ و ج ۴، ص ۳۳۳؛ المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۴). تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۹

(۵). اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۲۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۱

سلمه بن امیه کیست؟

بی شک او یکی از صحابه است که در تبوک نیز حضور داشت و داستان معروفی دارد.

ابن اثیر می گوید ...: «صفوان بن یعلی از پدر و عموی سلمه بن امیه نقل می کند که آن دو، در جنگ تبوک با پیامبر صلی الله

علیه و آله بیرون رفتند و شخصی همراه ما بود، که ناگهان یکی از مسلمانان به ستیز با او در آمد، و او آرنج آن مرد را به دندان

گرفت او دست خود را به طرف خود کشید، آنگاه دو دندانش افتاد، سپس نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و از ایشان

تقاضای دیه عاقله کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی از شما نزد برادرش برود و جایی از بدن او را به دندان بگیرد و آنگاه

بیاید و دیه عاقله طلب کند؟! »

پس از آن، پیامبر صلی الله علیه و آله وی را رها کرد. «۱»

خلیفه بن خیاط سلمه را از صحابه ساکن مکه می‌داند. «۲»

مزی می‌گوید: سلمه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله بود و از ایشان روایاتی نقل کرده است. نسائی و ابن ماجه نیز از او روایت کرده‌اند «... ۳»

مرحوم مامقانی می‌گوید: درباره شخصیت او مطلبی دستگیرم نشد. «۴»

(۱). الاصابه، ج ۲، ص ۶۳

(۲). همان مدرک.

(۳). تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۴۲۶، ح ۲۴۲۷

(۴). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۲

۱۱- ربیعۀ بن امیه

اشاره

الف) در کتاب موطأ آمده است: مالک از ابن شهاب و او از عروه بن زبیر نقل کرده است که خوله «۱» دختر حکیم بر عمر بن خطاب وارد شد و به او گفت: ربیعۀ بن امیه زنی را متعه کرده و او حامله است، عمر با ناراحتی، در حالی که عبایش بر زمین کشیده می‌شد، بیرون آمد و گفت:

این متعه است، اگر زودتر می‌دانستم، او را سنگسار می‌کردم. «۲»

و سند این روایت نیز نزد آنها صحیح و همه رجال آن ثقه هستند.

ب) عبد الرزاق از عروه نقل می‌کند که ربیعۀ بن امیه بن خلف با یکی از زنان (برده‌زادگان) ازدواج کرد، با گواهی دو زن، یکی خوله دختر حکیم و او زنی صالح بود.

آنها وقتی متوجه شدند که آن زن، حامله شده، بسیار ناراحت شدند و خوله این ماجرا را برای عمر بازگو کرد. عمر در حالی که از عصبانیت گوشه عبایش را می‌کشید، برخاسته، بر فراز منبر رفت و گفت: به من خبر رسیده که ربیعۀ بن امیه برده‌زاده‌ای را متعه کرده است. اگر دستم به او می‌رسید سنگسارش می‌کردم. «۳»

(۱). منتخب کنز العمال، ج ۶، ص ۴۰۴؛ تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۷، در این کتاب «فحملت»، «فولدت منه» آمده است؛ یعنی فرزندی از او به دنیا آورد.

(۲). موطأ، ج ۲، ص ۵۴، ح ۴۲؛ مسند شافعی، ص ۱۳۲؛ الام، ج ۷، ص ۲۳۵؛ سنن کبری، ج ۷، ص ۲۰۶؛ در المنثور، ج ۲، ص ۱۴۱؛ الاصابه، ج ۱، ص ۵۱۴

(۳). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۳؛ مسند شافعی، ص ۱۳۲؛ الاصابه، ج ۱، ص ۵۱۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۳

ربیعۀ بن امیه کیست؟

ربیع همان است که در روز عرفه کنار شتر پیامبر صلی الله علیه و آله فریاد می کشید.
آن هنگام که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: فریاد بزنید. آیا می دانید، این چه ماهی است؟ «۱»

۱۲- عمرو بن حوشب

الف) عبد الرزاق، از ابن جریر، از عبد الله بن عثمان بن خثیم، از محمد بن اسود بن خلف نقل کرده که عمرو بن حوشب کنیز بکری از قبیله بنی عامر بن لوی را متعه کرد و او نیز حامله شد.
عمر وقتی باخبر شد و از آن کنیز پرسید، او جواب داد که عمرو بن حوشب مرا متعه کرد. عمر از عمرو بن حوشب نیز پرسید و او هم اعتراف کرد.

عمر پرسید: چه کسی گواهی بود؟ گفت: نمی دانم. به او یاد دادند که بگو: مادرش یا خواهرش یا برادر و مادرش.
عمر بر فراز منبر رفت و گفت: چرا مردان بدون شهادت دو عادل متعه می کنند و اگر آن را مشخص نکنند آنها را شلاق می زنم.
راوی افزود: یکی از کسانی که پای منبر بود و این مطلب را شنیده، باز گو کرد و مردم از او گرفتند. «۲»

(۱). أسد الغابه، ج ۲، ص ۱۶۶

(۲). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۴

این حدیث صراحت دارد که خلیفه متعه را به طور مطلق منع نکرد، بلکه متعه بدون شاهد را ممنوع ساخت، همانطور که عده‌ای از فقهای اهل سنت نیز به آن اشاره دارند. «۱»

نکته دیگر اینکه: از این خبر فهمیده می شود نهی از متعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده، بلکه در زمان عمر بن خطاب آنگاه که عمرو بن حوشب متعه کرده بود، ممنوع شد.

به نظر می رسد در این حدیث، در مورد عمرو بن حوشب اشتباه و تصحیفی صورت گرفته است و عمرو بن حریث صحیح است، همانطور که در بعضی از پاورقی‌ها نیز این احتمال مطرح شده است، چون در کتابهای رجالی و تراجم، در حدی که ما آگاهی داریم، نامی از عمرو بن حوشب برده نشده است.

۱۳- ابی بن کعب (متوفای ۳۰ هـ)

اشاره

ابی بن کعب، آیه شریفه را به گونه‌ای قرائت می کرد که متناسب با متعه و ازدواج موقت بود.

الف) طبری از ابن بشار، از عبد الأعلى، از سعید، از قتاده نقل کرده که گفت: در قرائت ابی بن کعب آمده است...: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى»؛ «۲» «آنچه از زنان برای مدت مشخصی بهره بردید...»

(۱). المنتقی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ فتح الباری، ج ۱۱، ص ۷۶؛ المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹

(۲). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۹، ح ۱۷۸۴؛ احکام القرآن للجصاص، ج ۲، ص ۱۷۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۵

(ب) سیوطی گوید: ابن انباری در کتاب المصاحف از سعید بن جبیر قرائت ابی بن کعب را به این صورت نقل کرد...: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...»
 إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى. «۱»
 (ج) ابو حنیان اندلسی می گوید: قرائت ابن عباس و ابی بن کعب و سعید بن جبیر چنین است...: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ...» إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى. «۲»

ابی بن کعب کیست؟

در مورد وی گفته‌اند: سرور قاریان بود و در عقبه و بدر حضور داشت و قرآن را در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله گرد آورد و بر آن حضرت صلی الله علیه و آله عرضه کرد و علوم پربرکتی از ایشان حفظ کرد و در علم و عمل پیشی داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: خداوند به من فرمود که قرآن را بر تو بخوانم و همچنین آن حضرت او را سرور انصار خواند.
 ابی بن کعب یکصد و شصت و چهار حدیث نقل کرده است، سه حدیث در صحیح بخاری و مسلم (به اتفاق) آمده و سه حدیث در بخاری به طور خاص و هفت حدیث از او در صحیح مسلم جداگانه آمده است و در کتب ششگانه شصت و چند حدیث آمده است. «۳»

گفتنی است علامه (در خلاصه الأقوال) و ابن داود او را جزو معتمدین

(۱). در المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۷۶

(۲). تفسیر المحيط، ج ۳، ص ۲۱۸؛ الغدیر، ج ۶، ص ۲۳۳

(۳). سیر اعلام النبلاء، ج ۱، ص ۴۰۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۶

شمرده‌اند و مامقانی او را ثقه و دارای ایمان قوی می‌داند. «۱»

۱۴- اسماء دختر ابو بکر (متوفای ۷۳ هـ)

اشاره

(الف) ابن حزم می گوید: گروهی از صحابه سلف؛ از جمله آنها، اسماء دختر ابو بکر به جواز متعه باور داشتند. «۲»
 (ب) طیالسی از مسلم قرشی نقل کرده که گفت: نزد اسماء، دختر ابو بکر رفتیم و در مورد متعه زنان پرسیدیم، او پاسخ داد: ما، در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله آن را انجام می‌دادیم. «۳»
 (ج) عروه فرزند زبیر به ابن عباس گفت: آیا از خدا نمی‌ترسی و متعه را جایز می‌دانی؟ ابن عباس گفت: از مادرت بپرس عریه! عروه گفت: ولی ابو بکر و عمر انجام نمی‌دادند.
 در این حال ابن عباس گفت: به خدا قسم تا خداوند شما را عذاب نکند، باور ندارم که دست بردارید، من از قول پیامبر صلی الله علیه و آله با شما سخن می‌گویم و شما می‌گویید ابو بکر و عمر چنین می‌گویند؟! «۴»
 (د) راغب گوید: عبد الله بن زبیر، عبد الله بن عباس را به خاطر حلال دانستن متعه سرزنش کرد، عبد الله به او گفت: از مادرت بپرس که چگونه

(۱). تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۴؛ قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۵۲؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۳۶۴؛ خلاصه الأقوال، ص ۷۴، شماره ۱۲۳

(۲). المحلّی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۳). مسند طیالسی، ص ۲۲۷، ح ۱۶۳۷

(۴). زاد المعاد ابن قیم، ج ۱ ص ۲۱۹؛ ذهبی در سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۴۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۷

عقدی میان او و پدرت صورت گرفته است؟ او از مادرش پرسید و پاسخ شنید که: من تو را به طریق متعه به دنیا آوردم. «۱»

(۱). المحاضرات، ج ۲، ص ۹۴

مؤلف: متن گفتگو در بعضی از منابع (شیعه) چنین آمده است:

أبو القاسم کوفی می‌گوید: بعضی از علمای شیعه نقل کرده‌اند که وقتی ابن عباس وارد مکه شد و عبد الله بن زبیر نیز بر فراز منبر خطبه می‌خواند، چون نظرش به ابن عباس افتاد (در آن روزها نایبنا بود) گفت: ای مردم، کوری نزد شما آمده که خدا دل او را نیز کور کند، او عایشه امّ المؤمنین را دشنام می‌دهد و نزدیکان و اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را لعن می‌کند و متعه را حلال می‌شمارد، در حالی که زنا محض است.

این گفتار بر ابن عباس سنگین آمد، در آن حال غلامش - عکرمه که دست او را گرفته بود - را صدا زد و گفت: مرا نزدیک او ببر، پس او را نزدیک برد، تا اینکه مقابل او ایستاد و شعری به این مضمون خواند:

زمانی که با گروهی رو برو می‌شویم، آن گروه را متلاشی می‌کنیم

...تا اینکه گفت: و اما اینکه می‌گویی: متعه را در حالی که زنا محض است، حلال می‌دانم؛ به خدا قسم! در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن عمل می‌شد و پس از ایشان نیز پیامبری برانگیخته نشد؛ دلیل جواز آن نیز گفته ابن صهاک است، که می‌گفت: دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود داشت و من آن دو را منع می‌کنم و (مرتکبین را مجازات می‌کنم) و ما گواهی او (جواز متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله) را می‌پذیریم و تحریم او را قبول نمی‌کنیم. تو نیز از متعه متولد شده‌ای، پس وقتی از این چوب (منبر) پایین آمدی از مادرت در مورد بردهای (پیراهن) عوسجه بپرس! عبد الله بن عباس رفت و عبد الله بن زبیر نیز پایین آمد و با سرعت به سوی مادرش رفت و گفت: درباره بردهای عوسجه برایم بگو! و با عصبانیت اصرار کرد، مادرش گفت: پدرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و مردی به نام عوسجه دو برد (پیراهن) را به او هدیه کرد و پدرت از بی‌همسری به پیامبر صلی الله علیه و آله گلایه و شکایت کرد، آنگاه آن حضرت یکی از دو پیراهن را به او داد و او نیز نزد من آمد و با آن پیراهن مرا متعه کرد و

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۸

(ه) ابن عبد ربّه از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: نخستین فرزندی که به واسطه متعه به وجود آمد، از آل زبیر بود. «۱»

گفتنی است: حاشیه‌نویس در اینجا، در حالی که ناامید بوده، از در مکر و حيله وارد می‌شود و عبارت را به خلاف ظاهر تفسیر و توجیه می‌کند که منظور از متعه در اینجا، متعه حج است، نه متعه نساء، ولی همانگونه که اشاره کردیم، این مکر و حيله در حال ناامیدی است، گویا وی اصلاً این گفتگو را نخوانده و اعتراض ابن زبیر به ابن عباس را ندیده است که می‌گوید: آیا به ازدواج متعه فتوا می‌دهی؟!

اسماء بنت ابوبکر کیست؟

اسماء مادر عبد الله و عروه فرزندان زبیر بن عوام هستند و او خواهر عایشه و از آخرین کسانی است که هجرت کرد و ده سال از عایشه بزرگتر «۲» بود و چند روز بعد از کشته شدن فرزندش در سال ۷۳، از دنیا رفت. «۳» او در حالی که به عبد الله حامله بود، مهاجرت کرد و در یرموک به

مدتی گذشت و آنگاه پیراهن دیگر آورد و به وسیله آنها مرا متعه کرد و من به تو حامله شدم، پس تو فرزند متعه هستی! حالا بگو از کجا این خبر به گوش تو رسید؟ گفت: از ابن عباس شنیدم. مادرش گفت: آیا من تو را از تماس با بنی هاشم منع نکردم، و نگفتم - مواظب باش - آنها زبان‌های غیر قابل تحمل و غالبی دارند. (کتاب الاستغاثه، ص ۱۴۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۵۰).

(۱). عقد الفرید، ج ۴، ص ۱۳

(۲). سیر أعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۹۵؛ العبر، ج ۱، ص ۸۲؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۲، ص ۳۹۸

(۳). الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۱؛ نساء مبشرات بالجنه، ج ۲، ص ۱۵۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۴۹

اتفاق همسرش زبیر حضور داشت. در صحاح ششگانه از او روایت شده و احادیث مسند او به پنجاه و هشت می‌رسد و صحیح بخاری و مسلم در سیزده روایت او اتفاق دارند و بخاری پنج حدیث او را به تنهایی و مسلم نیز چهار حدیث او را به طور خاص آورده است. «۱»

مامقانی گوید: راجع به حالات او شناخت کاملی ندارم. «۲»

۱۵- امّ عبد الله بنت ابی خثیمه**اشاره**

الف) متقی هندی از ابن جریر، از سلیمان بن یسار، از امّ عبد الله بنت ابی خثیمه نقل می‌کند که مردی از شام آمد و در خانه وی ساکن شد و خطاب به او گفت: به علت بی‌همسری، زندگی بر من سخت شده است، یاری‌ام کن تا زنی متعه کنم! امّ عبد الله گفت: زنی را برایش آوردم و او را عقد کرد و چند عادل نیز شهادت دادند و تا مدتی (که خواست خداوند بود) با او به سر برد، تا اینکه رفت. این قضیه را به عمر خبر دادند، کسی را در پی من فرستاد و به حضور خواست. از من پرسید: آیا آنچه گفته شده صحیح است؟ گفتم: آری! گفت: اگر بار دیگر آمد، مرا از آمدنش با خبر کن، پس زمانی که آن مرد آمد، خلیفه را آگاه ساختم. خلیفه او را به حضور خواست و پرسید: برای آنچه انجام داده‌ای، چه پاسخی داری؟ گفت: ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را انجام می‌دادیم و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ما را از این کار نهی نکرد، تا اینکه از دنیا رفت و در زمان ابوبکر هم همین طور و او نیز ما

(۱). همان مدرک.

(۲). تنقیح المقال، ج ۳، ص ۶۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۰

را از این کار بازنداشت و در زمان تو نیز چنین می‌کردیم و هیچ‌گاه ما را نهی نمی‌کردی. در این هنگام عمر گفت: سوگند به آن کس که جانم در دست اوست، اگر بعد از نهی من چنین کنی، سنگسارت خواهم کرد...
برایش روشن کنید تا ازدواج را از زنا تشخیص دهد. «۱»
چند نکته از این روایت فهمیده می‌شود:

۱. این شخص شامی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. چون می‌گوید: ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله متعه می‌کردیم.

۲. شاهدان نیز این امر را انکار نکردند، حتی شهادت نیز دادند.

۳. متعه (چنانکه بعضی گمان کرده‌اند) در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله نسخ نشده بود، بلکه رواج داشت و تا زمان خلافت أبو بکر و حتی تا قسمتی از خلافت عمر نیز ثابت بوده است؛ همانطور که عمر هم این ادعای شامی را انکار نکرد.

۴. اگر متعه حرام و زنا بود (همانطور که بعضی گمان کرده‌اند)، پس امّ عبد الله در این جریمه شریک بود، چون او آن زن را برای مرد شامی آورد و میان آن دو واسطه شد. پس با این وجود می‌توان او را قواده (دلّال) دانست و لا اقل نیاز به تعزیر دارد. «۲» در حالی که خلیفه با او هیچ برخوردی

(۱). کنز العمال، ج ۱۶، ص ۵۲۲، ح ۴۵۷۲۶

(۲). بهوتی می‌گوید: قواده که باعث فساد زنان و مردان می‌شود، حد اقل اینکه باید او را به اندازه کافی کتک زد و این حکم مشهور است. کشف القناع، ج ۶، ص ۱۲۷.

ابن تیمیه نیز چنین می‌گوید. فروع مقدّسی، ج ۶، ص ۱۱۵؛ فتاوی الکبری، ج ۴، ص ۲۹۹؛ النفی و التغریب، ص ۱۰۸ و موارد السجن، ص ۲۷۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۱

نکرد و حتی اشاره‌ای هم به کار او نداشت.

ابن یسار کیست؟

راوی این حدیث سلیمان بن یسار تابعی است و در وثاقت او نزد اهل سنت، همین بس که صحاح ششگانه همگی از او حدیث نقل کرده‌اند.

در باره او گفته‌اند: او فقیه، پیشوا، عالم و مفتی مدینه بود.

وی غلام امّ المؤمنین میمونۀ هلالیه نیز بود و گفته‌اند غلام آزادشده امّ سلمه بوده و در زمان خلافت عثمان متولد شد و او کانون علم و دانش بود، به حدی که بعضی گفته‌اند: او از سعید بن مسیب نیز بالاتر بود!

مالک می‌گوید: سلیمان بن یسار بعد از سعید بن مسیب، عالم مردم بود.

در نظر ابن معین نیز سلیمان، ثقه و مورد اعتماد است.

ابو زرعه گوید: او ثقه و قابل اعتماد و فاضل و عابد است.

نسائی گوید: وی یکی از پیشوایان می‌باشد.

ابن سعد نیز گفته است: او ثقه، عالم، والا و فقیه است و بسیار حدیث نقل کرده و در سال یکصد و هفت از دنیا رفت. «۱»

گفتنی است: نزد ما در مورد او سخنی به میان نیامده، ولی او از ابن عباس، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شریف و با عظمتی را در فضیلت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است. «۲»

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۴۴؛ طبقات کبری، ج ۵، ص ۱۷۵؛ وفيات الأعیان، ج ۲، ص ۳۹۹؛ تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۲۲۸

(۲). مستدرکات علم رجال، ج ۴، ص ۱۵۴
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۲

۱۶- عبد الله بن عباس بن عبد المطلب (متوفای ۶۸ هـ)

اشاره

الف) ابن حزم می‌گوید: گروهی از صحابه؛ از جمله ابن عباس، همچنان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله معتقد به جواز متعه بودند. «۱»

ب) عطا از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: خداوند عمر را رحمت کند، چون متعه، تخفیف و رخصت خدای مهربان به امت محمد صلی الله علیه و آله بود. پس اگر عمر از آن نهی نمی‌کرد، کسی جز بدبخت مرتکب زنا نمی‌شد. عطا می‌افزاید: به خدا سوگند، گویا گفته‌ام او را می‌شنوم که می‌گفت: «جز شقی و بدبخت...»

عطا در ادامه آورده است: متعه که در سوره نساء به آن اشاره شده... «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» «... ۲» باید حدود و زمانش مشخص و معین باشد. «۳»

ج) أبو الزبیر می‌گوید: از طاوس شنیدم که می‌گفت: ابن صفوان گفت: ابن عباس فتوا به زنا می‌دهد!

پس گفت: ابن عباس افرادی را شمرد که خود اهل متعه بودند. همچنین می‌گوید: هیچ‌یک از کسانی را که او شمرد، جز ابن امیه، به یاد ندارم. «۴»

د) حمید بن مسعده، از بشر بن مفضل، از داود، از ابی نضره نقل می‌کند که از ابن عباس در مورد متعه زنان پرسیدم، ابن عباس گفت: آیا

(۱). محلی، ج ۹، ص ۵۱۹

(۲). نساء: ۲۴

(۳). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۶، ح ۱۴۰۲۱

(۴). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۳
نخواننده‌ای آیه:

... «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» ... إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى رَأَىٰ؟

گفتم: نه! چنین نخوانده‌ام. اگر اینگونه می‌خواندم، دیگر از شما سؤال نمی‌کردم، ابن عباس گفت: این آیه چنین است. «۱»
 (ه) ابو کریب، از یحیی بن عیسی، از نصیر بن ابی اشعث، از حبیب بن ابی ثابت، از پدرش نقل می‌کند که گفت: ابن عباس مصحف شریفی را به من داد و آنگاه گفت: این مطابق با قرائت ابی بن کعب است.

ابو کریب می‌گوید: یحیی گفت: من آن مصحف را نزد نصیر دیدم که در آن آمده بود:

«... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى «۲»

و ذهبی می‌گوید: از ابن عباس نقل شده که گفت: پیامبر صلی الله علیه و آله متعه کرد.

سپس عروه گفت: ولی ابو بکر و عمر از متعه نهی کرده‌اند. ابن عباس گفت:

اینها را در حال نابودی و هلاکت می‌بینم؛ چرا که من می‌گویم پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده است و آنها می‌گویند ابو بکر و عمر چنین گفته‌اند. «۳»

ذهبی بر این حدیث حاشیه زده، می‌گوید: مقصود عروه مخالفت آن دو خلیفه با پیامبر صلی الله علیه و آله نیست، بلکه منظورش آن است که چون آنها از ناسخ متعه اطلاع یافته‌اند، نهی از متعه کرده‌اند. «۴»

(۱). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸، شماره ۷۱۸۱-۷۱۸۲، الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۳

(۲). همان.

(۳). سیر اعلام النبلاء ۳۸، ج ۱۵، ص ۴۳

(۴). همان.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۴

این حاشیه عجیب و غریبی است، چون شخص خلیفه دوم نیز چنین ادعایی ندارد، به علاوه آنکه منع در زمان خلافت عمر صورت گرفته است، نه در زمان خلافت ابو بکر.

بعضی از حاشیه‌نویس‌ها نیز به خاطر ضعیف بودن شریک این حدیث را ضعیف دانسته‌اند ولی شریک کسی است که ذهبی او را قوی می‌داند و در باره او می‌گوید: او حافظ راستگویی است، یکی از پیشوایان است و یحیی بن معین نیز او را راستگو می‌داند. ذهبی باز می‌گوید: او پیمانۀ دانش است...

و چیزهای دیگری نیز در مورد او گفته‌اند. «۱»

عبد الرزاق از معمر، از ایوب نقل کرده‌اند که عروه به ابن عباس گفت:

آیا از خدا نمی‌ترسی و متعه را جایز می‌دانی؟ ابن عباس گفت: عریه! از مادرت بپرس! عروه گفت: ولی ابو بکر و عمر چنین نمی‌کرده‌اند، آنگاه ابن عباس گفت: به خدا قسم! تا خداوند شما را عذاب نکند بعید می‌دانم دست بردارید، من از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن می‌گویم و شما از گفتار ابو بکر و عمر می‌گویید!

عروه گفت: آن دو از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه‌ترند و در پیروی کوشاترند. «۲»

در پاورقی این حدیث چنین آمده است: رجال این حدیث ثقه و قابل اعتمادند، چون ابو مسلم کجی از سلیمان بن حرب، از حماد بن زید، از ایوب سختیانی، از ابن ابی ملیکه، از عروه نقل کرده‌اند و این اسناد صحیح است. «۳»

(۱). میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۷۴

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۲۴۲

(۳). همان.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۵

(و مسلم از حرمله بن یحیی، از ابن وهب، از یونس، از ابن شهاب، از عروه بن زبیر نقل می‌کند که عبد الله بن زبیر در مکه بر فراز منبر رفت و گفت: (خداوند) بعضی از مردم (را همانطور که چشم‌هایشان را کور کرده دل‌هایشان را نیز کور کند) به جواز متعه فتوا می‌دهند، آنگاه مردی اعتراض کرد و فریاد زد: تو چه نفهم و بی‌ادبی! به جان خودم در عصر پیشوای پرهیزگاران (پیامبر صلی الله علیه و آله) متعه انجام می‌گرفت.

عبد الله بن زبیر با تهدید به او گفت: خود را آزمایش کن! به خدا قسم اگر آن را انجام دادی، سنگسارت می‌کنم. «۱»
(ز) ابن شهاب می‌گوید: خالد بن مهاجر بن سیف الله، نزد کسی نشسته بود که شخصی وارد شد و از او - ابن عباس - در مورد متعه پرسید. او پاسخ داد: مانعی ندارد. آنگاه ابن ابو عمره انصاری (که اسمش عبد الرحمن بود) گفت: آرام باش! او گفت: به خدا قسم اشکالی ندارد؛ چرا که در زمان پیشوای پرهیزگاران نیز متعه صورت می‌گرفت.

طبسی، نجم الدین - مترجم: شیرازی، محمد حسین، ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، در یک جلد، دلیل ما، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ ه ق ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین؛ ص: ۵۵
ابن ابی عمره گوید: در آغاز اسلام متعه برای کسی که ناگزیر از انجام آن بود (مثل خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک به حساب می‌آمد و) جایز بود ولی بعد از آن، خداوند دین را محکم کرد و از آن نهی نمود. «۲»
از روایت مسلم می‌توان فهمید که ابن عباس متعه را جایز می‌شمرد و تا آخر عمرش نیز به آن فتوا می‌داد، چون این گفتگو میان او و ابن زبیر در

(۱). مسلم، ج ۱، ص ۶۲۵؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۲؛ تهذیب الکمال، ج ۵، ص ۴۱۵، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۵؛
حاوی کبیر، ج ۱۱، ص ۴۵۳
(۲). همان.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۶

زمان خلافت وی؛ یعنی بعد از سال ۶۵ ه. بوده است. و این در حالی است که ابن عباس بر اعتقاد خود اصرار داشت و در آن تردید نمی‌کرد. همانگونه که در کمال ایمان و تقوا و وسعت علم ابن عباس و آشنایی او با ناسخ و مسوخ شکی نیست، (که به زودی به آن اشاره خواهد شد).

و اما در روایت خالد بن مهاجر بن ولید بن سیف الله نیز طبق گفته ابن ابی عمره انصاری، در متعه رخصت بود و پس از آن، ممنوع و از آن نهی شد.

باید گفت: این اجتهاد محض و بدون شاهد و دلیل است؛ چرا که عبد الرحمن بن ابی عمره، از صحابه نبوده و در هیچ یک از مشاهد و موقعیت‌ها حضور نداشته تا احتمال داده شود که چیزی از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده است. البته ممکن است از کسانی که از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث شنیده‌اند و یا از دیگران، چیزی نقل کرده باشد، گرچه وقتی از آنها نام نبرد، حدیثش مرسل است.

ابن حجر گوید: ابی حاتم در مرسله‌هایش آورده است که او هیچ گاه با پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است. «۱»
(ح) ثعلبی می‌گوید: در اینکه آیا این آیه جزو محکومات است یا آنکه نسخ شده است؟ به نظر ابن عباس، جزو محکومات است و

دلیل است بر اینکه متعه (ازدواج موقت) جایز می‌باشد. (۲)»

(ط) ابو نضره می‌گوید: از ابن عباس در مورد ازدواج موقت پرسیدم، پاسخ داد: مگر سوره نساء را نخوانده‌ای؟ گفتم: البته که خوانده‌ام. گفت: آیا

(۱). تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۲۲۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۱، ص ۳۱۹

(۲). الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۷

این آیه را نخوانده‌ای...؟ «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» ... إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى؟.

گفتم: خیر این آیه را به این صورت نخوانده‌ام. گفت: به خدا قسم این آیه چنین نازل شده است. (۱)»

(ی) ذهبی ضمن اقرار به اینکه نظر ابن عباس جواز متعه است، با کمال شگفتی می‌گوید: ما عمل به قول ابن عباس و گروهی از صحابه را جایز نمی‌دانیم. (۲)»

ابن عباس کیست؟

اشاره

او آشناتر از آن است که توصیف و شناسانده شود. او دانشمند، فقیه زمان و پیشوای تفسیر است و حدود سی ماه در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بوده (۳) و با بیان شایسته‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله حدیث نقل کرده است و دهها راوی از او روایت کرده‌اند.

ابن عباس با وقار، دارای عقل کامل، هوش و ذکاوت سرشار و از مردان با کمال بود. پیامبر صلی الله علیه و آله بر سرش دست کشید و از خداوند برایش در خواست حکمت کرد و چنین فرمود: «خداوندا! تاویل قرآن را به او بیاموز!» و نیز فرمود: «خدایا! او را فقیه در دین قرار ده!»

طاوس می‌گوید: هیچ کس را در بزرگ داشتن حریم الهی، مانند ابن عباس ندیدم!

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۱۰۸

(۲). همان مدرک.

(۳). او سه سال قبل از هجرت در شعب بنی هاشم متولد شده است.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۸

طاوس در جای دیگر از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: اگر بخواهم از امری آگاهی بیابم، از سی صحابه می‌پرسم. (۱)»

شایسته است اشاره شود که: این از کمال تقوا و پرهیزگاری اوست که تا قطع و یقین به چیزی پیدا نکنند، آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نمی‌دهد و به این خاطر است که در یک مسأله به سی تن از صحابه رجوع می‌کند؛ چنانکه در حدیث پیشین آمد و ذهبی نیز اسناد این حدیث را صحیح دانست.

روشن است که وقتی ابن عباس متعه را به دین و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد، به این امر یقین و اطمینان داشته

است، نه آنکه با رأی و اجتهاد خود چیزی گفته، بدون اینکه از نسخ آیه آگاه باشد!

ابن عباس کسی است که عمر، خلیفه دوم درباره‌اش می‌گوید: او جوان پیران است و زبانی کنجکاو و پرسشگر، و دلی خردمند و با شعور دارد.

عمر در جای دیگر، خطاب به ابن عباس می‌گوید: تو علومی را آموخته‌ای که ما آن را نداریم.

و محمد بن موسی (که یکی از پیشوایان بوده) فتاوی ابن عباس را در بیست جلد کتاب گرد آورده است. «۲»

و سعید بن ابی وقاص گوید: کسی را حاضر جواب‌تر، فهمیده‌تر، خردمندتر، بادانش‌تر و بردبارتر از ابن عباس ندیدم.

عمر هنگام گرفتاری، او را می‌خواند و مشکلات را با وی در میان می‌گذاشت، آنگاه از نظریه و گفته ابن عباس نمی‌گذشت، مگر آنکه به آن

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۴۲

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۵۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۵۹

عمل می‌کرد، درحالی که گروهی از اصحاب جنگ بدر نیز در کنارش بودند.

ابن طوس در مورد او می‌گوید: حدود پانصد نفر از صحابه را دیدم که با ابن عباس به بحث و گفتگو پرداختند و با او مخالفت ورزیدند، لیکن چیزی نگذشت که همه آنها به صحت سخنان او اقرار و اعتراف کردند.

احادیث مسند ابن عباس به هزار و ششصد و شصت (۱۶۶۰) می‌رسد و صحیح بخاری و مسلم در هفتاد و پنج روایت او اتفاق دارند و یکصد و بیست حدیث در بخاری به طور جداگانه و نه حدیث نیز در صحیح مسلم به طور خاص از او آمده است. «۱»

بدیهی است، کسی که در تقوا و پرهیزگاری در دین، به حدی رسیده است که در یک مسأله از سی نفر می‌پرسد و خود نیز از صحابی جلیل القدر است و حتی عمر از او به «پرسشگر» تعبیر کرده است و درباره‌اش می‌گوید: او علومی دارد که من آنها را نیاموخته‌ام و نیز در مشکلات پیچیده، از او یاری می‌طلبد و گفته‌اش را رد نمی‌کند و در حدی است که پانصد صحابی با او بحث می‌کنند و همگی از نظریه خود برمی‌گردند و در برابرش خضوع می‌کنند و ... آیا کسی با این ویژگی‌ها و موقعیت، چیزی را بدون علم و یقین به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد؟! «۲»

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۴۴ و ۳۵۱

(۲). مردی از ابن عمر سؤالی کرد، جواب داد: از ابن عباس بپرس، او از دیگران به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده آگاهتر است، مجاهد نیز می‌گوید: بر چهار چیز افتخار می‌کنیم، اینکه فقیه ما ابن عباس است. ابن ابجر می‌گوید: مردم مکه با آمدن

ابن عباس به فقه دست یافتند! اخبار مکه، ج ۲، ص ۳۴۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۰

از نظر ما، او مورد تأیید بیشتر علما و رجال است. گفتنی است مرحوم مجلسی اول و دوم و مرحوم مامقانی در او تأمل دارند.

در کتاب «الایام المکیه» (ص ۲۳۷) بحث مفصلی در دفاع از ایشان آورده‌ایم. برای آگاهی بیشتر به آنجا رجوع شود.

۱- برخی؛ مانند عسقلانی در فتح الباری و بعضی از شارحان صحیح مسلم چنین ادعا کرده‌اند که: «ابن عباس از نسخ آگاهی نداشت».

عسقلانی می‌گوید: جابر و دیگر کسانی که استمرار در متعه تا زمان نهی عمر، از آنها نقل شده است، شاید نهی پیامبر صلی الله علیه و آله به آنها نرسیده است. و آنچه از اخبار فهمیده می‌شود، عمر آنها را از اجتهاد خود منع نکرد، بلکه با توجه به نهی رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را از متعه بازداشت. «۱»

از اصرار ابن عباس و استمرار او در فتوا به حلیت و جواز متعه- که نه تنها تا زمان نهی عمر، بلکه تا دوران عبد الله بن زبیر در سال ۶۵ هـ. و بعد از آن ادامه داشته- می‌توان فهمید که متعه نسخ نشده و منع عمر از آن، با اجتهاد و نظریه خودش بوده و به واسطه نهی پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده است.

و همچنین تصریحی از عمر، مبنی بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از متعه منع کرده باشد، به دست نیامده است. گروهی از شارحان گفته‌اند: آن دسته از روایات را که دلالت می‌کند

(۱). فتح الباری، ج ۹، ص ۷۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۱

عده‌ای در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله، أبو بکر و عمر متعه می‌کردند تا اینکه عمر آنها را از این عمل نهی کرد، باید حمل کنیم بر اینکه آنها به نسخ آیه دست نیافته‌اند؛ چون متعه در میان کسانی رواج داشت که به نهی، دست پیدا نکرده بودند. «۱»
گفتنی است که ما دلایل و شواهدی داریم که متعه در میان صحابه و تابعین، حتی بعد از نهی عمر نیز رایج و متداول بود؛ چنانکه در مورد امّ عبد الله گذشت (در مورد سعید و دیگران هم خواهد آمد) و این قضیه، ادعای «نسخ جواز متعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله» را تکذیب و تخطئه می‌کند.

۲- برخی ادعا کرده‌اند که ابن عباس از اعتقاد به جواز متعه دست برداشت! (این ادعا به بیهقی و ابی عوانه و قفال و ... نسبت داده شده است).

الف) قفال می‌گوید: از عبد الله بن عباس نقل شده که وی متعه را جایز می‌شمرد. این سخن شیعه است، ولی گفته شده که ابن عباس از این نظریه برگشت. «۲»

ب) نووی می‌نویسد: عده‌ای؛ از جمله ابن خلف قاضی معروف و کعب و بیهقی و ابو عوانه این سخن را «که ابن عباس از جواز متعه دست برداشت» نقل کرده‌اند. «۳»

بعضی ادعا کرده‌اند که وقتی علی علیه السلام به ابن عباس فرمود: «تو مردی مغرور و راه گم کرده‌ای» ابن عباس از قول به جواز متعه برگشت. ذهنی در شرح صحیح مسلم، به این ادعا پاسخ می‌دهد می‌گوید:

(۱). صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۲۶، در حاشیه

(۲). حلیة العلماء، ج ۶، ص ۳۹۸

(۳). المجموع، ج ۱۵، ص ۴۰۷؛ سنن کبری، ج ۷، ص ۲۰۵

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۲

بعد از این نیز ابن عباس از اعتقادش برنگشت؛ زیرا بحث سخت و تنیدی که میان ابن عباس و ابن زبیر در این باره پیش آمد، در زمان خلافت ابن زبیر و بعد از وفات (شهادت) علی علیه السلام بود. پس ظاهراً (چنانکه در مرقاة نیز آمده است) ابن عباس از جواز

مطلق دست برداشت، ولی زمان اضطرار و ناچاری را استثنا کرد و به آن رخصت داد؛ همانطور که در بیان ابن ابی عمره نیز آمد که «متعّه برای مضطر در حال ناچاری جایز است».

باید گفت: اولاً: چه دلیلی وجود دارد که ابن عباس قائل به چنین تفصیلی باشد و در حال ناچاری آن را حلال بدانند، نه مطلق؟ دلائل عکس آن را ثابت می‌کند.

ثانیاً: با اضطرار، هر چیزی حلال می‌شود و اختصاص به متعه ندارد.

ثالثاً: پیشتر گفتیم که سخن ابن ابی عمره صحیح نیست؛ زیرا اجتهاد خودش بوده، نه کلام و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله.

رابعاً: مطالبی که از آنها به «رجوع ابن عباس از متعه» استدلال شده، ضعیف است؛ (چنانکه ابن بطلال و دیگران تصریح کرده‌اند).

* ابن بطلال می‌گوید: اهل مکه و یمن، از ابن عباس اباحه و جواز متعه را نقل کرده‌اند و نیز بعضی با سندهای ضعیف رجوع و برگشتن او را روایت کرده‌اند، که اعتقاد او بر جواز متعه، صحیح‌تر است. «۱»

* قرطبی می‌گوید: گروهی از پیشوایان، تنها بودن ابن عباس در جواز متعه را قطعی دانسته‌اند، ولی ابن عبد البرّ می‌گوید: اصحاب ابن عباس از

(۱). نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۳۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۳

اهالی مکه و یمن نیز به جواز و اباحه متعه اعتقاد دارند. «۱»

* ابن رشد نیز می‌گوید: مشهور است که ابن عباس آن را حلال می‌داند و اصحابش نیز در مکه و یمن در این قول از او تبعیت کرده‌اند. «۲»

افزون بر آنچه گفتیم، این مطلب را نیز می‌افزاییم که: ادعای رجوع ابن عباس (از حلیت متعه) را معاصرین وی نقل نکرده‌اند، بلکه کسانی آن را ذکر کرده‌اند که دهها بلکه صدها سال پس از عصر ابن عباس بوده‌اند؛ مانند:

۱- ابو عوانه (متوفای سال ۲۳۰ هـ.)

۲- ابن خلف معروف به وکیع (متوفای ۳۰۶ هـ.) «۳»

۳- بیهقی (متوفای ۴۵۸ هـ.)

۴- قفال (متوفای ۵۰۷ هـ.)

پس این نقل مرسل است و معلوم نیست، واسطه چه کسانی بوده‌اند و ادعایی است بدون دلیل، بلکه دلیل بر خلاف آن وجود دارد.

۱۷- سمیر (متوفای ۵۹ هـ.)

اشاره

عسقلانی می‌نویسد: به نظر می‌رسد سمیر، همان سمره بن جندب باشد.

ابن منده از مبشر بن اسماعیل، از جریر بن عثمان، از سلیمان بن سمیر و او از پدرش نقل کرده که گفت: ما، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله متعه می‌کردیم. «۴»

(۱). نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۳۶

(۲). بدایة المجتهد، ج ۲، ص ۵۸

(۳). سیر اعلام النبلاء، ج ۱۴، ص ۲۳۷

(۴). الاصابه، ج ۲، ص ۸۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۴

سمره کیست؟

او یکی از بدترین صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت در مورد وی فرمود: سمره آخرین نفر از اصحاب من است که به واسطه آتش می‌میرد.

سمره در بصره و ابو محذوره در مکه ماند. سمره از هر کس که از حجاز می‌آمد، در مورد ابو محذوره می‌پرسید، تا اینکه ابو محذوره پیش از او مرد و او نیز در ظرفی پر از آب داغ افتاد و مرد. «۱»

۱۸- انس بن مالک (متوفای ۹۳ هـ.)

اشاره

یکی دیگر از صحابه، که اعتقاد به جواز متعه داشت، انس بن مالک بود؛ چنانکه شیخ مفید از محمد بن حبيب، از مجرب نقل کرده، ولی امانتداران بزرگوار یا خائنین! آن را حذف کرده‌اند؛ (در چاپ مجرب جدید). همچنین نام‌های افراد دیگری که قائل به جواز متعه بودند، نیز حذف شده‌اند ولی شیخ مفید به آنها اشاره کرده است.

از ابو جعفر محمد بن حبيب، در کتاب معروفش مجرب، نقل شده که جمعی از صحابه؛ از جمله انس بن مالک، اعتقاد به جواز متعه داشتند.

نام انس را از آن رو در آخر بحث آوردیم که چون به منبع و کتاب معتبری از اهل سنت در این باره دست پیدا نکردیم. «۲»

(۱). الايام المکیه، ص ۳۶۵؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۳۷؛ أسد الغابه، ج ۲، ص ۳۵۵؛ تاریخ طبری، ج ۵، ص ۲۳۷

(۲). الاعلام، ص ۳۷، ضمن سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۵

انس بن مالک کیست؟

اشاره

در باره انس بن مالک گفته‌اند: مفتی و قاری و محدث و از راویان اسلام است. انس می‌گوید: زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه آمد، من ده سال داشتم و من بیست‌ساله بودم که پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا رفت.

انس با پیامبر صلی الله علیه و آله همراهی خوب و ملازمت کامل داشت، از زمانی که هجرت کردند... او مدت یکصد و سه و یا یکصد و هفت سال عمر کرد.

احادیث مسند او به دو هزار و دویست و هشتاد و شش (۲۲۸۶) می‌رسد.

بخاری و مسلم در نقل یکصد و هشتاد روایت او اتفاق دارند و بخاری هشتاد حدیث و مسلم نود روایت او را به طور جداگانه، از وی آورده‌اند. «۱»

نکته دارای اهمیت اینکه:

این صحابی که اهل سنت او را راویة الإسلام می‌خوانند و در جنگ و فتوحات با پیامبر صلی الله علیه و آله همراه بوده و صدها روایت از آن حضرت نقل کرده است؛ به گونه‌ای که حادثه‌های نمانده مگر اینکه او آن را روایت کرده، حتی سیمای پیامبر صلی الله علیه و آله در روز فتح مکه، هنگام ورود به شهر را نیز توصیف کرده و دستورات و نواهی ایشان در فتح مکه را نیز آورده است، همچنین دستور ایشان مبنی بر کشتن ابن اخطل را روایت کرده و ... اما با کمال تعجب، حتی یک حدیث هم در حرمت متعه، در سال فتح و یا در

(۱). تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۳۳۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۴۰۶؛ معجم الطبرانی، ج ۱، ص ۲۳۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۶

سال‌های بعد، از او نقل نشده است و این در حالی است که بحثها و درگیری‌های فراوانی میان مردم در این باره به وجود آمده، به ویژه گفتگوی صریح میان ابن عباس و عبد الله بن زبیر و میان ابن عباس و خالد بن مهاجر صورت گرفته است. «۱» و دیگر اینکه در مورد انس پرسش‌ها و ملاحظات فراوانی وجود دارد؛ انس بن مالک کسی است که بر اثر نفرین حضرت علی علیه السلام مبتلا به برص شد، زیرا وی حاضر به ادای شهادت در مورد قضیه حدیث طیر «۲» و غدیر نشد و آن را کتمان کرد، در حالی که بسیاری از صحابه آن را نقل کرده‌اند.

آری، او در مورد بیان فضایل علی علیه السلام سهل انگاری کرد. «۳»

انس به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت داده است که: آن حضرت دست مردی را به دیوار کوئید و پادشاهان با تمسک به آن، شکنجه مردم را جایز می‌شمردند. «۴»

۱۹- ابن عمر (متوفای ۷۴ هـ)

در بعضی از نصوص آمده است که ابن عمر به جواز متعه معتقد بود. امام مذهب حنبلی در مسند خود با اسنادش از عبد الرحمن بن نعم (نعیم)

(۱). مسلم، ج ۱، ص ۶۲۵؛ تهذیب الکمال، ج ۲۰، ص ۲۲؛ مناظره مأمون با یحیی بن اکثم و فیات الاعیان، ج ۵، ص ۱۹۹؛ مرآة العقول، مقدمه، ص ۳۲۰

(۲). معارف ابن قتیبه، ص ۵۸۰؛ تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ قاموس الرجال، ج ۲، ص ۱۹۶؛ رجال کشی، (اختیار معرفة الرجال)، ص ۴۵

(۳). همان.

(۴). موارد السجن، ص ۵۳۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۴۱؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۰۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۷

اعرجی نقل کرده که گفت: شخصی از ابن عمر در مورد متعه (نساء) پرسید و من نیز آنجا بودم.

او پاسخ داد: به خدا قسم ما در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله زنا نمی کردیم. «۱»

ظهور این سخن زمانی است که بگوئیم ابن عمر اعتقاد به حلیت و جواز متعه داشته است، ولی ما به خاطر وجود معارض نمی توانیم بر آن اصرار ورزیم.

لیست دیگر

ابن شَبّه فهرستی از اسامی کسانی را آورده است که پیش از نَهی عمر متعه کرده‌اند. او اسامی جمعی از کسانی را، که قبل از نَهی عمر متعه کرده‌اند، چنین آورده است:

۱- سعد بن ابی سعد بن ابی طلحه، عمیره کنیز کنده از طایفه بنی عبد الدار را متعه کرد و عبد الله بن سعد از او متولد شد. «۲»

۲- سپس فضاله بن جعفر بن امیه بن عابد مخزومی او را متعه کرد و امیه بن فضاله از او متولد شد. «۳»

۳- عبد الله بن ابی عوف بن جبیره، دختر لبیبه، کنیز هشام بن ولید بن مغیره را (که شراب می فروخت و او به خانه اش رفت و آمد داشت) متعه کرد و فرزندش یوسف از او متولد شد (که فرزندی نداشت و) به اصطلاح عقیم بود.

(۱). مسند احمد، ج ۲، ص ۲۵، ح ۵۶۶۱ و در چاپ دیگر، ج ۲، ص ۱۹۵؛ تاریخ خلیفه، ص ۱۷۰؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۱۵۶

(۲). تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۱۷، (بحث آنان که پیش از نَهی عمر متعه کرده‌اند).

(۳). همان.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۸

عمر به او گفت: آیا به این کودک اعتراف می کنی؟

گفت: نه.

عمر گفت: اگر گفته بودی بلی! حتماً تو را سنگسار می کردم و چون عمر آن زن را به بدی می شناخت، متعه را حرام کرد. «۱»

(۱). چنانکه در بعضی از نصوص (و گفته‌های صریح) وارد شده، عفره خواهر خلیفه دوم، در زمان خلافت او، ازدواج متعه کرد و سپس حامله شد و فرزندش به دنیا آمد.

وقتی عمر به خانه وی آمد، در آغوشش کودکی را دید که مشغول شیر خوردن است. به شدت عصبانی شده، کودک را از دست او گرفت و به مسجد برد و بانگ زد و مردم را گرد آورد. وقتی مردم جمع شدند، داستان خواهرش را (که بدون شوهر بود و بچه داشت) تعریف کرد و گفت: او متعه شده است. آنگاه متعه را حرام کرد و هشدار داد که هر کس متعه کند، تازیانه اش می زنم.

(هدایه حضینی، ص ۱۰۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۸)

ما، بر این نص اصرار نداریم و در برابر خصم خود، به آن استدلال نمی کنیم؛ زیرا در منابع آن‌ها به آن دست نیافته‌ایم و گویا در نزد ما نیز جای تأمل دارد.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۶۹

فصل دوم تابعین و فقها

اشاره

- ۱- مالک بن انس
 - ۲- احمد بن حنبل
 - ۳- سعید بن جبیر
 - ۴- عبد الملک بن جریر
 - ۵- عطاء بن ابی رباح
 - ۶- طاووس یمانی
 - ۷- عمرو بن دینار
 - ۸- مجاهد بن جبر
 - ۹- اسماعیل بن عبد الرحمن بن اسدی
 - ۱۰- حکم بن عتیبه
 - ۱۱- ابن ابی ملیکه
 - ۱۲- زفر بن اوس
 - ۱۳- اهل مکه و یمن
 - ۱۴- اهل بیت علیهم السلام و تابعین
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۱

متعّه در میان تابعین و فقها

گروهی از تابعین و تابع تابعین و عده‌ای از محدّثان، معتقد به جواز متعه هستند. آنان کسانی هستند که مؤلفان صحاح سته و دیگران، در نقل از آنها و اعتماد به ایشان، اتفاق نظر دارند؛ مانند ابن جریر و ... اینها از مواردی است که قول به حرمت و نسخ آیات متعه را باطل و سست می‌کند.

۱- مالک بن انس

اشاره

الف) سرخسی می‌گوید: تفسیر متعه آن است که به زنی گفته شود: من تو را برای فلان زمان و با فلان مقدار مال متعه می‌کنم و این در اعتقاد ما باطل است و مالک بن انس آن را جایز می‌داند و گویا نظر ابن عباس هم چنین باشد. «۱»

ب) زرقانی نیز در شرح موطأ آورده است: این یکی از دو نظریه مالک است. «۲»

(۱). مبسوط، ج ۵، ص ۱۵۲

(۲). شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۵

ج) فخر الدین ابو محمد عثمان بن علی زلیعی نیز در کتاب «تبیان الحقایق در شرح کنز الدقائق» از قول مالک می‌نویسد: ازدواج متعه جایز است، چون مشروع بوده است و تا ناسخی پیدا نشده، باز هم جایز است.

مشهور است که ابن عباس نیز آن را حلال می‌دانست و بیشتر اصحاب او از اهل یمن و مکه نیز به تبعیت از ایشان، آن را جایز می‌دانستند و با استناد به آیه...: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ» «... ۱» آن را حلال می‌شمردند. «۲»

د) برهان الدین مرغینانی می‌گوید: ازدواج متعه باطل است و آن بدین صورت است که به زنی گفته شود: تو را با فلان مقدار مال برای فلان مدت زمان، متعه می‌کنم. مالک می‌گوید: جایز است، چون متعه مباح بوده است. بنابراین، تا ناسخی نیامده بر اباحت خود باقی است و زفر می‌گوید:

متعه صحیح و لازم است، چون ازدواج با شرایط فاسد باطل نمی‌شود. «۳»

ه) امینی می‌گوید: جواز متعه به مالک نسبت داده شده؛ و این نسبت در کتاب‌های فتاوی فرغانی، تألیف قاضی فخر الدین حسن بن منصور فرغانی و در خزانه الروایات در فروع الحنفیه، تألیف قاضی جکن حنفی و در کتاب کافی در فروع الحنفیه و در کتاب العنایه در شرح الهدایه، تألیف اکمل الدین حنفی «۴» آمده است.

(۱). نساء: ۲۴

(۲). شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۵؛ ح ۱۱۷۸، القدیر، ج ۶، ص ۳۱۵

(۳). الهدایه فی شرح بدایة المبتدی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ شرح فتح الغدیر، ج ۳، ص ۱۵۲

(۴). الغدیر، ج ۶، ص ۳۱۵

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۳

مالک بن انس کیست؟

اشاره

در باره او گفته‌اند: راهنمای امت و پیشوای دار الهجره، در سال ۹۳ هـ.

سه سال پس از مرگ پدرش متولد شد؛ سالی که انس (خادم پیامبر صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت. او در حالی که جوان بود به جستجوی علم پرداخت. از نافع و سعید مقبری و عامر بن عبد الله بن زبیر و ابن منکدر و زهری و جعفر بن محمد علیهما السلام و ربیعہ الرأی حدیث و علم را فرا می‌گرفت. «۱»

بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو صحابه؛ زید بن ثابت و بعد از آن، مالک، عالم مدینه بودند.

ابن عیینه می‌گوید: مالک عالم اهالی حجاز و حجت زمانش بود.

شافعی نیز می‌گوید: وقتی از علما سخن گفته می‌شود، مالک ستاره آنها است.

ذهبی گفته است: در مدینه، بعد از تابعین، عالمی مثل مالک در علم و فقه و عظمت حفظ و رعایت وجود ندارد و در این خصوصیات، بعد از صحابه مثل سعید بن مسیب و فقهای هفتگانه... مالک بر همه آنها مقدم بود. او کسی بود که به قصدش مسافت‌ها طی می‌کردند. «۲»

شافعی می‌نویسد: علم، پیرامون سه نفر می‌گردد: مالک، لیث و ابن عیینه. از اوزاعی روایت شده که هرگاه از مالک نام برده می‌شد، می‌گفت: عالم دانشمندان و فتوا دهنده حرمین.

و از بقیه نیز نقل شده که گفت: ای مالک! در روی زمین، کسی آگاهتر از

(۱). ذهبی آنها را آورده و آنها دهها عالم هستند.

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۵۸ و ۱۳۲؛ ترتیب المدارک، ج ۱، ص ۱۱۱؛ المعارف، ص ۵۹۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۴

تو به سنت گذشته وجود ندارد.

ابو یوسف نیز می‌گوید: کسی را داناتر از ابو حنیفه و مالک و ابن ابی لیلی ندیدم.

احمد بن حنبل گفته است: او در حدیث و فقه پیشوا است.

قطان نیز می‌گوید: مالک، پیشوایی است که می‌توان به او اقتدا کرد. «۱»

به یقین، مالک بن انس نزد اهل سنت شخص مجهولی و ناشناخته‌ای نیست، بلکه او، یکی از پیشوایان مذاهب چهارگانه است و او معتقد به حلیت متعه بود؛ چنانکه سرخسی و زرقانی و زیلعی و فرغانی و قاضی جکن و اکمل الدین حنفی نیز به آن صراحت دارند. بنابراین، درست نیست گفته شود حلیت متعه از مختصات شیعه امامیه است؛ چنانکه بعضی از نادانان چنین پنداشته‌اند.

و اما نظر ما در مورد مالک:

ابن ابی عمیر از مالک روایت کرده که گفت: بر (امام) صادق، جعفر بن محمد علیهما السلام وارد شدم، با گشاده رویی از من استقبال کرد و مرا بزرگ داشت و فرمود: ای مالک، من تو را دوست دارم. من خوش حال شده، خدا را به این سبب شکر گزاردم «۲...»

تستری روایت کرده که او (مالک بن انس) معتقد به جواز غنا بود و به مصالح مرسله عمل می‌کرد و نظریات بدی در باره علی بن ابی طالب علیه السلام

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۹۴

(۲). تنقیح المقال، ج ۲، ص ۴۸؛ امالی صدوق، ص ۱۴۳

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۵

دارد. «۱» و ابن حبان گفته که او در فضائل حضرت علی حدیثی را نقل نکرده. «۲»

۲- احمد بن حنبل (متوفای ۲۴۱ هـ)

اشاره

الف) از ابن قدامه نقل شده که ابو بکر گفت: روایت دیگری وارد شده که طبق آن، متعه مکروه است، نه حرام؛ چون ابن منصور از احمد پرسید و او گفت:

به نظر من، دوری کردن از آن (متعه) بهتر است. گفت: پس ظاهر این گفته، کراهت است نه حرمت. «۳»

ب) ساجی در کتاب اختلاف، از احمد حنبل نقل می‌کند که کسی از او در مورد ازدواج متعه پرسید و او پاسخ داد:

نزد من چیز جالبی نیست و این دلالت می‌کند بر اینکه او اصرار بر حرمت آن نداشته، بلکه آن را به لحاظ برخی از نظریات مکروه

می دانسته است. «۴»

ابن حنبل کیست؟

او ابو عبد الله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال شیبانی مروزی و بغدادی است. مادرش در حالی که حامله بود، از مرو خارج و در بغداد او را به دنیا

(۱). قاموس الرجال، ج ۸، ص ۶۳۸

(۲). المجروحین، ج ۱، ۲۵۸

(۳). المغنی، ج ۶، ص ۶۴۴

(۴). الاعلام، ص ۳۷، سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۶

آورد و به وسیله مادرش به تحصیل علم پرداخت و از بشر بن مفضل و اسماعیل بن علیّه و سفیان بن عیینه و جریر نقل حدیث کرده و بخاری و مسلم و ابو داود و غیر آنها، همراه بخاری به واسطه دیگران نیز از او روایت نقل کرده‌اند. «۱»

۳- سعید بن جبیر (شهادت ۹۵ هـ)

اشاره

الف) ابن حزم گوید: از جمله تابعین (معتقد به جواز متعه ...) و سعید بن جبیر است. «۲»

ب) کرایسی می نویسد: جمعی از تابعین؛ از جمله سعید بن جبیر معتقد به ازدواج متعه هستند. «۳»

ج) عبد الرزاق از ابن جریر، از عبد الله بن عثمان بن خثیم نقل کرده که گفت: در مکه زنی عراقی که زیبا بود، عبادت می کرد و فرزندی به نام ابو امیه داشت که سعید بن جبیر بسیار نزد او می رفت.

به او گفتم: ابن جبیر! چه زیاد نزد این زن می روی؟

گفت: من با او ازدواج کرده‌ام، ازدواج متعه و (عبد الله بن عثمان) گفت: سعید به او گفت: متعه از نوشیدن آب هم حلال تر است.

«۴»

(۱). تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۶۲؛ طبقات الفقهاء، ص ۷۵؛ تذکره الحفاظ، ج ۲، ص ۱۷؛ تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۴۱۲؛ حلیّه

الاولیاء، ج ۹، ص ۱۶۱

(۲). المحلی، ج ۹، ص ۵۲۰

(۳). المسائل الصاغانیة، ص ۳۷، ضمن سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۳

(۴). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۷

گفتنی است، او از کسانی بود که این آیه را چنین قرائت می کرد:

«... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ ... إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى. «۱»

سعید بن جبیر کیست؟

آیا کسی در عظمت و فضل و تقوای او تردید می‌کند؟ او پیشوا و حافظ و قاری قرآن و مفسر و شهید و یکی از بزرگان است و (صحاح) سته از او روایت نقل کرده‌اند. «۲»

أبو القاسم طبری می‌گوید: او ثقه و قابل اطمینان است، و نیز پیشوا و حجت بر مسلمانان می‌باشد. «۳»

ابن حبان می‌گوید: او فقیه، عابد، فاضل و باتقوا است. «۴»

در زمان خلافت امام حسن علیه السلام تولد یافت و در سال ۹۵ به دست حجاج بن یوسف کشته شد. «۵»

۴- عبد الملك بن عبد العزيز بن جريج (متوفای ۱۵۰ هـ.)

اشاره

الف) ذهبی گوید: یکی از بزرگان ثقه و قابل اعتماد... او به خودی خود

(۱). تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۷۴؛ جامعه البیان، ج ۴، ص ۱۸، شماره ۶۷۸۶؛ درّ المنثور، ج ۲، ص ۴۰؛ الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۶

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۲۱

(۳). تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۱۵۴

(۴). تهذیب التهذیب، ج ۴، ص ۱۲

(۵). سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۳۲۱؛ تذکره الحفاظ، ص ۹۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۸

ثقه است، با اینکه حدود هفتاد زن متعه کرد. او اعتقاد به حلیت و جواز متعه داشت و در زمان خودش فقیه اهل مکه بود. «۱»

ب) محمد بن عبد الله بن عبد الحکم می‌گوید: شنیدم که شافعی می‌گفت:

ابن جریج نود زن را متعه کرد؛ به حدی که برای قدرت جماع چند کاسه روغن کنجد استعمال می‌کرد. «۲»

ج) جریر می‌گوید... ابن جریج فرزندان را در مورد شصت زن وصیت کرد و گفت: با آنها ازدواج نکنید، چون آنها مادران شما

هستند و او اعتقاد به جواز متعه داشت. «۳»

د) ذهبی می‌گوید: گفته‌اند که او اسامی زنان متعه شده را به فرزندانش سپرد تا در مورد هیچ‌یک از آنها اشتباهی صورت نگیرد و

فرزندان، هیچ یک از زنان را که پدرشان متعه کرده، تزویج نکنند. «۴»

ه) ماوردی می‌گوید: از ابن جریج و (شیعه) امامیه، جواز متعه حکایت شده است. «۵»

روایت اسماعیل بن فضل هاشمی

وی گفت: از ابو عبد الله (امام صادق علیه السلام) در باره متعه پرسیدم؟

(۱). میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۶۵۹

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۳۳؛ تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۶۰

(۳). تاریخ بغداد، ج ۷، ص ۲۵۵؛ شرح زرقانی، ج ۸، ص ۷۶

(۴). سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۳۱

(۵). حاوی کبیر، ج ۱۱، ص ۴۴۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۷۹

حضرت فرمود: نزد عبد الملک بن جریج برو و در این باره از او پرس، که در این باره او آگاهتر است. نزد او رفتم و او چیزهای زیادی در حلال بودن متعه برایم نوشت. از آنچه ابن جریج درباره متعه برایم نوشت، این بود که:

در متعه وقت و عدد معتبر نیست و همسر متعه شده، مثل کنیز است و به هر تعداد می‌توان از آنها متعه کرد و کسی که چهار زن دارد نیز، بدون اذن ولی و بدون شاهد می‌تواند به هر تعداد ازدواج متعه نماید. هرگاه وقت آن تمام شد، از او بدون طلاق جدا می‌گردد و مال کمی هم به او (زن) داده می‌شود و عدّه متعه نیز دو حیض است و اگر حیض نمی‌شود چهل و پنج روز است.

گفت: آن نوشته را نزد ابا عبد الله (امام صادق علیه السلام) آوردم، فرمود:

درست است و به آن اقرار کرد. «۱»

ابن جریج کیست؟

او کسی است که صحاح سته و دهها نفر از سرشناسان؛ مانند ابن علیّه و یحیی بن سعید قطن از او روایت کرده‌اند. ذهبی می‌نویسد: او پیشوا، علامه، حافظ، شیخ حرم و صاحب آثار و تصانیف است و نخستین کسی است که در مکه علم را تدوین کرد.

عطاء بن ابی رباح نیز می‌گوید: او سرور جوانان اهل حجاز است.

به گفته علی بن مدینی: اسناد روایات، بر مدار شش تن می‌گردد. آنان را شمرد و ابن جریج را نیز جزو آنان نام برد. از یحیی بن سعید نیز نقل شده

(۱). کافی، ج ۵، ص ۴۵۱، ح ۶؛ وسایل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۹، ح ۸؛ مرآة العقول، ج ۲، ص ۲۳۱ و مجلسی این روایت را حسن می‌داند.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۰

است که ما کتاب‌های ابن جریج را کتاب‌های امانت می‌نامیدیم.

ذهبی می‌نویسد: این شخص (به خودی خود) ثقه است. بعد از صحابه، عطا و مجاهد شیخ حرم بوده‌اند و بعد از آن دو، قیس بن سعد و ابن جریج بوده‌اند و سپس ابن جریج به تنهایی عهده‌دار بود و علم را تدوین کرد و مردم علم را از او فرا گرفته و حمل می‌کردند و مسلم بن خالد زنجی، از او و شافعی نیز از زنجی فقه آموخته است.

روایات ابن جریج، در کتب سته و مسند احمد و معجم کبیر طبرانی و در اجزاء دیگر معجم، به وفور آمده است.

عبد الرزاق می‌گوید: وقتی ابن جریج را دیدم، فهمیدم که او خدا ترس است. «۱»

ابن جریج پیش از مرگ به عراق آمد. او در بصره حدیث نقل می‌کرد و بسیار از او حدیث دریافت کرده‌اند. یحیی بن سعید می‌گوید: ابن جریج راستگو بود. «۲»

پس ابن جریج، که اهل سنت بر وثاقت او اتفاق دارند، و محدّثین و روات به او اعتماد دارند و او را راستگو و ثقه و خداترس می‌دانند. اعتقاد به حلیت متعه دارد، به آن عمل نیز می‌کرد. پس به خاطر عدم ثبوت نسخ و ثبوت خلاف آن، به متعه عمل کرد.

ولی نظر ما: او از بزرگان اهل سنت است. تمایل و محبت شدیدی (به شیعه) داشته، (چنانکه مرحوم کشی این را گفته است) و شیخ مفید و سید مرتضی نیز صراحت دارند که او از علمای اهل سنت بود و در

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۶، ص ۳۳۳

(۲). تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۵۵

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۱
عین حال به حلیت متعه فتوا می‌داد.

تستری نیز می‌گوید: ابن جریج مثل امامیه معتقد به حلیت متعه است و نیز معتقد بود که اذان از طرف وحی آسمانی آمده است، نه به وسیله خواب عبد الله بن زید. «۱»

ملاحظه: آیا ابن جریج از نظرش برگشت؟

گاهی گفته می‌شود که ابن جریج از نظرش برگشت و آن را در بصره بر همگان اعلام کرد؛ چنانکه شوکانی به ابو عوانه نسبت داده و می‌گوید:

ابو عوانه در روایت صحیحی از ابن جریج روایت کرده که در بصره می‌گفت: شاهد باشید که من از (حلیت) متعه برگشتم. «۲»

جواب: این نقل و روایت مرسل است؛ چون ابن جریج در سال ۱۵۰ هـ.

فوت کرد و ابو عوانه در سال ۲۳۰ هـ. متولد شد. چگونه ممکن است که بی‌واسطه، از ابن جریج روایت نقل کند؟ بنابراین، حدیث او مرسل و ناقل آن ناشناخته است.

۵- عطاء بن ابی رباح (متوفای ۱۱۵ هـ.)

اشاره

الف) ابن حزم گوید: از جمله کسانی ... و تابعین ... که اعتقاد به حلال بودن متعه دارند، عطاء است. «۳»

ب) کرابیسی نیز گفته است: جمعی از تابعین؛ از جمله عطاء، قائل

(۱). قاموس الرجال، ج ۷، ص ۱۲

(۲). نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۳۶

(۳). المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹؛ المغنی، ابن قدامه، ج ۷، ص ۵۷۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۲

به ازدواج متعه بودند. «۱»

ج) فاکهی از یعقوب بن حمید از عبد الله بن حارث مخزومی، از چند نفر نقل کرده است که محمد بن هشام از عطاء بن ابی رباح، در مورد متعه زنان پرسید. او پاسخ داد و مانعی در این باره ندید و گفت: قاسم بن محمد آمد و محمد بن هشام را نزد او فرستاد و از او پرسید. او گفت: شایسته نیست که گفته شود متعه حرام است.

ابن هشام می‌گوید: عطاء در مورد متعه با من سخن گفت. او می‌پنداشت که متعه مانعی ندارد. قاسم گفت: سبحان الله، بعید می‌دانم عطا چنین نظری داشته باشد.

گفت: ابن هشام را نزد عطا فرستاد، وقتی آمد، گفت: ای ابا محمد (عطا) آنچه در مورد متعه به من گفته‌ای به قاسم نیز بگو! گفت: من چیزی نگفتم. ابن هشام گفت: بله، گفتم! گفت: نه، نگفتم. وقتی قاسم رفت، عطا به او گفت: آنچه گفتم راست بود ولی من از اینکه آن را در برابر قاسم بگویم می‌ترسیدم که او و مردم مدینه مرا لعنت کنند. «۲»

عطا کیست؟

عطا مفتی و محدث مردم مکه بود. به گفته برخی، در زمان خلافت

(۱). المسائل الصاغانیه، ص ۳۷، در ضمن سلسله مؤلفات شیخ مفید، ج ۳
 (۲). اخبار مکه، ج ۳، ص ۱۴، ح ۱۷۱۸، همو قصه ابن وهب شاعر و اقدام او بر متعه با یک دینار برای یک شبانه روز را از اسحاق بن ابراهیم، در ص ۱۶، نقل کرده و ابن عبد ربه در عقد الفرید، ج ۶، ص ۳۸۸، نیز آن را نقل کرده است.
 ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۳
 عثمان و به نظر بعضی در زمان خلافت عمر متولد شد.
 در مورد او گفته‌اند: پیشوا، شیخ اسلام، مفتی حرم ... وثقه بود. او فقیهی عالم بود که بسیار روایت نقل کرده است ... دستش در فتنه ابن زبیر بریده شد.
 ابو حازم اعرج می‌گوید: عطا در فتوا سرآمد مردم مکه بود. «۱»
 به نظر می‌رسد، ظاهر آن است که عطا عامی است (چنانکه از تستری نیز نقل شده است) و کسی او را شیعه نمی‌داند. «۲»

۶- طاوس یمانی (متوفای ۱۰۶ هـ)

اشاره

الف) ابن حزم می‌نویسد: از جمله تابعین که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به حلیت متعه اعتقاد داشتند، طاوس است. «۳»
 ب) کرایسی نیز ذکر می‌کند: جمعی از تابعین، از جمله طاوس قائل به ازدواج متعه بودند. «۴»

طاوس کیست؟

او عبد الرحمن فارسی جندی، فقیه، سرآمد علمای یمن و حافظ بود و

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۸۵؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۷۰؛ تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۹؛ شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴۷؛ تذکره الحفاظ، ص ۹۰؛ حلیه الاولیاء، ج ۳، ص ۱۸۸، معارف، ص ۲۵۲
 (۲). قاموس الرجال، ج ۷، ص ۲۰۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۵۳؛ مستدرکات علم الرجال؛ ج ۵، ص ۲۳۸؛ سفینه البحار، ج ۶، ص ۲۹۵

(۳). المحلی، ج ۹، ص ۵۱۹

(۴). المسائل الصاغانیه، ص ۳۷، از مؤلفات شیخ مفید

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۴

پنجاه نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرد.

ابن شهاب «۱» می گوید: اگر طاوس را می دیدی، علم پیدا می کردی که او دروغ نمی گوید.

ذهبی در مورد او می گوید: اگر در او عقیده شیعی بود، بسیار کم بود. ان شاء الله به شخصیت او آسیبی نمی رساند. «۲»

جعفر بن برقان نیز می گوید: گمان نکنید که در میان ما کسی راستگوتر از طاوس باشد، ابن معین و ابو زرعه می گویند: طاوس ثقه است.

ابن حبان می گوید: او از عابدان یمن و از بزرگان تابعین و مستجاب الدعوه بود و در صحاح سته نیز از او روایت شده است. «۳»

ولی به نظر می رسد: او جزو فقهای عامه است. «۴»

۷- عمرو بن دینار (متوفای ۱۲۶ هـ)

اشاره

کرایسی می گوید: جمعی از تابعین؛ از جمله عمرو بن دینار قائل به ازدواج متعه بودند. «۵»

(۱). او یکی از کسانی است که به ظالمین اعتماد و تکیه داد و به گفته آلوسی بغدادی در تفسیر روح المعانی، ج ۳، ص ۱۸۹ مصداق آیه «وَلَا تَرْكُنُوا» بود. او یکی از ارکان ظلم حکومت اموی بود. و هرگز روایات فضیلت و فضائل حضرت علی را نقل نمی کرد. طبق گفته ابن حبان ج ۱، ص ۲۵۸ المجروحین. البته نزد بسیاری از اهل سنت، ثقه و مرتبه‌ای والا دارد.

(۲). اشاره به ادعای سفیان ثوری مبنی بر تشیع طاوس است.

(۳). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۸، ۴۳؛ نجوم الزاهره، ج ۱، ص ۲۶

(۴). قاموس، ج ۵، ص ۵۵۱؛ تذکره الحفاظ، ص ۹۰

(۵). مسائل الصاغانیه، ص ۳۷، به نقل از الاقضیه کرایسی بغدادی

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۵

عمرو بن دینار کیست؟

ابو محمد جمحی، پیشوای حرم، در سال ۴۶ هـ. متولد شد و از ابن عباس و ابن عمر و جابر بن عبد الله حدیث شنید. «۱»

به نظر ذهبی، او پیشوای بزرگ، یکی از سرشناسان و شیخ حرم در زمان خودش بود. حاکم نسابوری هم معتقد است: او از بزرگان تابعین و از حفاظ با سابقه بود و سی سال در مکه بر مسند افتا نشست.

ذهبی افزوده است: او نزد ابو جعفر (امام) باقر علیه السلام و مانند او...

می رفت و منبع علم و از امامان اجتهاد بود.

عبد الله بن ابی نجیع می گوید: هیچ کس را فقیه‌تر از عمرو بن دینار ندیده‌ام. ابن عیینه گفته است: در دیار ما بلکه در روی زمین کسی داناتر از عمرو بن دینار نیست و سه بار گفته: او ثقه است. نسائی هم عمرو را بر ثقه و مورد اعتماد بودن و داشتن دقت

می شناسد. «۲»

لیکن به نظر می رسد: علما در مورد او اختلاف دارند؛ بعضی او را به ثقه بودن می شناسند و بعضی مجهولش می دانند. «۳»

عمرو بن ثابت از امام باقر علیه السلام روایت کرده که می‌فرمود: در سفر حج، برای دیدن عمرو بن دینار، شوق و رغبت من مضاعف می‌شود؛ چون او ما را

- (۱). تذکره الحفاظ، ص ۱۱۳؛ طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۷۱؛ تاریخ خلیفه، ص ۲۴۰
 - (۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۰۰
 - (۳). قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۰۱؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۳۳۰؛ مستدرکات علم رجال، ج ۶، ص ۳۸
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۶
- دوست می‌دارد و برای ما مفید است. «۱» لیکن این مطلب از نظر ما ثابت نیست.

۸- مجاهد بن جبر (متوفای ۱۰۰ هـ.)

اشاره

الف) طبری می‌گوید: محمد بن عمرو از ابو عاصم، از عیسی، از ابن ابی نجیع و او از مجاهد نقل می‌کند که آیه... «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» ... برای ازدواج متعه است. «۲»

ب) چنانکه از گفته ابو حیان اندلسی «۳» (متوفای ۷۴۵ هـ.) و ابن کثیر دمشقی «۴» (متوفای ۷۷۴ هـ.) بر می‌آید، در قرائت ابن عباس و مجاهد و سدی، این آیه در باب ازدواج متعه است و چیزی که بر نسخ دلالت کند وجود ندارد و کسی اعتقاد به نسخ را به او نسبت نداده است.

مجاهد کیست؟

گفته‌اند: ابو حجاج مکی است. او پیشوا و شیخ قراء و مفسران بوده و خود گفته است: قرآن را سه بار بر ابن عباس عرضه کرده و در برابر هر آیه می‌ایستادم و در مورد شأن نزول و چگونگی آن از ابن عباس می‌پرسیدم.

خصیف و قتاده گویند: مجاهد از همه آنان در تفسیر عالم‌تر است و یحیی بن معین و جمعی می‌گویند: مجاهد ثقه است و در صحاح سته از او

- (۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۳۰۳
 - (۲). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸، ح ۷۱۸۰
 - (۳). تفسیر ابی حیان اندلسی، ج ۳، ص ۲۱۸؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰
 - (۴). تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص ۴۷۴؛ الغدیر، ج ۶، ص ۳۲۹
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۷
- روایت نقل شده و در سال صد هجری از دنیا رفت. «۱»
- به گفته تستری: ابن ابی الحدید گفت: او متمایل به نظر خوارج بود و در میزان نیز آمده است که: به اعمش گفته شد: چرا تفسیر مجاهد مخالف (مشهور) است؟
- پاسخ داد: چون او تفسیر را از اهل کتاب گرفته است. «۲»

ولی مرحوم نمازی در باره او نظر مثبتی دارد و می‌گوید: هموست که گفته است، در باره فضیلت حضرت علی علیه السلام هفتاد آیه نازل شده که احدی با او شریک نیست و روایات زیادی در فضیلت حضرتش نقل کرده است. «۳»

۹- سدی (متوفای ۱۲۷ هـ.)

اشاره

الف) ابو حیان محمد بن یوسف اندلسی (متوفای ۷۴۵ هـ.) در تفسیر خود می‌گوید...: «و سدی گفت: این آیه در مورد ازدواج متعه است.» «۴»

ب) طبری از قول محمد بن حسین، از احمد بن مفضل، از اسباط، از سدی نقل می‌کند که آیه...: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ»... در مورد متعه است. مردی با زنی برای مدت معینی ازدواج می‌کند و دو شاهد می‌گیرد و با

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۴۹؛ طبقات کبری، ج ۵، ص ۴۶۶؛ بدایه و النهایه، ج ۹، ص ۲۲۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۴۲

(۲). قاموس الرجال، ج ۸، ص ۶۷۰؛ میزان الاعتدال، ج ۳، ص ۴۳۹

(۳). مستدرکات علم الرجال، ج ۶، ص ۳۴۹

(۴). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۸

اجازه ولی او ازدواج صورت می‌گیرد و هرگاه مدت تمام شد، مرد هیچ حقی بر آن زن ندارد و زن هم کاری با آن مرد ندارد و بر او است که رحم خود را با عده نگه داشتن استبرا کند. ارثی نیز میان آن دو نیست؛ یعنی هیچ‌یک از دیگری ارث نمی‌برند. «۱»

سدی کیست؟

او ابو محمد حجازی، اسماعیل بن عبد الرحمن بن ابی کریمه، پیشوا و مفسر است که از انس بن مالک و ابن عباس روایت نقل کرده و شعبه و سفیان ثوری و... نیز از او حدیث نقل کرده‌اند.

گویند: او ابو هریره و امام حسن بن علی علیهما السلام را دیده است.

نسائی می‌گوید: احادیث او شایسته است. یحیی بن سعید قطان نیز بر این باور است که مشکل و مانعی در قبول احادیث او نیست.

احمد بن حنبل نیز گفته است: او ثقة است. ابن عدی می‌گوید: او نزد من راستگو است.

ذهبی می‌گوید: سدی از شعبی به قرآن آگاهتر است. «۲»

لیکن به نظر می‌رسد نظریه علما متفاوت است؛ مامقانی می‌گوید: آنچه در مورد او به دست می‌آید، این است که او نیکو بوده و به اصطلاح حسن است. «۳»

گاهی نیز گفته‌اند: از اینکه سدی بگوید: آیه در مورد متعه است، فهمیده

(۱). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸، شماره ۷۱۷۹؛ تفسیر ابی حیان، ج ۳، ص ۲۱۸

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۶۴

(۳). تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۳۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۸۹

نمی‌شود که وی قائل به متعه باشد؛ زیرا که شاید او معتقد به نسخ آیه باشد.

باید گفت: اولاً از سدی نظری مخالف با آنچه تفسیر شد و اینکه آیه نسخ شده باشد، نرسیده است.

ثانیاً: هر کس در مورد معتقدان به جواز متعه سخن به میان آورده، نام سدی را نیز ذکر کرده است و این قرینه در اینجا کافی است.

۱۰- حکم بن عتبه (متوفای ۱۲۵ هـ.)

اشاره

الف) طبری گفته است: محمد بن مثنی، از محمد بن جعفر، از شعبه نقل می‌کند که از حکم پرسیدم، آیه: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ...» «...» «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ» ... نسخ شده است؟ گفت: نه.

ب) حکم می‌گوید: علی رضی الله عنه گفت: اگر عمر مردم را از متعه منع نمی‌کرد، هیچ کس جز بدبخت، مرتکب زنا نمی‌شد. «۱»

حکم کیست؟

در باره او گفته‌اند: پیشوای بزرگ و عالم اهل کوفه بوده و از ابی جحیفه و ابن ابی لیلی و نخعی و سعید بن جبیر و عکرمة و طاووس و مجاهد و ...

حدیث نقل کرده است و اعمش و ابان بن تغلب و اوزاعی و ابو عوانه ... نیز از او نقل حدیث کرده‌اند:

(۱). جامع البیان، ج ۴، ص ۱۸، شماره ۷۱۱۵؛ الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۰

اوزاعی می‌گوید: من فقیه‌تر از او ندیده‌ام.

سفیان بن عیینه نیز می‌گوید: کسی در کوفه مثل حکم و حماد نبود.

به باور عجلی، حکم ثقه و ثبت و با دقت و فقیهی از بزرگان اصحاب ابراهیم نخعی و تابع سنت بود! «۱»

لیکن به اعتقاد ما، او مذمت شده و ضعیف و بتری است؛ چنانکه در خلاصه الأقوال علماء حلی و تحریر طاووسی و کتب دیگران هم

آمده است. «۲»

۱۱- ابن ابی ملیکه (متوفای ۱۱۷ هـ.)

اشاره

ماوردی در باب ازدواج متعه می‌گوید: از ابن عباس و ابن ابی ملیکه و ابن جریج و (شیعه) امامیه، جواز و حلیت متعه وارد شده

است. «۳»

ابن ابی ملیکه کیست؟

گفته‌اند که او عبد الله بن عبید الله بن ابی ملیکه است و در زمان خلافت امام علی علیه السلام یا قبل از آن، متولد شد و از ام سلمه و عایشه و خواهرش اسماء و ابن عباس و عبد الله بن جعفر و ... روایت نقل کرده است. همچنین عطا، ابن جریج و ... از او حدیث نقل کرده‌اند. و ابو زرعه و ابو حاتم او را توثیق کردند. در صحاح سته هم از او حدیث نقل شده است. «۴»

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۰۸؛ الطبقات الکبری، (ابن سعد)، ج ۶، ص ۳۳۱؛ طبقات خلیفه، ص ۱۶۲

(۲). تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۸۵؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۶۱۴؛ تحریر طاووسی، ص ۸۸

(۳). حاوی کبیر، ج ۱۱، ص ۴۴۹

(۴). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۸۸؛ طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۷۳؛ تاریخ کبیر بخاری، ج ۵، ص ۱۳۷

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۱

به نظر می‌رسد: او مجهول است و در کتب رجالی، جز قاموس (بعد از فحص و جستجو) مطلبی در مورد او نیافتیم. آری، بعضی از کتاب‌ها او را مؤذن عبد الله بن الزبیر و قاضی از طرف او معرفی کرده است. «۱»

۱۲- زفر بن اوس بن حدثان مدنی**اشاره**

ابن نجیم به او نسبت داده است که قائل به متعه بود. «۲»

زفر کیست؟

عسقلانی می‌گوید: زفر بن اوس بن حدثان نصری مدنی، برادر مالک بود و از ابی سنابل روایت کرده و عبید الله بن عبد الله بن عتبه نیز از او روایت کرده است.

به گفته عسقلانی: ابن منده و ابو نعیم در کتاب صحابه، از او یاد کرده‌اند. و گفته شده که او پیامبر صلی الله علیه و آله را درک کرد، ولی از او شنیده نشده روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کند، و با پیامبر صلی الله علیه و آله هم نبوده است و بخاری و ابو حاتم نیز از او نام نبرده‌اند. «۳»

به نظر ما، او عامی است. کلینی در باب ابطال عول، از او روایت نقل می‌کند که: وی موقعی که ابن عباس عول را انکار کرد، به او گفت:

(۱). البحر الرائق، ابن نجیم، ج ۳، ص ۱۱۵؛ الغدیر، ج ۶، ص ۳۱۴

(۲). تهذیب الکمال، ج ۱۰، ص ۳۱۰؛ قاموس الرجال، ج ۱۱، ص ۵۸۳

(۳). تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۸۲، شماره ۶۱۱؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۲۶۱، شماره ۴۷؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۳۰۵

میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۲

چه کسی اولین بار عول را انکار کرد؟

گفت: عمر، آنگاه به او گفت: چه چیزی باعث شد در مقابل عمر نظر خود را کتمان کنی؟ ابن عباس گفت: از او ترسیدم. «۱»
ملاحظه: زفر بن هذیل

گفتنی است زفر بن اوس غیر از زفر بن هذیل عنبری است. و شاگرد ابو حنیفه (بلکه بزرگترین شاگرد او) بوده است. در سال یکصد و ده متولد شد و در سال یکصد و پنجاه و هشت از دنیا رفت و چیز دیگری که در مورد او گفته شده، آن است که: او یکی از فقهای عابد و ... است. ابن سعد می‌گوید: در حدیث، ضعیف بوده و سر رشته‌ای نداشته است. «۲»
زفر مذکور، در عقد متعه نیز نظر خاصی دارد و آن را لازم می‌داند (چنانکه ابن قدامه و مرغینانی و دیگران نیز به آن اشاره کرده‌اند).

۱- ابن قدامه می‌گوید: زفر گفت: این ازدواج صحیح و شرط در آن باطل است. «۳»

۲- مرغینانی نیز می‌گوید: زفر گفت: عقد موقت صحیح و لازم است، چون نکاح با شروط فاسد باطل نمی‌شود. «۴»
بنابراین، آنچه در مورد متعه به او نسبت داده شد، صحیح نیست و بعضی از روایات ما نیز آن را تأیید می‌کند. «۵»

(۱). کافی، ج ۷، ص ۷۹؛ قاموس الرجال، ج ۴، ص ۴۵۱

(۲). میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۷۱؛ سیر علام النبلاء، ج ۸، ص ۳۹

(۳). المغنی، ج ۶، ص ۶۴۴

(۴). الهدایه، ج ۱، ص ۱۹۰

(۵). وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۴، ح ۹؛ نک: الهدایه فی شرح البدایه المبتدی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ شرح فتح القدر، ج ۳، ص ۱۵۳؛

المحلی ابن حزم، ج ۹، ص ۵۲۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۳

۱۳- طلحه بن مصرف الیامی (متوفای ۱۱۲ هـ)

اشاره

ثعلبی گوید: عیسی بن عمر از طلحه بن مصرف نقل کرده که او این آیه را چنین قرائت می‌کرد:

«... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ ... إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى. «۱»

طلحه بن مصرف کیست؟

ذهبی می‌گوید: طلحه بن مصرف امام، حافظ، قاری، مجود و شیخ الاسلام بود.

عسقلانی نیز می‌نویسد: او را سید قاریان می‌نامیدند و عجلای نیز می‌گوید: او عثمانی مذهب و از همه قراء کوفه بهتر بود.

و نیز به گفته ابن سعد: وی ثقة بوده و روایات خوبی دارد.

ابن حبان او را از ثقات شمرده است.

لازم به یادآوری است که ارباب صحاح سته، از او حدیث نقل کرده‌اند و چنانکه گفته شد، او را سید قاریان و بهترین قاری اهل

کوفه و ...

می‌دانستند.

با این وجود این آیه را «إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى» همانند ابن عباس و دیگران قرائت می‌کند و او همچنین جزو معتقدان به جواز متعه است. «۲»

(۱). الکشف و البیان، ج ۳، ص ۲۸۶

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۹۱ تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۲۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۴

ولی نظر بعضی از بزرگان ما در باره او منفی است. «۱»

۱۴- اهل مکه و یمن

الف) ابو عمرو (صاحب استیعاب) می‌نویسد: اصحاب ابن عباس در مکه و یمن، بنا بر مذهب ابن عباس، متعه را حلال می‌شمردند. «۲»

ب) قرطبی نوشته است: اهالی مکه بسیار متعه می‌کردند. «۳»

۱۵- اهل بیت و تابعین

ابو حیان بعد از نقل حدیث جواز متعه، می‌گوید: جمعی از اهل بیت علیهم السلام و تابعین قائل به جواز متعه هستند. «۴»

صفحه‌ای از نام‌های دیگران

عَلَمَةُ امِینِی، اسامی افراد دیگری از صحابه و تابعین را آورده، که قائل به حلیت متعه بودند؛ مانند عبد الله بن عمر و خالد بن مهاجر و «...» «۵»

ولی نسبت به خالد بن مهاجر، گویا به حدیث مسلم (که ما آن را در فصل ابن عباس آوردیم) اشاره دارد.

(۱). قاموس الرجال، ج ۵، ص ۵۷۷

(۲). تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۳؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۱۷۳

(۳). الجامع الاحکام القرآن، ج ۵، ص ۸۷

(۴). تفسیر بحر المحيط، ج ۵، ص ۸۷

(۵). الغدیر، ج ۶، ص ۲۲۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۵

و مهاجر نیز، نقل کننده جریان بحث میان ابن عباس و ابن زبیر بوده، نه اینکه خودش قائل به متعه باشد. از ابن عمر «۱» نیز مطالبی مخالف جواز متعه وارد شده است؛ (همانطور که در چند صفحه پیش به آن اشاره کردیم و در فصل آخر نیز مطالبی خواهیم آورد). همچنین شیخ مفید در دو کتابش، به نقل از کتاب «الاقضیه» نام کسانی که قائل به جواز متعه بودند؛ از جمله صفوان و یعلی، فرزندان امیه را ذکر کرده است. «۲»

و اما مادر «یعلی بن امیه»، منیه بوده، و از طایفه تمیمی و هم پیمان قریش و صحابی و از کارگزاران عمر در نجران بود. «۳»

و اما صفوان، فرزند امیه بن خلف، ابو وهب جمحی است و او نیز جزو صحابه بود. «۴»

(۱). مسند احمد، ج ۲، ص ۹۵

(۲). المسائل الصاغانيه، ص ۳۶؛ الاعلام، ص ۳۶؛ سلسله مؤلفات شیخ مفید، تاریخ کبیر بخاری، ج ۸، ص ۴۴، و ج ۴، ص ۳۰۴

(۳). التاريخ الكبير، بخاری، ج ۸، ص ۴۱۴

(۴). التاريخ الكبير، بخاری، ج ۴، ص ۳۰۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۷

چند نکته و چند شبهه

اشاره

- ۱- آیا معتقدان به متعه، از نسخ آن آگاهی نداشته‌اند؟
 - ۲- منع از متعه امری حکومتی بود؟
 - ۳- آیا عمر ادعای نسخ کرده است؟
 - ۴- آیا کلمات فقهای اهل سنت دلالت بر جواز دارد؟
 - ۵- آیا تحریم متعه اجماعی است؟
 - ۶- آشفتگی در روایات تحریم.
 - ۷- مناقشه در روایات تحریم.
 - ۸- سلاح کسی که در پاسخ در مانده است.
 - ۹- کتابهایی که در باره متعه نگارش یافته است.
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۹۹

۱- آیا معتقدان به متعه، از نسخ آن آگاهی نداشته‌اند؟

بعضی، چشم بسته، از اعتقاد گروهی از صحابه، که بر خلاف عمر معتقد به جواز متعه بودند، شانه خالی کرده، آن را بر نرسیدن نسخ به آنان حمل کرده‌اند.

شوکانی می‌گوید: در مورد حدیث جابر باید چنین پاسخ داد که: نسخ به دست او نرسیده است و وضع در باره دیگر صحابه نیز چنین بوده است...

این جواب هر چند خالی از زورگویی نیست، ولی به ناچار باید این را بگوییم چون حدیث سبره، صحیح و با صراحت است و به حرمت ابدی در همه حال اشاره دارد.

بنابراین، ما بر آنچه از طرف شارع رسیده است، تعبد داریم و آن روایت برای ما، حرمت ابدی می‌آورد و مخالفت عده‌ای از صحابه، حجیت آن را از بین نمی‌برد و عذری برای عمل به آن ایجاد نمی‌کند. «۱»

باید گفت:

(۱). نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۳۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۰

اولاً: با اینکه خود شوکانی اعتراف می‌کند که این جواب، ظلم و زورگویی و ضعیف است، چگونه می‌توان به آن تمسک جست؟ گفته نشود که: از مخالفت عده‌ای از صحابه با نص صریح، معلوم می‌شود که آنها از اعتقادشان دست برداشته‌اند. اگر کسی چنین بگوید، پاسخ می‌دهیم: نص صریحی وجود ندارد، بلکه مهمترین نص، حدیث سیره است و به اشکالات آن نیز خواهیم پرداخت. ثانیاً: شکفت اینکه بگوئیم صحابه‌ای مانند جابر و ابو سعید و امام علی علیه السلام و ابن عباس، به آنچه از طرف شارع رسیده، تعبد نداشته‌اند ولی شوکانی به آنچه رسیده، متعبد است!

ثالثاً: شوکانی با صراحت می‌گوید: گروهی از صحابه، با نظریه حرمت متعه مخالف بوده و آن را حلال می‌دانستند اما با این حال، به خاطر حدیثی که او صحیح می‌دانسته، آنها را وامی‌گذارد، هر چند آن حدیث مخالف احادیث و اقوال جمعی از صحابه است (که جواز متعه را به قول یا تقریر رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می‌دادند).

دیگر اینکه: کسی که در احوال این صحابه دقت و تأمل می‌کند و جایگاه علمی و اجتماعی آنها را می‌بیند، وقتی به کلام شوکانی (که گفت: نسخ به آنها نرسیده است) می‌نگرد، از گمان او (شوکانی) و کسانی که عقیده‌ای مثل او دارند، متحیر و شکفت‌زده می‌شود و انگشت حیرت به دندان می‌گیرد.

در حالی که از میان صحابه، کسانی هستند که مفتی مدینه و مرجع احکام شرعی بوده‌اند و بعضی از آنان، جمع‌کننده قرآن و کاتب وحی بوده‌اند و برخی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله داناترند و از میان آنان

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۱

کسانی هستند که دانشمند امت و فقیه زمان هستند و در یک مسأله واحد اطمینان پیدا نمی‌کند تا اینکه از سی نفر از صحابه پرسد و آنگاه آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد.

چگونه ممکن است، چنین کسانی با این سطح از مقام، از نسخ اطلاعی نیافته باشند و تا آخر عمر بر جواز و حلیت (متعه) اصرار ورزند؟

بعضی از تابعین نیز هستند که هیچ شکی در عظمت آنها نیست، با این حال به حلیت متعه فتوا می‌دادند و به آن نیز عمل می‌کردند و این از چیزهایی است که انسان را به شبهه وامی‌دارد، بلکه باعث یقین برای انسان می‌شود که قول به حرمت متعه، نظر شخصی و اجتهاد عمر بن خطاب بوده است. (همانطور که ملاحظه می‌کنید)....

در اینجا کافی است کلام رازی را نقل کنیم که می‌گوید:

«دلیل سوم: روایتی است از عمر که بر فراز منبر گفت: دو متعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مشروع و حلال بود و من از آن دو نهی می‌کنم؛ یکی متعه حج و یکی هم متعه نکاح. از این گفته، صریح فهمیده می‌شود که متعه نکاح در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله وجود داشته و گفته خلیفه «من از آن دو نهی کردم» دلالت دارد بر اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از آن منع نکرده، بلکه عمر آن را نسخ کرده است!

وقتی این مطلب ثابت شد، می‌گوییم: این گفتار دلالت دارد بر اینکه متعه در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بوده و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نسخ نکرده است و ناسخی جز نسخ عمر وجود ندارد.

بنابراین، واجب است که منسوخ نباشد، چون در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله چنین چیزی ثابت نشده است و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را نسخ نکرده، پس نمی‌شود

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۲

به وسیله عمر نسخ شده باشد و این استدلالی است که عمران بن حصین به وسیله آن احتجاج کرده، می‌گوید: خداوند در مورد متعه آیه‌ای نازل کرده و به وسیله آیه دیگری نسخ نکرده است و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ما را امر به متعه کرده و ما را از آن نهی ننموده است و آن مرد با نظر خودش گفته، آنچه گفته است! «۱»

از این استدلال محکم، جواب ضعیفی داده شده ولی این حجت و دلیل قوی است و رد ضعیف با آن تعارض ندارد. همچنین رازی گفته است: اگر ناسخ موجود بود، یا به وسیله احادیث متواتر و یا خبر واحد مشخص می‌شد، و اگر به وسیله اخبار متواتر مشخص باشد، چگونه ممکن است که علی بن ابی طالب علیه السلام و عبد الله بن عباس و عمران بن حصین چیزی از دین محمد صلی الله علیه و آله که با تواتر ثابت شده است، را انکار نمایند! این قول موجب تکفیر آنان می‌شود و این به یقین باطل است. «۲»

نتیجه: جابر بن عبد الله و ابو سعید و عبد الله بن مسعود و ابن عباس و عمران بن حصین و دیگر سرشناسان صحابه و آنان که از پیامبر صلی الله علیه و آله احادیث بسیار نقل کرده‌اند، معتقد به جواز متعه هستند و عمل صحابه نیز بر آن است. پس آنان عمل متعه و جواز آن را به همه صحابه نسبت می‌دهند، نه به بعضی از آنها.

و اما حدیث «تحریم متعه» که گروهی از محققان اهل سنت، آن را پسندیده‌اند حدیث سیره است که حرام شدن متعه در روز فتح مکه را نقل می‌کند.

(۱). تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۳

(۲). تفسیر کبیر، ج ۱۰، ص ۵۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۳

باید گفت که جایگاه این شخص ناشناس (سیره) که از او هیچ اطلاعی جز نقل یک یا دو حدیث در دسترس نیست، در برابر این همه راوی سرشناس به حساب نمی‌آید.

اسعد وحید فلسطینی می‌گوید:

«... ولی بعضی از معاصرین خلیفه دوم و پس از آن بعضی از محدثان ساده‌اندیش، زمانی که نتوانستند علت نهی خلیفه از ازدواج متعه را درک کنند، از پذیرش اینکه عمر حلال خدا را حرام کرده خودداری می‌کنند و در مقام توجیه برآمده و مجبور به دفاع از خلیفه و استخراج طریقی برای تحریم آن شده‌اند، ولی جز ادعای نسخ از پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از مباح بودن متعه، چیزی نیافتند و به این صورت در سخن فرو ماندند و کلمات آنها اینگونه آشفته و مضطرب گردید.» «۱» *

۲- منع از متعه امری حکومتی بود یا ...؟

اشاره

بدیهی است منع از متعه امری حکومتی بود که از جانب خلیفه (عمر) صادر شد و ما شواهدی داریم که این منع به خاطر نهی پیامبر صلی الله علیه و آله و یا نسخ حکم نبوده، بلکه بعد از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز حکم جواز متعه باقی و پابرجا بوده است و مسلمانان تا مدتی از حکومت عمر نیز به آن عمل می‌کردند، سپس خلیفه با نظر و اجتهاد خود از آن منع کرد، نه نهی که از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله صادر شده باشد.

(۱). حقیقه الشیعه الاثنی عشریه، ص ۱۳۱
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۴
ما دلایلی داریم که اکنون به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

شاهد اول: تأکید ابن عمر بر عهد پدرش:

اشاره

نصوصی وجود دارد که حاکی است ابن عمر معتقدان به جواز متعه را تهدید می‌کرد و به یادشان می‌آورد که در زمان پدرش جرأت نمی‌کردند دهان به سخن بگشایند و در مورد آن (جواز متعه) حرفی بزنند! حال اگر حرمت و نسخ (متعه) در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله صورت می‌گرفت، ابن عمر بر عصر پدرش تأکید نمی‌کرد.

آیا معنای این حرف آن است که پیامبر صلی الله علیه و آله در اجرای احکام خداوند و برخورد با افراد جدی نبوده است؟!

۱- عبد الرزاق از معمر، از زهری، از سالم نقل می‌کند که به ابن عمر گفتند: ابن عباس متعه زنان را جایز می‌داند، گفت: فکر نمی‌کنم ابن عباس چنین نظریه‌ای داشته باشد. گفتند: به خدا سوگند چنین است. گفت: ولی به خدا قسم او در زمان عمر جرأت نمی‌کرد چنین بگوید و اگر عمر بود، او را مجازات سخت می‌کرد و من متعه را بی‌عفتی می‌دانم. «۱»

۲- نافع می‌گوید: از ابن عمر درباره متعه پرسیدند، پاسخ داد: حرام است. پس گفتند: ابن عباس به حلیت آن فتوا می‌دهد. گفت: چرا در زمان عمر دم فرو بسته بود؟! «۲»

بنابراین، از پیامبر نهی صادر نشده، بلکه نهی از جانب خلیفه بوده

(۱). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۲

(۲). مصنف، ابن ابی شیبه، ج ۳، ص ۳۹۰، ح ۸، نکاح المتعه

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۵

است. و گرنه معنا نداشت که ابن عمر اصرار بر عهد عمر کند.

البته صحابه از ترس تازیانه عمر جرأت نمی‌کردند نظریه خود را برخلاف اجتهاد عمر ابراز کنند، چنانکه ابو هریره و دیگران در زمان عمر از نقل حدیث می‌ترسیدند. او خود می‌گوید: ما نمی‌توانستیم بگوییم:

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود» تا اینکه عمر از دنیا رفت؛ چون از تازیانه می‌ترسیدیم. «۱»

در جای دیگر می‌گوید: من احادیثی را بازگو می‌کنم که اگر آنها را در زمان عمر می‌گفتم سرم را می‌شکست. «۲»

حاشیه ذهبی:

ذهبی حاشیه‌ای بر سخن ابو هریره دارد و در آنجا می‌گوید: آری، عمر اینگونه بود. و می‌گفت: حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله کم نقل کنید. او بسیاری از صحابه را از نقل حدیث باز می‌داشت و این نظر عمر و دیگران بود. به خدا سوگند در حکومت عمر، از نقل حدیث منع می‌شدند، با اینکه محدثان و ناقلان حدیث راستگو و عادل بودند و حدیث آنها بدون واسطه از پیامبر بود، ولی باز هم از آنان جلوگیری به عمل می‌آمد. «۳»

بنابراین، قابل توجه است که منع از متعه، مذهب و اجتهاد عمر بن خطاب بوده، همانگونه که منع از حدیث نیز روش ویژه او بود، نه

روش

(۱). سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۶۰۲؛ تاریخ دمشق، ج ۱۹، ص ۱۱۷

(۲). همان.

(۳). سیر اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۶۰۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۶

پیامبر صلی الله علیه و آله و شرع انور. چون خلیفه حدیث کسی که راستگو و عادل بود و حتی بدون واسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده بود را نیز منع می‌کرد. پس منع از ازدواج موقت (اگر نسبت دادن آن به خلیفه صحیح باشد) عقیده خاص خلیفه دوم بوده است.

شاهد دوم: تصریح جابر:

جابر بن عبد الله انصاری تصریح می‌کند که منع از متعه، در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و أبو بکر نبود، بلکه چنین حکمی در زمان عمر و توسط او صادر شد. جابر می‌گوید: در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و أبو بکر متعه می‌کردیم لیکن وقتی دوران خلافت عمر فرا رسید، خطاب به مردم گفت: این پیامبر فرستاده خداست و این هم قرآن است. در زمان پیامبر دو متعه بود و من از آن دو نهی می‌کنم و کسانی را که به آن اقدام کنند به مجازات می‌رسانم؛ یکی «متعۀ زنان» است، پس اگر به مردی دست پیدا کنم که برای مدت معینی ازدواج کرده، سنگسارش می‌کنم و دیگر «متعۀ حج» است که میان حج و عمره خود فاصله بیندازید، در این صورت حج و عمره شما تمام و کامل خواهد شد. «۱»

مسلم در صحیح خود، به صورتی دیگر، این حدیث را از همام آورده است.

عبارت «سنگسار می‌کنم» به این معناست که عمر بر کسی که اقدام به

(۱). السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۳۵؛ احکام القرآن، للجصاص، ج ۲، ص ۱۵۲؛ المغنی، ج ۷، ص ۵۷۱؛ الشرح الکبیر، ج ۷، ص ۳۷؛

الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰؛ المحاضرات، ج ۲، ص ۹۴؛ تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۲۰؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۵۲؛ منتخب کتر

العمال، ج ۶، ص ۴۰۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۷

متععه کرده، حد زنا را جاری می‌کند، با اینکه هیچ‌یک از اهل سنت چنین فتوایی صادر نکرده‌اند، بلکه نهایت چیز آن است که گفته‌اند: باید او را ادب کرد، یا اینکه در آن اختلاف دارند و اگر فرزندی منعقد شد، فرزند شبهه است، نه آنکه زنا زاده باشد.

جزیری می‌گوید: فاعل ازدواج متعه مجازات می‌شود ولی حد بر او جاری نمی‌گردد؛ چون احتمال جواز متعه وجود دارد «... ۱»

شاهد سوم: گفتگوی عمران بن سواده:

طبری با سند خود از عمران بن سواده نقل کرده که گفت: نماز صبح را با عمر خواندیم و عمر سوره اسراء و سوره دیگری را همراه آن خواند و آنگاه منصرف شد. من با او برخاستم. رو به من کرد و گفت: آیا کاری داری؟ گفتم:

آری. گفت: پس با من بیا. وقتی داخل خانه شد، بر روی تخت قرار گرفت در حالی که چیزی رویش نبود. گفتم: نصیحتی دارم، گفت: نصیحت کننده (خیرخواه) صبح و شب، خوش می‌آید، گفتم: امت چهار اشکال به تو دارند.

عمر سر تازیانه‌اش را در چانه‌اش و انتهای آن را بر رانش قرار داد و گفت: ادامه بده!
گفتم: می‌گویند که تو:

طبسی، نجم الدین - مترجم: شیرازی، محمد حسین، ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، در یک جلد، دلیل ما، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ ه ق ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین؛ ص: ۱۰۷
* در ماه‌های حج، عمره را تحریم کرده‌ای در حالی که پیامبر صلی الله علیه و آله و ابو بکر چنین نگفته‌اند و این کار حلال است
...

(۱). الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۹۲؛ شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۵

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۸

* متعه زنان را حرام کرده‌ای، در حالی که خداوند آن را مجاز شناخته است. ما با یک مشت (خرما و) ... متعه می‌کردیم و با سه مشت نیز جدا می‌شدیم.

عمر گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر زمان ضرورت و اضطرار، آن را حلال شمرد اما اکنون مردم به راحتی و توانگری رسیده‌اند و دیگر کسی از مسلمانان را نمی‌شناسم که به آن عمل کند و به متعه برگردد. اکنون هر کسی می‌تواند با مشت (خرما و) ... ازدواج (دائم) کند و می‌تواند با سه مشت نیز آن را طلاق دهد (و دیگر از متعه دست برداشته‌اند). «۱»

و این نص صراحت دارد که این منع از اجتهاد و نظر عمر بوده است و مردم به خاطر مخالفت نهی از متعه، با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، به آن اعتراض داشتند ولی از ترس تازیانه و شکنجه نمی‌توانستند با آن مقابله کنند.
ظاهر گفتار خلیفه نشان می‌دهد که او اقرار دارد بر اینکه نسخ در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله صادر نشده است، بلکه او اجتهاد کرده و متعه را به نظر و عقیده

(۱). تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۷۹؛ حوادث سال ۲۳ ه، (دار الکتب العلمیه بیروت)، شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۱۲۱؛ قاموس الرجال، ج ۸، ص ۲۴۴، شماره ۵۶۸۰، قوشجی اشعری (متوفای سال ۸۷۹ ه). در شرح تجرید در مبحث امامت می‌گوید: عمر بر فراز منبر گفت: سه چیز در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و من از آنها نهی می‌کنم و آنها را حرام می‌دانم و (مرتکبین) آنها را مجازات می‌کنم: یکی متعه زنان، دوم متعه حج و سوم گفتن «حی علی خیر العمل».
(قوشجی) آنگاه از او (عمر) اینگونه دفاع کرد: این گفتار عمر باعث عیب و شماتت نیست، چون مخالفت مجتهد با دیگران در مسائل اجتهادی بدعت نیست.

شرح تجرید، ص ۴۸۴، بله! بخوان و بخند و بر این حاشیه قوشجی گریه کن!

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۰۹

خود، با این استدلال که متعه به خاطر تنگدستی و فقر مردم در معیشت و عدم توانایی مالی بوده، لیکن الآن در وسعت و گشایش مالی هستند، و دیگر بدان اقدام نمی‌کنند، تحریم نمود.

گویا خلیفه از رواج متعه در زمان وسعت و توانایی مردم (در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله) آگاهی نداشته است!

بسی جای شگفت است که بگوییم هر کس بخواهد متعه کند، باید خلیفه را از آن آگاه نماید؟! به ویژه قبل از خلافت او؟ و آیا ندانستن خلیفه دلیل بر حرمت متعه است؟

شاهد چهارم: تصریح امام علی علیه السلام

ابن جریر می‌گوید: کسی که من او را تصدیق می‌کنم، به من خبر داد که علی علیه السلام در کوفه گفت: اگر عمر چنین رأی و نظری را نگفته بود و من نیز امر به متعه می‌کردم، جز انسان بدبخت و شقی زنا نمی‌کرد. «۱»
گویا چنین اجتهادی (که به سیره شیخین مشهور شده) در زمان خلفای بعد از آنها نیز (به همان شکل) رواج داشته است.

شاهد پنجم: تصریح مؤلفان و بزرگان:

اشاره

۱- راغب می‌نویسد: مردی متعه کرد، به او گفتند: چه کسی گفته حلال است و به آن اجازه داده است؟ پاسخ داد: عمر. گفتند: چگونه ممکن است

(۱). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۵۰۰، ح ۱۴۰۲۹؛ نظیر این حدیث از ابن عباس وارد شده، تاریخ المدینه، ج ۲، ص ۷۲۰
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۰

در حالی که عمر از آن نهی کرده و اقدام کنندگان به آن را مجازات می‌کند؟!

گفت: به خاطر آن که عمر گفته است: دو متعه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلال بود و من آن دو را حرام کرده‌ام و هر کس انجام دهد، او را مجازات می‌کنم: متعه حج و متعه زنان. بنابراین، من روایت او بر جواز و شرعیت دو متعه را می‌پذیرم و نهی متعه از سوی خودش را قبول ندارم. «۱»

ب- قلقشندی می‌گوید: او (عمر بن خطاب) نخستین کسی است که متعه زنان را حرام دانست و متعه آن است که با زنی برای زمان معینی با مال مشخصی ازدواج کنی و این پیش از او (عمر) مباح بود. «۲»

۳- سیوطی به نقل از عسکری- ابو هلال- آورده است: عمر بن خطاب نخستین کسی بود که متعه را حرام کرد. «۳»

(۱). محاضرات الادباء، ج ۲، ص ۲۱۴، و به نقل دیگر: یحیی بن اکثم در بصره به شخصی گفت در جواز متعه و ازدواج موقت از چه کسی پیروی می‌کنی؟ او گفت: از عمر. محاضرات الادباء، ج ۲، ص ۹۴

(۲). مآثر الانافه فی معالم الخلافه، ج ۳، ص ۳۳۸، با تحقیق عبد الستار احمد فزاج، مؤسسه زیر نظر وزارت ارشاد کویت) شماره ۱۳، (سال ۱۹۶۴ م)

ولی شبلی می‌گوید: اولین کسی که از متعه جلوگیری کرد معاویه بود، از ابن عباس از ابن شیبیه و ابو عروه این مطلب را نقل می‌کنند (و رسول خدا صلی الله علیه و آله و أبو بکر و عمر و عثمان و علی علیه السلام متعه می‌کردند و معاویه برای اولین بار از آن نهی کرد) محاسن الوسائل فی معرفه الاوائل، ص ۲۸۸، شبلی دمشقی، با تحقیق دکتر محمد تونجی، دار النفاث چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ / ۱۹۹۲ م.

مؤلف: گویا از سهو قلم یا غلط چاپی باشد، چون معاویه معتقد به جواز متعه بود (چنانکه ابن حزم در محلی و دیگران تصریح کرده‌اند)، محلی، ج ۹، ص ۵۱۹، شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۳). تاریخ الخلفاء، و مراد از عسکری همان حسن بن عبد الله بن سهل- أبو هلال لغوی- نویسنده کتاب «الأوائل» است که در سال ۳۹۵ هـ آن را نوشت. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۹۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۱

اسعد وحید قاسم فلسطینی می‌گوید:

با تمام صراحتی که در نصوص وجود دارد و مشروعیت ازدواج متعه را ثابت می‌کند و از سویی از جانب پیامبر صلی الله علیه و آله نهی وارد نشده و با توجه به یقین داشتن به جواز آن تا نهی خلیفه در زمان خلافتش، این گره را نمی‌توان گشود جز آنکه بگوییم خلیفه با رأی خود، به خاطر مصلحتی که به نظرش می‌رسیده! به عنوان حکم مدنی نه دینی از استعمال متعه منع کرده است... پس باید مقصود او منع زمانی و حرمت مدنی باشد نه دینی. «۱» *

۳- آیا عمر ادعای نسخ کرده است؟

الف: عمر بن خطاب ادعای نسخ حکم نکرده است، چون می‌گوید: من از آن دو (متعه) نهی می‌کنم، بلکه این گفته او صراحت دارد که نهی از متعه را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نمی‌دهد. پس اگر نسخ شده بود، شایسته‌تر بود که آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهد.

ب: صحابه نیز نهی خلیفه را به عنوان «نسخ» تلقی نکرده‌اند و شاهد بر آن حدیث حضرت علی علیه السلام است که می‌فرماید: اگر عمر از متعه نهی

(۱). حقیقه الشیعه الاثنی عشریه، ص ۱۳۰، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ

مؤلف: از برخی روایات فهمیده می‌شود که خلیفه متعه را حرام نکرده بلکه منع و نهی کرده است چنانکه فضل می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: به عمر خبر رسید که مردم عراق فکر می‌کنند عمر متعه را حرام کرده، کسی را فرستاد و گفت: به آنها بگو من (متعه) را حرام نکرده‌ام و عمر نمی‌تواند حلال خدا را حرام کند بلکه عمر از آن نهی کرده است. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹، از نوادر)

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۲

نمی‌کرد، کسی جز شقی و بدبخت زنا نمی‌کرد. «۱»

و شاهد دیگر، گفته عمران بن حصین است که می‌گوید: خداوند در مورد متعه آیه‌ای را نازل کرد و آن را با آیه دیگری نسخ نکرد و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز ما را به متعه امر نمود و از آن بازداشت، تا اینکه مردی با رأی خودش چنان گفت. «۲» بنابراین، خلیفه با نظر خودش در مقابل نص صریح اجتهاد کرده و این مردود است.

ج: به فرض که گفته عمر را یک روایت بدانیم، در این صورت با احادیث نقل شده از صحابه (در مورد عدم نسخ جواز متعه) تعارض پیدا می‌کند و نتیجه‌اش تساقط است و در این حال به اصل اولی - که اباحه باشد - رجوع می‌کنیم.

د: نسخ با خبر واحد ثابت نمی‌شود (همانطور که بعضی از علمای اهل سنت نیز بر آن تصریح دارند)، و ادعای عمر به نسخ پیامبر صلی الله علیه و آله از خیر واحد تجاوز نمی‌کند.

خلاف می‌گوید: نص قرآن و سنت متواتر، با سنت غیر متواتر یا با قیاس نسخ نمی‌شود؛ زیرا قوی به وسیله ضعیف نسخ نمی‌گردد و بنابراین چنین می‌شود که: حکم شرعی در قرآن یا سنت، بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله نسخ نمی‌شود، چون ورود نص بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شده و احکام مستقر گردیده است. پس ممکن نیست نص با قیاس و اجتهاد نسخ شود. «۳»

- (۱). جامع البیان طبری، ج ۵، ص ۱۳
- (۲). تفسیر کبیر، ج ۳، بخاری، ج ۳، ص ۱۰۴
- (۳). اصول الفقه، ص ۲۲۸، عبد الوهاب خلاف، حاشیه بنایی بر متن جمع الجوامع، ص ۷۸
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۳
- ه: اگر حکم متعه نسخ شده؛ چرا هیچ‌یک از صحابه جز عمر بن خطاب از آن آگاهی نیافته‌اند، با اینکه این مسأله اهمیت دارد و مرز میان ازدواج و زنا را مشخص می‌کند.*

۴- کلمات فقهای اهل سنت و مفسرین آنها

- فقه‌ها تصریح کرده‌اند که جمعی از صحابه و تابعین (که پیشوایان مذاهب و شیوخ اصحاب، صحاح و سنن نیز از جمله هستند) معتقد به جواز متعه بوده و به آن فتوا داده، عمل نیز کرده‌اند.
- ۱- قرطبی می‌گوید: ازدواج متعه را جز عمران بن حصین و بعضی از صحابه و گروهی از اهل بیت، کسی جایز نمی‌داند. ابو عمرو می‌گوید: اصحاب ابن عباس، از اهالی مکه و یمن، همگی بنابر روش ابن عباس متعه را حلال می‌دانستند. «۱»
- ۲- ماوردی گفته است: از ابن عباس و ابن ابی ملیکه و ابن جریج و امامیه نقل شده که متعه را جایز می‌دانستند. «۲»
- ۳- هاشمی بغدادی می‌گوید: از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی که اعتقاد به جواز متعه داشتند، عبارت بودند از: الف: خالد بن عبد الله انصاری ب: زید بن ثابت انصاری ج: سلمه بن اکوع اسلمی د: عمران بن حصین خزاعی ه: عبد الله بن عباس بن عبد المطلب. «۳»

- (۱). تفسیر قرطبی، ج ۵، ص ۱۳۳
- (۲). الحاوی الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۴۹
- (۳). المحبّر، ص ۲۸۹، دائرة المعارف العثمانیه، حیدرآباد، رکن عام ۱۳۶۱
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۴
- و در نسخه‌ای که شیخ مفید از آن نقل کرده نام دو نفر دیگر، فزون بر آن چهار صحابی، آمده است: انس بن مالک و حضرت علی بن ابی طالب. علیه السلام
- ۴- ابن حزم می‌گوید: جمعی از اصحاب سلف بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله بر حلیت متعه باقی ماندند؛ از جمله: اسماء بنت ابی بکر و جابر بن عبد الله و ابن مسعود و ابن عباس و معاویه بن ابی سفیان و عمرو بن حرث و ابو سعید خدری و معبد و سلمه فرزندان امیه بن خلف.
- جابر بن عبد الله از صحابیان عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله، از ابو بکر و عمر (تا اواخر خلافت وی) نقل کرده است که آنان متعه را جایز شمرده‌اند.
- همچنین نقل شده است که عمر بن خطاب فقط زمانی که دو عادل حضور نداشته و شهادت نمی‌دادند متعه را حرام می‌دانست و در صورت حضور دو شاهد عادل آن را مباح می‌شمرد.
- و از جمله تابعین: طاوس، عطاء، سعید بن جبیر و سایر فقهای مکه بودند. و ما این آثار (افراد ذکر شده) را بعد از جستجو، در کتاب «ایصال» «۱» خود آورده‌ایم. «۲»

شایسته است بعد از این تصریحات، گفته‌ی احمد امین را ببینید که می‌گوید:

... «و عمر با فهم خود به وجه صحیح رسیده است که تفاوت زیادی میان متعه و زنا نیست!» (۳)

(۱) المحلي، ج ۹، ص ۵۱۹.

(۲) شرح کتاب «الخصال الجامعه» است که آن را ابن حزم به «الإیصال إلى فهم کتاب الخصال» نامگذاری کرده و اقوال صحابه و تابعین و طبقات پس از آنان را در أدله آن آورده است. کشف الظنون، ج ۱، ص ۷۰۴، معجم المؤلفین، ج ۷، ص ۱۶.

(۳). ضحی الاسلام، ج ۳، ص ۲۵۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۵

ملاحظه می‌کنید که وی چگونه صحابه و تابعین را متهم می‌کند و آنان را به بدترین لحن، به باد فحش و ناسزا می‌گیرد؟!*

۵- آیا تحریم متعه اجماعی است؟

مخالفت گروهی از صحابه و اعتقاد آنان به جواز متعه، بهترین دلیل است بر اینکه بر حرمت متعه اجماعی منعقد نشده است و فقهای اهل سنت مانند زرقانی و ماوردی و مرغینانی در کتاب المنتقی و ... به این مطلب تصریح دارند.

الف: ابو الولید باجی در المنتقی می‌نویسد: اینکه فرزند به پدر ملحق می‌شود، دلیل است که اجماع بر حرمت متعه محقق نشده است. روشن است که اگر بر حرمت متعه اجماعی وجود داشت، نباید فرزند از آن پدر می‌شد. (۱)

ب: زرقانی نیز می‌نویسد: گروهی از صحابه قائل به جواز متعه بودند؛ مانند جابر، ابن مسعود، ابی سعید، معاویه، اسماء بنت ابی بکر، ابن عباس، عمر و بن حویرث، سلمه و برخی از تابعین نیز چنین بودند.

بعضی بر این مطلب چنین پاسخ داده‌اند که اختلاف در صدر اول اسلام تا آخر خلافت عمر بوده، ولی بعد از آن اجماع بر حرمت متعه صورت گرفته است ...

میان اصولی‌ها اختلاف است که آیا اجماع بعد، اختلاف قبل را رفع می‌کند یا نه، اختلاف همچنان باقی است؟ و اختلاف از اینجا ناشی شده

(۱). المنتقی، ج ۴، ص ۳۳۵؛ نیل الاوطار، ج ۶، ص ۱۳۶، و شوکانی می‌گوید: روایات زیاد است و اختلاف هم بزرگ است. الدراری المضمیئه، ج ۲، ص ۵۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۶

است که آیا هر کس متعه کرد، حد می‌خورد؟ در حالی که این احتمال وجود دارد عقد صورت گرفته باشد. (۱)

ج: ماوردی نوشته است: اگر کسی بگوید ابن عباس با آنان (که متعه را حرام می‌دانند) مخالفت کرده و با مخالفت او اجماع منعقد نمی‌شود، در پاسخ وی باید گفت: ابن عباس (از قول) به اباحه برگشته است. (۲)

در این مورد باید گفت: اولاً: برگشتن ابن عباس (همانطور که بعضی پنداشته‌اند) ثابت نشده است، بلکه تاریخ گواهی می‌دهد که ابن عباس تا آخر عمر خویش بر جواز (متعه) باقی بوده است.

ثانیاً: تنها ابن عباس مخالف نبوده، بلکه دهها نفر از صحابه (چنانکه اسامی آنها گذشت) با حرمت آن مخالفت کرده‌اند.

بنابراین، از سوی صحابه اجماعی بر حرمت (متعه) تحقق نیافته و اجماع بعد از اختلاف فایده‌ای ندارد (همانطور که گروهی از اصولی‌ها چنین می‌گویند) و زرقانی نیز به آن اشاره دارد. (۳)

د: شیخ مفید می‌گوید: امامیه معتقد به مباح بودن ازدواج متعه هستند، همانگونه که عبد الله بن مسعود و عبد الله بن عباس و جابر بن

عبدالله و سلمه بن اکوع و یعلی بن امیه و صفوان بن امیه و معاویه بن ابوسفیان نیز بر این نظریه بوده‌اند. گروهی از تابعین؛ مانند عطا و طاوس و سعید بن جبیر و جابر بن زید و

(۱). شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

(۲). الحاوی الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۵۳

(۳). شرح زرقانی، ج ۳، ص ۱۵۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۷

عمرو بن دینار نیز قائل به جواز متعه بوده‌اند.

ابو علی «۱» حسین بن علی بن یزید، نیز در کتاب معروفش «الاقضیه» به جواز متعه اشاره دارد. او یکی از پیشوایان اهل سنت و فقیه، ثقه و راستگو در نزد آنها است.

ابو جعفر محمد بن حیب نیز در کتاب المحبر می‌نویسد: گروهی از صحابه، (که بیشتر از بعضی نام بردیم، و افزون بر آنها، کسانی مانند) انس بن مالک و زید بن ثابت و عمران بن حصین نیز قائل به متعه بوده‌اند.

او می‌گوید: طبق نقل صحیح، علی بن ابی طالب علیه السلام هم معتقد به جواز متعه بوده است. «۲» *

۶- آشفستگی در روایات تحریم

روایات تحریم، در شدت آشفستگی و اضطراب است و بعضی از آنها با بعضی دیگر اختلاف دارد؛ زیرا دسته‌ای از آنها می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله متعه را در سال (جنگ) خیبر حرام کرده و در بعضی آمده که حرمت آن در سال فتح مکه بوده و دسته سوم معتقدند در غزوه تبوک تحریم گردیده و

(۱). درباره وی گفته‌اند: علّامه، فقیه بغداد، صاحب آثار، از شافعی فقه آموخت و در سال ۲۴۸ ه. ق. از دنیا رفت. ابن منده می‌گوید: بخاری با کرایسی همراهی می‌کرد. بغدادی نیز می‌گوید: او فهیم و عالم و فقیه بود و آثار زیادی در اصول و فقه دارد که نشان دهنده فهم نیکو و فراوانی علمش بود.

سیر اعلام النبلاء، ج ۱۲، ص ۸۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۲، ص ۳۱۱؛ تهذیب الکمال، ج ۴، ص ۳۷

(۲). الاعلام، ص ۳۷، ضمن سلسله تألیفات شیخ مفید، ج ۹

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۸

گروه چهارمی هم بر این اعتقادند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن را در حجه الوداع حرام کرد.

گفتنی است فاصله میان هر یک از این زمانها، بسیار است. البته جواب‌هایی بر این مسأله داده‌اند (که سستی و بی‌اساسی آن روشن و آشکار است).

گاهی گفته‌اند: متعه حلال بود، لیکن در سال (جنگ) خیبر حرام شد و به خاطر مصلحتی، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آن حلال کرد و سپس در حجه الوداع آن را حرام گردانید، گاهی نیز گفته‌اند: این اخبار تأکید بر حرمت متعه دارد.

در پاسخ باید گفت: پاسخ دوم با پاسخ اول تناقض دارد؛ زیرا بنابر پاسخ اول، پیامبر صلی الله علیه و آله چندین بار بعد از حرمت متعه، آن را حلال کرده است ولی در پاسخ دوم آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از حرمت هیچ‌گاه آن را حلال نکرد.

شهید ثانی پس از نقل روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، که در زمان (جنگ) خیبر از ازدواج متعه نهی کرد و

سپس در روایت اکوع که می‌گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله در سال (جنگ) اوطاس برای سه روز اجازه دادند و سپس نهی کردند و روایت جهنی که در آن آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله در سال فتح مکه اجازه دادند و سپس نهی کردند و در روایت احمد و ابی داود در آن آمده: رسول الله صلی الله علیه و آله در حَجَّه الوداع از آن نهی کردند و ... می‌گوید: در این اختلاف عظیم تأمل کن که چگونه ممکن است پیامبر صلی الله علیه و آله در خبیر نهی کرده باشد و در اوطاس اجازه دهد و بعد از سه روز دوباره نهی کند! با اینکه در اول اسلام جایز بوده (و آن حدیث اقتضاء استمرار جواز متعه

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۱۹

را دارد) سپس در فتح مکه که متأخر از همه روایات سابق است، اجازه دهد و سپس در همان وقت از آن نهی کند و آنگاه در حَجَّه الوداع که آخر همه آن روایات است! ...

بنابراین، لازم می‌آید که بارها حلال شود و نسخ گردد! «۱» *

۷- مناقشه در روایات معارض

اشاره

احادیث معارضی با نقل ابن عباس و سایر صحابه وارد شده ولی سند آنها ضعیف و از نظر متن نیز تحریف شده است. در بعضی از آنها چنین آمده است:

۱- حدیث ترمذی

اشاره

ترمذی از موسی بن عبیده، از محمد بن کعب و او از ابن عباس نقل می‌کند که گفت: متعه در آغاز اسلام صورت می‌گرفت؛ به طوری که مردی وارد شهری می‌شد و در آنجا کسی را نمی‌شناخت، آنگاه با زنی به اندازه مدت اقامتش ازدواج می‌کرد و آن زن نیز اموال او را حفظ می‌کرد و امور او را سامان می‌بخشید، تا اینکه این آیه نازل شد: «إِنَّمَا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ» *؛ ... «۲» «به غیر از همسران و کنیزان و ...»

ابن عباس می‌گوید: هر دامنی به جز این دو حرام است. «۳»

(۱). مسالك الافهام، ج ۷، ص ۴۲۸؛ التفسير الكبير، ج ۱۰، ص ۵۳؛ ذیل سوره نساء.

(۲). مؤمنون: ۶ و معارج: ۳۰

(۳). الجامع الصحيح، ج ۳، ص ۴۳۰؛ السنن الكبرى، ج ۷، ص ۲۰۶

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۰

بررسی سندی:

در سند حدیث موسی بن عبیده آمده است:

احمد بن حنبل می‌گوید: او منکر الحدیث است و روایات او صحیح نیست. «۱»

و نیز احمد- در مورد حدیث موسی بن عبیده، از محمد بن کعب، از ابن عباس- در حالی که دهانش را به علامت ردّ این حدیث کج کرده و دو دستش را بر هم می‌زد، می‌گوید: این متاع موسی است... همچنین می‌گوید: او حدیث را حفظ و ثبت نمی‌کرد. ابن معین می‌گوید: به حدیث او احتجاج نمی‌شود.

علی بن مدینی می‌گوید: موسی بن عبیده در حدیث، ضعیف است و روایات انکار شده و ناشناخته نقل می‌کند و ترمذی می‌گوید: تضعیف شده است، نسائی نیز گفته: ضعیف است و باز گفته: ثقه نیست.

ابن عدی می‌گوید: روایاتی که از موسی نقل کرده‌ام، همه‌اش محفوظ نیست و ضعف روایات او آشکار است. «۲»

ابن قانع گفته است: در او ضعف است. ابن حبان هم گفته ضعیف است. «۳»

در نتیجه، این معارض اعتباری ندارد، چون از اساس ساقط است و به این خاطر هیچ کدام از صحاح سته، جز ترمذی این حدیث را نیاورده‌اند، چنانکه اشاره شد.

(۱). تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۱۹

(۲). الکامل، ج ۶، ص ۳۳۷، شماره ۱۹۳/۱۸۱۴

(۳). تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۲۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۱

۲- حدیث سعید بن جبیر

از سعید بن جبیر نقل شده که گفت: به ابن عباس گفتم: آیا می‌دانی چه کرده‌ای و به چه چیزی فتوا داده‌ای (حلیت متعه)؟! فتوای تو را به شرق و غرب عالم برده‌اند.

او پاسخ داد...: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»! ... به خدا سوگند، من فتوا نداده‌ام و متعه را حلال نکرده‌ام، جز آنگونه که خداوند گوشت مردار و خون و گوشت خوک را حلال کرده است. «۱»

ابن قدامه افزوده است: پس ابن عباس برخاست و گفت: متعه مانند مردار و خون و گوشت خوک است و اجازه پیامبر صلی الله علیه و آله نسخ شده است. «۲»

در پاسخ باید گفت اولاً: سعید در این روایت کسی است که خود در مکه متعه کرد. «۳» بنابراین، معنا ندارد چنین حدیثی را نقل کند.

ثانیاً: اصحاب ابن عباس در مکه و یمن، بنابر مذهب ابن عباس همگی متعه را حلال می‌دانستند و اگر ابن عباس از فتوایش برگشته بود، باید آنها نیز از متعه دست بر می‌داشتند. «۴»

ثالثاً: در سند این روایت (بنابر نقل طبرانی) حجاج بن ارطاة وجود دارد و او (چنانکه هیشمی نیز با صراحت گفته) مدلس است. «۵»

(۱). السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۰۵

(۲). المغنی، ج ۷، ص ۵۷۳

(۳). مصنف عبد الرزاق، ج ۷، ص ۴۹۷

(۴). تفسیر القرطبی، ج ۵، ص ۱۳۳؛ فتح الباری، ج ۹، ص ۷۸

(۵). المغنی ابن قدامه، ج ۷، ص ۵۷۱

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۲

و یعقوب بن ابی شیبه نیز می‌گوید: در حدیث سهل انگار است و بسیار آشفتگی در نقل دارد. «۱»

و اما در طریق بیهقی، منهال بن عمرو از راویان است که شعبه از او روایت نقل نمی‌کند. به این خاطر که صدای ابزار خوش گذرانی و لهو و لعب از خانه‌اش شنیده شده است. ابن حزم نیز می‌گوید: او قوی نیست. «۲»

همچنین در سند این روایت، احمد بن سعید بن بشر همدانی است که او نیز قوی نیست (چنانکه نسائی هم چنین می‌گوید). «۳»
ابن وهب نیز در سلسله سند این روایت آمده و او عبد الله بن محمد دینوری است که وضع حدیث می‌کند (چنانکه دارقطنی نیز اشاره دارد) و عمرو بن سهل آن را دروغگو می‌داند. «۴»

در سند دوم او نیز افراد ناشناسی وجود دارد و با این حال نمی‌دانیم چگونه بعضی به وسیله این روایات استدلال می‌کنند؟!

۳- حدیث زهری

اشاره

گویا این روایت از مهم‌ترین روایاتی است که به وسیله آن، بر رجوع ابن عباس از فتوای خویش استدلال کرده‌اند و در این حدیث آمده است:

(۱). مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۵

(۲). سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۸۴؛ المغنی فی الضعفاء، ج ۲، ص ۶۸۹؛ الضعفاء و المتروکین، ج ۳، ص ۱۴۲

(۳). تهذیب الکمال، ج ۱، ص ۱۴۰؛ اخبار مکه فاکهی، ج ۳، ص ۱۲ و ۱۳

(۴). سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۳

ابن شهاب زهری از عبد الله و حسن فرزندان محمد بن علی، از پدرشان نقل می‌کند که از علی علیه السلام شنیده است که به ابن عباس می‌گوید: تو مردی خودخواه و متکبری! پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر از آن و از خوردن گوشت حمار نهی کرد. نووی از این روایت بر بطلان حلیت متعه استدلال کرده «۱» و نیز به ادله دیگری، که اجتهاد در مقابل نص است، احتجاج می‌کند.

چند اشکال:

۱- در غزوه خیبر، متعه زنان صورت نگرفت، بلکه این کار با واقعه تاریخی نیز سازگار نیست. ابن قیم در این باره می‌گوید:

الف: در ماجرای خیبر، صحابه با (زنان) یهود متعه نمی‌کردند و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به آن اجازه ندادند و هیچ کس در این جنگ متعه نکرد و هیچ ذکری از حرمت و یا انجام آن به میان نیامده است. «۲»

در جای دیگر می‌گوید: در خیبر، زنان مسلمان نبودند، بلکه آنها همه یهودی بودند و مباح بودن زنان یهودی (برای مسلمانان) ثابت نشده بود و بعد از آن در سوره نساء مباح شدند که می‌فرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ» «... ۳»
«امروز بر شما حلال گردید» ... پس اباحه زنان اهل کتاب در خیبر ثابت نشده بود. «۴»

(۱). المجموع، ج ۱۶، ص ۲۴۹

(۲). زاد المعاد، ج ۲، ص ۱۵۸ و ج ۳، ص ۳۴۳

(۳). مائده: ۵

(۴). زاد المعاد، ج ۲، ص ۲۰۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۴

ب: ابن حجر گفته است: در روز خیبر موقعیتی برای متعه زنان وجود نداشت و به این خاطر، در جنگ خیبر متعه واقع نشد. «۱» پس نهی (روز خیبر) به خاطر داخل شدن به خانه‌های اهل کتاب، بدون اجازه و زدن زنان آنها و خوردن میوه‌هایشان بود و این نیز بعد از آن بود که صاحب خیبر، خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله! آیا جایز است که حیوانات ما را سر ببرید و میوه‌های ما را بخورید و زنانمان را بزیند؟! ... پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد و فرمود: ابن عوف! بر اسب خود سوار شو (و برو)، سپس فریاد کشید: برای نماز جمع شوید. برخاست و فرمود:

خداوند عزّ و جلّ بر شما حلال نکرده است که بدون اجازه وارد خانه‌های اهل کتاب شوید و زنان آنان را بزیند و میوه‌هایشان را بخورید، تا زمانی که در مقابل شما مقاومت نمی‌کنند. «۲»

ملاحظه می‌کنید که در خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله (روز خیبر) نهی از متعه نبود، لیکن این امانت‌داران! روایتی به این روایت افزوده و یا اختراع کرده‌اند، (چنانکه عادت آنها چنین است)، و آن را به فرزندان محمد حنفیه نسبت داده‌اند که از پدرشان، از امام علی علیه السلام، نقل کرده است گویا به خاطر اینکه اوقع فی النفوس است (و بهتر در جان می‌نشیند). شاید حدیث امام علی علیه السلام که فرمود: اگر نهی عمر از متعه نبود، جز بدبخت کسی زنا نمی‌کرد «۳» و سرزنش عمر به خاطر حرام کردن متعه را فراموش کرده باشند!

(۱). فتح الباری، ج ۹، ص ۲۲

(۲). سنن ابی داود، ج ۳، ص ۱۷۰، ح ۳۰۵۰

(۳). التفسیر الکبیر، ج ۱۰، ص ۵۰؛ تفسیر طبری، ج ۵، ص ۹؛ الدرّ المنثور، ج ۲، ص ۱۴۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۵

ثانیا: مسلمانان بر حلیت متعه، در روزگار فتح مکه اتفاق دارند. «۱»

چگونه است که زمان ناسخ بر منسوخ مقدم می‌شود! و چگونه می‌شود که روز خیبر زمان نسخ حلیت متعه باشد با اینکه در روز فتح مکه حلال بوده است؟!

ثالثاً: اگر چنین روایتی در ردّ بر ابن عباس (که او را مردی تائه (گمراه) توصیف می‌کند) وجود داشت، سزاوار بود ابن عباس از نظر خود برگردد، در حالی که از فتوایش عدول نکرد و از اینجا فهمیده می‌شود که علی علیه السلام چنین روایتی را در تحریم متعه از پیامبر صلی الله علیه و آله برای وی نقل نکرده است.

ذهبی می‌گوید: از ابن عباس حکایت شده که وقتی علی علیه السلام این سخن (تو مرد خودخواهی هستی!) را به وی گفت، او از اعتقاد به حلیت متعه برگشت. لیکن ثابت کردیم که ابن عباس بعد از آن، از متعه بر نگشت؛ زیرا آنچه میان ابن عباس و ابن زبیر (برخورد لفظی شدید) رخ داد، زمان خلافت عبد الله بن زبیر و بعد از وفات (شهادت) علی علیه السلام بوده است. «۲» در نتیجه ضعف سخن خطابی آشکار می‌شود، او در کتاب خود گفته:

«تحریم متعه اجماعی است، به جز بعضی از شیعیان (مخالفت کرده‌اند) و این مخالفت صحیح نیست؛ زیرا بر قاعده آنان، در موارد

اختلاف باید به علی علیه السلام و آل بیتش رجوع کرد.

و در حدیث صحیحی از علی علیه السلام آمده است که متعه نسخ شده است. «(۳)»

(۱) الکشاف، ج ۱، ص ۴۹۸.

(۲) مسلم، ج ۱، ص ۶۲۶، (حاشیه)

(۳). فتح الباری، ج ۹، ص ۷۸

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۶

ولی می‌گوییم حدیث صحیح از حضرت علی علیه السلام که دلالت کند بر تحریم متعه زنان، کجا است؟ آن را به ما نشان دهید!

۴- حدیث سبره

حدیث ذیل را مسلم از سبره جهنی، از طرق متعدد نقل می‌کند که عبارتند از:

* طریق صحیح: قتیبه بن سعید از لیث، از ربیع بن سبره، از پدرش نقل می‌کند که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «هرکس زنی به صورت متعه دارد آن را رها کند.» (۱)

معنای این حدیث را (که خداوند به آن آگاه است) می‌توان چنین گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: از همسران موقت خود جدا شوید تا توان کوچ به مکه را داشته باشید، لیکن متأسفانه عذر تراشان خلیفه لفظ «فلیخلّ سیلها» (۲) را تحریف کرده، گفته‌اند: متعه از امروز تا روز قیامت حرام است!

* طریق دوم: مسلم از طریق دیگری، از عماره بن غزیه از ربیع بن سبره از پدرش نقل کرده است.

* طریق سوم: عبد العزیز بن عمر، از ربیع بن سمره روایت کرده است.

در مورد عبد العزیز بن عمر اختلاف است؛ خطابی از احمد بن حنبل

(۱). مسلم، باب نکاح المتعه، ج ۱، ص ۶۲۴؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۲۹؛ مجمع الزوائد، ج ۴، ص ۲۶۴؛ مقدمه مرآة العقول، ج ۱، ص ۲۰۴

(۲). آنها را رها کنید.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۷

نقل کرده و می‌گوید: او اهل حفظ و محکم کاری نبوده است. میمون بن اصبح از ابی مسهر نقل می‌کند که: حدیث او ضعیف است. (۱)

* طریق چهارم: مسلم با سند خود از عبد الملک بن ربیع بن سبره جهنی از پدرش و او از جدش نقل می‌کند.

ابو خيثمه گوید: از یحیی بن معین در مورد «احادیث عبد الملک بن ربیع، از پدرش از جدش» پرسیده شد در پاسخ گفت: ضعیف است.

ابن جوزی از ابن معین نقل می‌کند که گفت: عبد الملک ضعیف است.

أبو الحسن قطان گفته است: عدالت او ثابت نشده، هر چند مسلم از او نقل کرده است. پس قابل احتجاج نیست.

مسلم نیز تنها یک حدیث در مورد متعه، به پیروی از او نقل کرده است که پیشتر یادآوری کردیم. (۲)

در باره ربیع بن سبره نیز باید گفت که وی در سند حدیثی واقع شده که بخاری آن را رد کرده است. (۳)

و سیره «۴» که راوی این حدیث است و روایت بالا به او منتهی می‌شود،

(۱). تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۱۲

(۲). تهذیب التهذیب، ج ۶، ص ۳۵۰؛ تهذیب الکمال، ج ۱۲، ص ۳۶

(۳). تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۱۲؛ ابن حبان فرق گذارده بین سبره بن معبد جهنی پدر ربیع و بین سبره بن عوسجه ابی الربیع. ساکن ذی المروه، و از او چنین تعبیر می‌کند «له صحبه» یعنی کمی پیامبر را درک کرد. البته این مطلب سبب تردید در نسب جهنی می‌شود. علاوه بر آنکه توثیق هم ندارد، چنانچه بعضی ادعا کرده‌اند کتاب الثقات، ج ۳، ص ۱۷۶؛ المتعه المشروعه، ص ۵، علامه فانی اصفهانی.

(۴). تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۵۰

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۸

هر چند گفته‌اند او از صحابه بوده، لیکن کسی به شرح حال او نپرداخته و در کتب رجال از او سخنی به میان نیامده است. پس وی مجهول و ناشناخته است و از وی چیزی شناخته نشده، جز این یک حدیث و یا دو حدیث. بنابراین، او تنها با این روایت شناخته شده است. چگونه است که برخی می‌گویند او از مشاهیر و سرشناسان صحابه است! آیا او مانند ابی سعید و جابر بن عبد الله و ابن عباس و عمران بن حصین است؟!

چرا برخی سهل انگاری کرده، اقوال آن صحابه را رها می‌کنند و متکی به روایت یک فرد مجهول و ناشناس مانند سبره می‌شوند؟ افزون بر آن، از اختلاف در نقل این حدیث فهمیده می‌شود که تصرف و تحریفی در آن، جهت تأیید جایگاه خلیفه عمر بن خطاب صورت گرفته است.

با این همه، باید بگوییم که ما نمی‌خواهیم در طرق حدیث مناقشه کنیم؛ اگر با دقت و تأمل بیشتری به آن پردازیم، در طریق اول نیز جای تأمل و دقت است. به این جهت که لیث را به سهل انگاری (و بی‌دقتی) در شنیدن حدیث و گرفتن هر روایتی متهم کرده‌اند؛ چنانکه احمد بن حنبل و ابن معین و ازدی آن را گفته‌اند. «۱»

در طریق دوم نیز عماره بن غزیه است که عقیلی او را در شمار ضعفا یاد می‌کند. ابن حزم و متأخرین نیز (چنانکه عبد الحق می‌گوید)، او را ضعیف شمرده‌اند. «۲»

(۱). تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۲۱۲؛ تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۱۳۸

(۲). تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۵۰؛ الاصابه، ج ۲، ص ۱۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۲۹

۵- حدیث ایاس

ایاس بن عامر از علی علیه السلام روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه و آله از متعه نهی کرد و فرمود: «متعه برای کسی بود که تنگدست و فقیر بود و زمانی که ازدواج و طلاق و عده و میراث میان مرد و زن نازل شد، (متعه) نسخ گردید. «۱»

در سند آن، موسی بن ایوب آمده و عقیلی او را از ضعیفان شمرده‌اند. «۲»

یحیی بن معین و ساجی گفته‌اند: حدیث او ناشناخته است. «۳»

افزون بر آن، در سند این روایت، سفیان بن عیینه است که مدلس بوده و روایات را دستکاری می‌کرد.

یحیی بن سعید می‌گوید: شهادت می‌دهم که عقل سفیان بن عیینه در سال یکصد و هفتاد و هفت زایل شد. پس هر کسی در آن دوران) از او چیزی شنیده، معتبر نیست. «۴»

دلالت این حدیث نیز جای تأمل دارد؛ زیرا معنای حدیث این است که نکاح و طلاق و عده و میراث قبل از متعه تشریح نشده بود و زمانی که نکاح از طرف خدا آمد، به جای متعه قرار گرفت، و متعه نسخ شد، با اینکه آنها ادعا کرده‌اند که بارها متعه حلال شده بود؛ از جمله سه روز در فتح مکه.

آیا این بدان معنا نیست که تا آن روز هنوز نکاح تشریح نشده بود؟!

-
- (۱). السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۳۸
- (۲). الضعفاء الکبیر، ج ۴، ص ۱۵۴، شماره ۱۷۳۳
- (۳). تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۲۹۹، شماره ۵۸۹
- (۴). میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۱۷۰
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۰

۶- حدیث ابو هریره

ابو هریره می‌گوید: با پیامبر صلی الله علیه و آله برای غزوه تبوک خارج شدیم و به ثبیه الوداع رسیدیم. پیامبر صلی الله علیه و آله زنانی را دید که گریه می‌کردند. پرسیدند: چه شده است! گفتند: مردها این زنان را متعه کرده، سپس از آنها جدا شده‌اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ازدواج و طلاق و عده و میراث، متعه را حرام و نابود کرده است. «۱»

در سند این حدیث، مؤمل بن اسماعیل؛ یعنی ابو عبد الرحمن العدوی است.

بخاری می‌گوید: احادیث او ناشناخته است و دیگران گفته‌اند، کتب او دفن شده است و افزوده است: حدیث نقل می‌کرد و بسیار اشتباه می‌نمود. «۲»

بقیه روایات معارض نیز همین گونه است؛ یعنی یا از نظر سند و یا از نظر متن و دلالت خدشه دارد ولی به لحاظ رعایت اختصار از آن صرف نظر می‌کنیم.*

۸- سلاح کسی که در پاسخ در مانده است!

اشاره

وسيله هر کسی که از پاسخ عاجز شده و در ردّ ادله و نص فرو مانده، آن است که مانند شناگر در حال غرق، دست و پا می‌زند و منطق و برهان و استدلال را فراموش می‌کند.

-
- (۱). السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۳۷
- (۲). تهذیب التهذیب، ج ۱۰، ص ۳۳۹
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۱

در اینجا نیز (چنین انسان) به کسانی که متعه را جایز می‌دانند خطاب می‌کند و می‌گوید: آیا شما دوست دارید که زنانان متعه شوند؟!

پس این نهایت چیزی است که عاجز و ناتوان به آن استدلال می‌کند و گویا آن را جواب کوبنده‌ای که بالاتر از آن جوابی وجود ندارد می‌شمارد، گویی پیروزی بزرگی نصیبش شده و دشمن را با این شیوه سخن، از پاسخ دادن عاجز کرده است! و خصم نیز نمی‌تواند جواب او را بدهد.

بعضی از مخالفین جواز متعه، در گفتگوهای خود به این حربه روی آورده‌اند؛ مانند عبد الله بن معمر (عمر) لیشی و ابو حنیفه و متن گفتگوی آنها چنین است:

۱- گفتگو میان امام باقر علیه السلام و لیشی

آبی گوید: روایت شده که عبد الله بن معمر لیشی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: به من گفته‌اند که شما به (حلیت) متعه فتوا می‌دهید؟ حضرت فرمود: خداوند آن را در کتابش حلال شمرده و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آن را سنت خویش قرار داده و اصحاب او نیز به آن عمل کرده‌اند.

عبد الله گفت: ولی عمر آن را نهی کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: پس تو به اعتقاد صاحبت عمل کن! و من نیز به فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله عمل می‌کنم.

عبد الله گفت: آیا خوش حال می‌شوی اگر دختران شما مورد متعه واقع شوند؟

امام فرمود: چرا نام دختران را به میان می‌آوری ای احمق؟ آن کسی که در کتابش متعه را حلال شمرده و برای بندگانش مباح قرار داده، از تو و آن کس

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۲

که بی‌جهت از متعه نهی می‌کنید غیرتمندتر است و دیگر اینکه آیا می‌پسندی و خوش حال می‌شوی که دخترانت به ازدواج حائک (بافنده و جولا) درآیند؟

گفت: نه.

فرمود: چرا حلال خدا را حرام می‌شماری؟

گفت: نه حرام نمی‌شمارم. ولی آن مرد هم شأن من نیست.

حضرت فرمود: خداوند نیز انجام آن را پسندیده و به آن ترغیب و تشویق نموده و به انجام دهنده آن حوری بهشتی تزویج می‌کند.

آیا تو از آنچه خداوند رغبت دارد دوری می‌جویی؟ و از آنچه هم‌شأن حوری بهشتی است کبر و تجاوز می‌کنی؟

عبد الله خندید و گفت: سینه‌های شما ریشه درخت‌های علم است که میوه‌های آن برای شما و برگ‌های آن برای مردم است. «۱»

گفتنی است، کلینی آن را روایت کرده و مجلسی نیز سند آن را نیکو دانسته و در آن بعد از جمله او که گفت: آیا خوش حال

می‌شوی که ... آمده است: امام باقر علیه السلام هنگامی که سخن از زنان و دختران به میان آورد، از او روی گرداند. «۲»

(۱). نثر الدرر، ج ۱، ص ۳۴۴؛ الهیئة المصریة العامة للکتاب، کشف الغمّة، ص ۳۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۳۵۶

(۲). کافی، ج ۵، ص ۴۴۵، ح ۴، و در آنجا آمده است: عبد الله بن عمر لیشی، تهذیب الاخبار، ج ۷، ص ۲۵۰، ح ۶، وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۶، باب ۱، ح ۴؛ بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۴۴۹، باب ۱، ح ۱۱؛ مرآة العقول، ج ۲۰،

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۳

۲- گفتگو میان ابو حنیفه و مؤمن طاق

مرحوم کلینی می‌گوید: علی بن ابراهیم گفته است: ابو حنیفه از ابو جعفر محمد بن نعمان صاحب طاق پرسید: ای ابو جعفر، در مورد متعه چه می‌گویی؟ آیا آن را حلال می‌دانی؟ گفت: آری.

گفت: پس چرا زنان را از اینکه متعه شوند و (برایت) درآمد کسب کنند، باز می‌داری؟

ابو جعفر پاسخ داد: چنین نیست که در هر چیزی شوق و رغبتی باشد، هر چند در شمار حلالها است. مردم اندازه‌ها و مراتبی دارند و اندازه‌های خود را نگه می‌دارند، ولی ای ابو حنیفه، در مورد نبیذ (شراب) چه می‌گویی، آیا حلال است؟ گفت: آری.

گفت: پس چرا زنان را در مغازه‌های شراب‌فروشی قرار نمی‌دهی تا برایت درآمد کسب کنند؟

ابو حنیفه گفت: یکی در برابر یکی، ولی پاسخ تو محکم‌تر بود.

آنگاه گفت: ای ابو جعفر. آیه‌ای که در «سَأَلَ سَائِلٌ» (سوره معارج «۱») است، به حرمت متعه حکم می‌کند و روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به نسخ آیه وارد شده است.

ابو جعفر پاسخ داد: سوره «سَأَلَ سَائِلٌ» «۲» مکی است و آیه متعه «۳» مدنی

(۱). معارج: ۳۰

(۲). المعارج، ص ۱

(۳). نساء: ۲۴

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۴

است. «۱» و روایت تو نیز شاذ و نادر است.

در این هنگام ابو حنیفه گفت: آیه میراث نیز به نسخ متعه دلالت می‌کند.

ابو جعفر گفت: این نکاح (متعه) بدون ارث است. «۲»

ابو حنیفه گفت: چنین چیزی چگونه ممکن است؟ (که ازدواج بدون ارث واقع شود؟)

ابو جعفر پاسخ داد: اگر مردی از مسلمانان با زنی از اهل کتاب ازدواج کند و آنگاه آن مرد بمیرد، در مورد آن زن چه می‌گویی؟

گفت: آن زن اهل کتاب از مرد مسلمان ارث نمی‌برد.

گفت: پس ازدواج بدون میراث هم وجود دارد.

آنگاه از هم جدا شدند...

و این خلاصه‌ای بود از بحث و بررسی در موضوع یکی از مهمترین مسائل اختلافی میان مذهب اهل بیت علیهم السلام و سایر مذاهب اسلامی.

نَسَأَلُ اللَّهَ حُسْنَ الْعَاقِبَةِ □

و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

نجم الدین طبسی - قم

۳۰ / ربیع الثانی / ۱۴۲۱

- (۱). پس نمی‌تواند سوره مکی (که قبل از سوره‌های مدنی بوده) سوره مدنی را نسخ نماید.
- (۲). یعنی متعه از عموم آیه ارث به وسیله نصوص (مخصوص) خارج می‌شود، همانطور که اهل کتاب بودن را نیز خارج کردید. ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۵

کتابنامه

فقها و نویسندگان شیعه، از دوران‌های گذشته تا به امروز، در زمینه «متعه» یا «ازدواج موقت» کتاب‌ها و مقالات بسیار نگاشته‌اند و بر مشروعیت و جواز آن استدلال کرده‌اند.

اکنون تعدادی از نوشته‌ها را، فهرست کرده، برای آگاهی خوانندگان می‌آوریم:

- ۱- کتاب المتعه لابن إسحاق النهاوندی. ۲۶۹ هـ.
- ۲- رساله فی المتعه، للشيخ إبراهيم قطفان، ۱۲۶۴ هـ.
- ۳- کتاب المتعه، لأبي يحيى الجرجاني، المستبصر فی الإمامه، حكاة الطوسی فی الفهرست.
- ۴- کتاب المتعه، لأحمد بن يحيى القمی، ۳۵۰ هـ.
- ۵- کتاب المتعه، لأبي جعفر القمی، ذكره النجاشی.
- ۶- رساله فی المتعه للعلامة المجلسی ت ۱۱۱۱ هـ. طبعت فی مجموعه من رسائله.
- ۷- کتاب المتعه، لبندار بن عبد الله الإمامی كما وصفه النجاشی.
- ۸- کتاب المتعه، للمحامی توفیق الفکیکی، و فيه الرد علی موسی جار الله، ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۶
- طبع عام ۱۳۵۶ هـ. مع تقریظ العلامة کاشف الغطاء.
- ۹- کتاب المتعه، للسید الشریف المذری العلوی، ذكره النجاشی.
- ۱۰- کتاب المتعه، للحسن بن خزاد القمی، ذكره النجاشی.
- ۱۱- کتاب المتعه، للحسن بن علی بن أبی حمزه البطائی، ذكره النجاشی.
- ۱۲- کتاب المتعه، لأبي محمد الحسن بن علی بن فضال الكوفی، ذكره النجاشی.
- ۱۳- کتاب المتعه، لأبي عبد الله السعدی القمی، ذكره النجاشی.
- ۱۴- کتاب المتعه، لأبي القاسم الأشعری، ۲۹۹ هـ.
- ۱۵- کتاب المتعه، للشيخ نظام الدين الصهرشتی، بين القرن الرابع و الخامس.
- ۱۶- کتاب المتعه، لأبي الفضل الوراق، ذكره النجاشی.
- ۱۷- کتاب المتعه، للسید عبد الحسين شرف الدين العاملی.
- ۱۸- لعلی بن إسماعیل بن شعيب بن میثم التمار الكوفی، معاصر هشام بن الحكم.
- ۱۹- کتاب المتعه، لأبي الحسن المهلبی الأزدی، ذكره النجاشی.
- ۲۰- کتاب المتعه، لأبي الحسن علی بن الحسين الفطحی، ذكره النجاشی.
- ۲۱- کتاب المتعه، لعلی بن الحسن الطائی الطاطری، ذكره النجاشی.
- ۲۲- رساله فی المتعه، للسید علی بن السید النصیر آبادی، ۱۲۵۹ هـ.
- ۲۳- رساله فی المتعه، للشيخ علی بن عبد الله البحرانی، ت ۱۳۱۸

- ۲۴- رساله فی المتعه، للسید النقوی الجایسی، ت ۱۳۲۹ ه.
- ۲۵- کتاب المتعه، لأبی أحمد الأزدی البغدادی، ت ۲۱۷، ذكره النجاشی.
- ۲۶- کتاب المتعه، لأبی الفضل الصابونی الجعفی، ساکن مصر، ذكره النجاشی.
- ۲۷- کتاب المتعه، للصفوانی، تلمیذ الکلینی، ذكره الشیخ الطوسی فی الفهرست.
- ۲۸- کتاب المتعه، لأبی الحسین الرهنی الشیبانی.
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۷
- ۲۹- کتاب المتعه، للشیخ الصدوق، ت ۳۸۱
- ۳۰- کتاب المتعه، للشیخ المفید، ت ۴۱۳ ه. و هو أحد كتبه الثلاثة فی المتعه، و له: الموجز فی المتعه أيضاً مختصر المتعه.
- ۳۱- کتاب المتعه، للشیخ مرتضی الأنصاری، ت ۱۲۱۸ ه.
- ۳۲- کتاب المتعه، لأبی الحسین النرماشیری، ذكره النجاشی.
- ۳۳- کتاب المتعه، لیونس بن عبد الرحمن، و هو غیر كتابه فی علل النکاح و تحلیل المتعه.
- ۳۴- کتاب المتعتین: متعه النساء و متعه الحج، لأبی إسحاق الثقفی ت ۲۸۳ ه.
- ۳۵- کتاب المتعتین، للفضل بن شاذان النیسابوری. «۱»
- ۳۶- کتاب الزواج الموقت فی مسائل المتعه و فوائدها للمجتمع البشري و إصلاح حال الإنسان، للسید هبه الدین الشهرستانی. «۲»
- ۳۷- کتاب عدّه المتمع بها، لمحمد تقی الداودی. «۳»
- ۳۸- کتاب المتعه بین الشریعه و البدعه لمرتضی الموسوی الأردبیلی.
- ۳۹- کتاب المتعه و مشروعيتها فی الإسلام لمجموعه من العلماء.
- ۴۰- کتاب المتعه للسید جعفر مرتضی.
- ۴۱- کتاب المتعه، للسید محمد تقی الحکیم.
- ۴۲- کتاب نکاح المتعه لنصر بن إبراهيم المقدسی.
- ۴۳- کتاب المتعه للشفائی.

(۱). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۹، ص ۶۷-۶۳

(۲). الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱۲، ص ۶۰

(۳). مرآة التحقیق، العدد الرابع، ص ۹۲

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۸

۴۴- کتاب الزواج الموقت لإسماعیل هادی.

۴۵- حقیقه زواج المسیار و مشروعیه المتعه، سید محمد علی بقاعی.

۴۶- زواج المتعه جلال الوردانی.

خوانندگان گرامی که علاقه‌مند به آگاهی بیشتر در این زمینه هستند، می‌توانند به کتاب‌های مفصلی که در این باره نگاشته شده، رجوع کنند.

ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۳۹

۱. القرآن الکریم
۲. الاستیعاب، لابن عبد البرّ القرطبی، ت ۴۶۳ ق. دار الکتب العلمیة، بیروت
۳. الإصابه، لابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ق. دار الکتب، بیروت
۴. الأعلام، للشیخ المفید، محمد بن محمد بن النعمان، ت ۴۱۳ ق. دار المفید، بیروت
۵. الأمالی، لمحمد بن علی بن الحسین المعروف بالصدوق، ۳۸۱ ق. دار الاعلمی، بیروت
۶. الام، لمحمد بن إدريس الشافعی، ت ۲۰۴ ق. دار المعرفة، بیروت
۷. الأنساب، لعبد الکریم التیمی السمعانی، ت ۵۶۲ ق. دار الکتب العلمیة، بیروت
۸. الأيام المکیة، لنجم الدین الطبسی، مرکز الدراسات الإسلامیة، قم المقدسه
۹. أحكام القرآن، للجصاص، ت ۳۷۰ ق. دار الکتب العربی، بیروت.
۱۰. أحكام القرآن، لأبی بکر ابن العربی، ت ۵۴۳ ق. طبع عیسیٰ الحلبی، قاهره
۱۱. أخبار مکة، لأبی عبد الله الفاکهی، کان حیاً، ۲۴۰ ق. دراسة و تحقیق دهیش
۱۲. اختیار معرفة الرجال المعروف ب (رجال الکشی)، أبو عمرو الکشی، ت ۳۸۵ ق. نشر جامعه مشهد المقدس
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۰
۱۳. إرشاد الساری، للقسطلانی، ت ۹۲۳ ق. دار التراث العربی، بیروت
۱۴. أسد الغابه، لابن الأثیر الشیبانی، ۶۳۰ ق. المكتبة الإسلامیة، طهران
۱۵. أصول الفقه، محمد الخضری بک، الاتحاد العربی، مصر ۱۳۸۹ ق.
۱۶. أنساب الأشراف، لأحمد بن یحییٰ البلاذری، ت ۲۷۹ ق. دار الفکر، بیروت
۱۷. بحار الأنوار، محمد باقر المجلسی - شیخ الإسلام، ت ۱۱۱۱، دار الوفاء، بیروت
۱۸. البحر الرائق، زین العابدین بن نجیم، ت ۹۷۰ ق. دار المعرفة، بیروت
۱۹. بدایه المجتهد، ابن رشد القرطبی، ت ۵۹۵ ق. دار المعرفة، بیروت
۲۰. البدایه و النهایه، إسماعیل بن عمر بن کثیر، ت ۷۷۴ ق. دار الفکر، بیروت
۲۱. تاریخ الأمم و الملوک، أبو جعفر الطبری، ت ۳۱۰ ق. دار الکتب العلمیة، بیروت
۲۲. تاریخ الإسلام، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ق. دار الکتب العربی، بیروت
۲۳. تاریخ بغداد، للخطیب أبی بکر البغدادی، ت ۴۶۳ ق. دار الکتب العلمیة، بیروت
۲۴. تاریخ خلیفه بن خیاط، أبو عمر العصفری، ت ۲۴۰ ق. دار الباز، مکة المکرمة
۲۵. تاریخ دمشق، لابن عساکر، ت ۵۷۱ ق. دار الفکر، بیروت
۲۶. التاريخ الكبير، لإسماعیل بن إبراهيم البخاری، ت ۲۵۶ ق. دار الفکر، بیروت
۲۷. التحرير الطاوسی، للشیخ حسن بن الشهيد الثاني، ت ۱۰۱۱ ق. الأعلمی، بیروت
۲۸. التذکره، محمد بن محمد بن النعمان - المفید، ت ۴۱۳ ق. دار المفید، بیروت
۲۹. تذکره الحفاظ، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ق. دار إحياء التراث العربی، بیروت
۳۰. ترتیب مسند الشافعی، للشیخ عابد السندی، ت ۲۰۴ ق. دار الکتب العلمیة، بیروت
۳۱. تفسیر البحر المحیط، لأبی حیان الأندلسی، ت ۷۴۹ ق. دار الفکر، بیروت

۳۲. تفسیر القرآن العظیم، لإسماعیل بن کثیر الدمشقی، ت ۷۷۴ ق. دار المعرفة، بیروت
۳۳. التفسیر الکبیر، للفخر الرازی، ت ۶۰۶ ق. مطبعة البهیه المصریه
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۱
۳۴. تقرب التهذیب، لابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ق. دار المعرفة، بیروت
۳۵. تنقیح المقال، للشیخ عبد الله المامقانی، ت ۱۳۱۵ ق. المطبعة المرتضویه، النجف الأشرف
۳۶. تهذیب التهذیب، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ق. دار الفکر، بیروت
۳۷. تهذیب الكمال، لأبی الحجاج المزی، ت ۷۴۲ ق. دار الفکر، بیروت
۳۸. الجامع لأحكام القرآن، أبو عبد الله القرطبی، ت ۶۷۱ ق. دار الکتب العربی، القاهرة
۳۹. جامع البیان، لابن جریر الطبری، ت ۳۱۰ ق. مکتبه نزار مصطفی، الرياض
۴۰. الجامع الصحیح، محمد بن عیسیٰ الترمذی، ت ۲۹۷ ق. دار إحياء التراث العربی، بیروت
۴۱. جمهره أنساب العرب، ابن حزم الظاهری، ت ۴۵۶ ق. دار المعارف، مصر، تحقیق عبد السلام هارون
۴۲. الجرح و التعديل، عبد الرحمن التمیمی الرازی، ت ۳۲۷ ق. دار إحياء التراث العربی، بیروت
۴۳. الحاوی الکبیر، لأبی الحسن الماوردی، ت ۴۵۰ ق. دار الفکر، بیروت
۴۴. حقیقه الشیعۀ الاثنی عشریۀ، أسعد وحید الفلستینی، معاصر
۴۵. حلیۀ الأولیاء، لأبی نعیم الأصبهانی، ت ۴۳۰ ق. دار الفکر، بیروت
۴۶. حلیۀ العلماء، لأبی بکر الشاشی، ت ۵۰۷ ق. مکتبه الرسالۀ الحدیثه، الأردن
۴۷. خلاصه الأقوال، الحسن بن یوسف بن علی بن المطهر الحلبي، ت ۷۲۶ ق.
منشورات الرضی، قم المقدسه
۴۸. الدراری المضيئه، للشوکانی، ت ۱۲۵۵ ق. دار المعرفة، بیروت
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۲
۴۹. الدر المنثور - تفسیر - جلال الدین السیوطی، ت ۹۱۱ ق. محمد أمين دمج، بیروت
۵۰. الذریعۀ إلی تصانیف الشیعۀ، للشیخ آقا بزرك الطهرانی، ت ۱۳۸۹ ق.
المکتبه الإسلامیۀ، طهران
۵۱. زاد المعاد، ابن قیم الجوزیۀ، ت ۷۵۱ ق. عبد الرؤف طه، طبع مصطفی الحلبي، مصر، ۱۳۹۰ ق.
۵۲. سنن أبی داود، سلیمان بن الأشعث السجستانی، ت ۲۷۵ ق. دار إحياء السنۀ النبویۀ، بیروت
۵۳. سنن الطیالسی، لأبی داود الطیالسی، ت ۲۰۴ ق. دار المعرفة، بیروت
۵۴. السنن الکبری، أبو بکر البیهقی، ت ۴۵۸ ق. دار المعرفة، بیروت
۵۵. سیر أعلام النبلاء، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ق. الرسالۀ، بیروت
۵۶. شذرات الذهب، أبو الفلاح، ابن عماد، ت ۱۰۸۹ ق. المکتب التجاری، بیروت
۵۷. شرائع الإسلام، للمحقق الحلبي، ت ۶۷۶ ق. مطبعة الآداب، النجف الأشرف
۵۸. شرح الزرقانی، عبد الباقي الزرقانی، ت ۱۰۹۹ ق. طبع عیسیٰ الحلبي، مصر
۵۹. شرح فتح القدير، محمد المعروف بابن الهمام، ت ۶۸۱ ق. طبع مصطفی الحلبي، مصر، ۱۳۸۹ ق.
۶۰. الشرح الکبیر، لأحمد الدردیر، ت ۱۲۰۱ ق. طبع عیسیٰ الحلبي، مصر

۶۱. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید المعتزلی، ت ۶۵۶ ق. دار احیاء الکتب العربیه، بیروت
۶۲. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، ت ۲۵۶ ق. دار المعرفه، بیروت
۶۳. صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج القشیری، ت ۲۶۱ ق. مصطفی البابی الحلبی، مصر، طبع ۱۳۷۷
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۳
۶۴. الضعفاء الکبیر، محمد بن عمر العقیلی، ت ۳۲۲ ق. الدار العلمیه، بیروت
۶۵. طبقات الحفاظ، للسیوطی، ت ۹۱۱ ق. دار الکتب العلمیه، بیروت
۶۶. الطبقات، لخلیفه بن خیاط، ت ۲۴۰ ق. تحقیق سهیل زکار، مطابع وزارة الثقافة، دمشق
۶۷. طبقات الفقهاء، لأبی إسحاق الشیرازی الشافعی، ت ۴۷۶ ق. دار الرائد العربی، بیروت
۶۸. الطبقات الکبری، محمد بن سعد بن منیع البصری، ت ۲۳۰ ق. دار صادر، بیروت
۶۹. العبر فی خبر من غیر، شمس الدین الذهبی، ت ۷۴۸ ق. دار الکتب العلمیه، بیروت
۷۰. العقد الفرید، ابن عبد ربّه الأندلسی، ت ۳۲۷ ق. دار الکتب العربی، بیروت
۷۱. عمده القاری، بدر الدین العینی، ت ۸۵۵ ق. دار احیاء التراث العربی، بیروت
۷۲. الغدیر، للشیخ عبد الحسین الأمینی، ت ۱۳۹۰ ق. مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیه، قم المقدسه
۷۳. الفتاوی الکبری، ابن تیمیّه، ت ۷۲۸ ق. دار المعرفه، بیروت
۷۴. فتح الباری بشرح البخاری، ابن حجر العسقلانی، ت ۸۵۲ ق. دار احیاء التراث العربی، بیروت
۷۵. الفروع، محمد بن مفلح المقدسی، ت ۷۶۳ ق. عالم الکتب، بیروت
۷۶. الفقه علی المذاهب الأربعة، عبد الرحمن الجزیری، ت ۱۳۶۰ ق. دار احیاء التراث العربی، بیروت
۷۷. الفوائد المجموعه فی الأحادیث الموضوعه، للشوکانی، ت ۱۲۵۰ ق. دار الکتب العلمیه، بیروت
ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۴
۷۸. قاموس الرجال، للشیخ محمد تقی التستری، ت ۱۴۱۵ ق. جماعه المدرسین، قم المقدسه
۷۹. القاموس المحیط، للفیروزآبادی، ت ۸۱۷ ق. دار الجیل، بیروت
۸۰. الکافی، محمد بن یعقوب الرازی الکلینی، ت ۳۲۸ ق. المطبعه الإسلامیه، طهران
۸۱. الکامل فی الضعفاء، عبد الله بن عدی الجرجانی، ت ۳۶۵ ق. دار الفکر، بیروت
۸۲. کشف الظنون، مصطفی بن عبد الله الشهیر ب (الحاج خلیفه)، ت ۱۰۶۷ ق.
دار احیاء التراث العربی، بیروت
۸۳. کشف القناع، منصور بن یونس البهوتی، ت ۱۰۵۱ ق. عالم الکتب، بیروت
۸۴. الکشاف - فی تفسیر القرآن، محمود بن عمر الزمخشری، ت ۵۳۸ ق. دار الکتب العلمیه، بیروت
۸۵. کنز العمال، المتقی الهندی، ت ۹۷۵ ق. مؤسسه الرساله، بیروت
۸۶. اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه، للسیوطی، ت ۹۱۱ ق. دار الکتب العلمیه، بیروت
۸۷. مآثر الإنافه فی معالم الخلفه، أحمد بن عبد الله القلقشندی، ت ۸۲۱ ق.
تحقیق عبد الستار أحمد، وزارة الإرشاد الكويتی، ۱۹۶۴ ق.
۸۸. المبسوط، شمس الدین السرخسی، ت ۴۹۰ ق. دار الفکر، بیروت
۸۹. المتعه بین الشریعه و البدعه، مرتضی الموسوی الأردبیلی - معاصر

۹۰. مجله تراثنا، إصدار مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم المقدسه
۹۱. مجله مرآة التحقيق، إصدار مكتب الأعلام الإسلامی، قم المقدسه
۹۲. مجمع البحرين، فخر الدين الطريحي، ت ۱۰۸۵ ق. المكتبة المرتضوية، طهران
۹۳. مجمع الزوائد، على بن أبي بكر الهيثمي، ت ۸۰۷ ق. دار الكتب العلمية، بيروت
۹۴. المجموع، محي الدين بن شرف النووي، ت ۶۷۶ ق. دار الفكر، بيروت
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۵
۹۵. المحاضرات، للراغب، أبو القاسم بن محمد الأصبهاني، ت ۵۶۵ ق.
۹۶. المحبّر، أبو جعفر محمد بن حبيب الهاشمي، ت ۲۴۵ ق. دار الآفاق الجديدة، بيروت.
۹۷. المحلّي، ابن حزم الأندلسي، ت ۴۵۶ ق. دار الآفاق الجديدة، بيروت
۹۸. مرآة العقول، محمد باقر المجلسي، ت ۱۱۱۱ ق. دار الكتب الإسلامية، طهران
۹۹. مسالك الأفهام، زين الدين الجبعي (الشهيد الثاني)، ت ۹۶۵ ق. مؤسسه المعارف الإسلامية، قم المقدسه
۱۰۰. المسائل الصاغانية، محمد بن محمد بن النعمان، الملقب - بالمفيد، ت ۴۱۳ ق. دار المفيد، بيروت
۱۰۱. مستدركات علم الرجال، الشيخ على النمازي الشاهرودي، ت ۱۴۰۵ ق.
- المطبعة الحيدرية، طهران
۱۰۲. مسند أحمد، أحمد بن حنبل، ت ۲۴۱ ق. دار الفكر، بيروت
۱۰۳. مسند الطيالسي، سليمان بن داود الفارسي - الشهير بأبي داود الطيالسي، ت ۲۰۴ ق. دار الباز، مكة المكرمة
۱۰۴. مسند الشافعي، لمحمد بن إدريس، ت ۲۰۴ ق. رتبه سنجر بن عبد الله، ت ۷۴۵ ق. دار الكتب العلمية، بيروت
۱۰۵. المصنّف، عبد الرزاق الصنعاني، ت ۲۱۱ ق. المكتب الإسلامي، بيروت
۱۰۶. المصنّف، ابن أبي شيبة العبسي، ت ۲۳۵ ق. دار الفكر، بيروت
۱۰۷. المعارف، لابن قتيبة الدينوري، ت ۲۷۶ ق. نشر الشريف الرضي، قم المقدسه
۱۰۸. المعجم الكبير، سليمان بن أحمد الطبراني، ت ۳۶۰ ق. وزارة الأوقاف العراقية
۱۰۹. المعجم المفهرس لألفاظ أحاديث بحار الأنوار، مكتب الأعلام الإسلامی، قم المقدسه
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۶
۱۱۰. معجم المؤلفين، عمر رضا كحالة، دار إحياء التراث العربي، بيروت
۱۱۱. معجم رجال الحديث، السيد أبو القاسم الخوئي، ت ۱۴۱۳ ق.
- دار الزهراء، بيروت
۱۱۲. المغني، أبو محمد عبد الله بن أحمد بن قدامة، ت ۵۴۱ ق. عالم الكتب، بيروت
۱۱۳. المغني في الضعفاء، أبو عبد الله الذهبي، ت ۷۴۸ ق. دار المعارف، حلب
۱۱۴. مفتاح كنوز السنه، أي، فنسك، دار الباز، مكة المكرمة
۱۱۵. مقدمه مرآة العقول، للسيد مرتضى العسكري، دار الكتب الإسلامية، طهران
۱۱۶. المنتقى، أبو الوليد الباجي، ت ۴۹۴ ق. طبع السعادة، مصر، عام ۱۳۳۲ ق.
۱۱۷. منجد الطلاب، للأب لويس معلوف اليسوعي، دار المشرق، بيروت
۱۱۸. المهذب، لابن البراج الطرابلسي، ت ۴۸۱ ق. جماعة المدرسين، قم المقدسه

۱۱۹. المهذب، أبو إسحاق الشيرازي، ت ۴۷۶ ق. عيسى البابی، مصر
۱۲۰. موارد السجن، نجم الدين الطبسی، مركز الأعلام الإسلامی، قم المقدسه
۱۲۱. الموطأ، مالك بن أنس، ت ۱۹۰ ق. بروایة يحيى الأندلسی، دار إحياء التراث العربی، بیروت
۱۲۲. الموضوعات لابن الجوزی، ت ۵۹۷ ق. دار الفكر، بیروت
۱۲۳. میزان الاعتدال، شمس الدين الذهبي، ت ۷۴۸ ق. دار المعرفة، بیروت
۱۲۴. النجوم الزاهرة، يوسف بن تغری الأتابکی، ت ۸۷۴ ق. دار الكتب العلمیة، بیروت
۱۲۵. نساء مبشرات بالجنة، أحمد خليل جمعة، دار ابن كثير، دمشق
۱۲۶. النفي و التغريب، نجم الدين الطبسی، مجمع الفكر الإسلامی، قم المقدسه
۱۲۷. النهاية فی غريب الحديث، ابن الأثير الجزري، ت ۶۰۶ ق. مؤسسه إسماعيلیان، قم المقدسه
۱۲۸. نيل الاوطار، محمد بن علي الشوكاني، ت ۱۲۵۵ ق. دار الكتب العلمیة، بیروت
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۷
۱۲۹. الوافي بالوفيات، صلاح الدين الصفدي، ت ۷۶۴ ق. جمعیه المستشرقین الألمانیه
۱۳۰. وسائل الشيعة، محمد بن الحسن الحر العاملي، ت ۱۱۰۴ ق. مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم المقدسه
۱۳۱. وفيات الأعيان، أحمد بن محمد بن خلکان، ت ۶۸۱ ق. دار الثقافة، بیروت
۱۳۲. الهداية فی شرح البداية، برهان الدين المرغيناني الحنفي، ت ۵۹۳ ق.
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۴۹

آثار منتشر شده از مؤلف

۱. الايام المكيه من عمر النهضة الحسينية چاپ چهارم
 ۲. الرجعة فی أحاديث الفريقين / اول
 ۳. النفي و التغريب فی مصادر التشريع الإسلامی / اول
 ۴. الوهابية دعاوی و ردود / اول
 ۵. روافد الإيمان / نهم
 ۶. تشريع الأذان و فصوله / اول
 ۷. تقييم حديث العشرة المبشرة / اول
 ۸. دراسات فقهية فی مسائل خلافة / دوم
 ۹. صوم عاشوراء بين السنة و البدعة / دوم
 ۱۰. معجم أحاديث الإمام المهدي عليه السلام - مشتركاً - / اول
 ۱۱. حديث الثقلين - مشتركاً - / اول
 ۱۲. موارد السجن فی النصوص و الفتاوى / دوم
 ۱۳. الإرسال و التكفير / اول
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۵۰
۱۴. فی رحاب حکومت الامام المهدي عليه السلام / سوم

۱۵. الزواج الموقت عند الصحابة و التابعین / دوم
 ۱۶. صلاة التراویح بین السنة و البدعة / دوم
 ۱۷. السجن و النفی فی مصادر التشریع الإسلامی / اول
 ۱۸. چشم‌اندازی به حکومت حضرت مهدی علیه السلام / پنجم
 ۱۹. امام حسین علیه السلام در مکه / اول
 ۲۰. لما ذا البكاء علی الحسین علیه السلام / اول
 ۲۱. رفع الشبهات / اول
 ۲۲. پاسخ به شبهات مذهبی / پنجم
 ۲۳. تخلف از جنگ / اول
 ۲۴. ایلام دیار شیعیان گمنام / اول
 ۲۵. به کارگیری مواد سمی در جنگ / اول
 ۲۶. فرار از جنگ / اول
 ۲۷. چرائی گریه / سوم
 ۲۸. رجال مقارن / اول
 ۲۹. رجعت از نظر شیعه / اول
 ۳۰. نظام ارتش در اسلام / اول
 ۳۱. مسائل خلافتی / اول
 ۳۲. پاسخ به هشت سؤال / دوم
 ۳۳. رویکرد عقلانی بر باورهای وهابیت / دوم
 ۳۴. حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام / اول
- ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، ص: ۱۵۱

آثار خطی و چاپ نشده از مؤلف

۳۵. نظرة جدیدة فی حياة الجواد علیه السلام
۳۶. دراسة فی صحیح البخاری
۳۷. الإمام الحسن المجتبی علیه السلام

طبسی، نجم الدین - مترجم: شیرازی، محمد حسین، ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، در یک جلد، دلیل ما، قم -

ایران، اول، ۱۴۲۶ ه ق ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین؛ ص: ۱۵۱

۳۸. حياة الخواجة الطوسی

۳۹. رحلة الإمام الصادق علیه السلام الى العراق

۴۰. شرح کفایة الاصول

۴۱. القواعد الفقهیة - أربعون قاعدة

۴۲. دروس فی العقائد - مائۀ درس - □
۴۳. تقریر بحث‌های اصول و فقه آیت الله وحید دام ظلّه
۴۴. تقریر بحث‌های اصول آیت الله فاضل لنکرانی دام ظلّه
۴۵. شرح زیارۀ الجامعۀ - سخنرانی‌های بیروت -
۴۶. السلف و السلفیون

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

